

نوزده سال «نشر ریاضی»: گفت‌وگویی با سیاوش شهشهانی، محمدقاسم وحیدی اصل، و سیامک کاظمی

سعید مقصودی

چکیده. نزدیک به یک قرن از انتشار مجلات فارسی در حوزه ریاضیات می‌گذرد. این مجلات، مانند ستارگانی، درخشیدند و سپس محو شدند. در میان آن‌ها، یک مجله، با هر معیار کمی و کیفی، از دیگران متمایز است: مجله «نشر ریاضی». این مجله در فروردین ۱۳۶۷ توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد. هدف بنیانگذاران آن فراهم آوردن «نوعی متکامل‌تر و مدرن‌تر از مجلات برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ریاضیات و تمام علاقه‌مندان در این سطح بود. مجله‌ای که از امکانات ویرایشی و فنی حرفه‌ای بهره می‌برد و با زبانی ویرایش‌شده و تا حد امکان دقیق، به انتشار مطالبی می‌پرداخت که پیشرفت‌های جدید، شاخه‌های نوین، و همچنین جنبه‌های کاربردی، تاریخی و فلسفی ریاضیات را معرفی می‌کرد. این اقدام همچنین گامی برای ارتقای سطح زبان فارسی در نگارش ریاضی، هم در ترجمه و گاه در تألیف مقالات توصیفی بود». در این مقاله ضمن گفت‌وگویی با سه نفر از اعضای اصلی «هیئت ویراستاران» مجله تاریخچه‌ای از چگونگی تأسیس و اصول حاکم بر مجله و رموز موفقیت آن را بررسی می‌کنیم و، در پایان، فهرست جامعی از کارنامه نوزده‌ساله آن را می‌آوریم.

۱ مقدمه

سید محمد طباطبائی می‌نویسد [۲۱]: «... مطبوعات مشتمل بر روزنامه و جریده و مجله و صحیفه و ماهنامه و هفته‌نامه، مانند حکومت مشروطه و فرهنگ جدید و پست و تلگراف و راه‌آهن و هواپیما و اتومبیل و چاپخانه و رادیو و تلویزیون همه مظاهر دیگر زندگانی عصری که زیر ما قرار گرفته‌اند، بدون استثناء ره‌آورد تمدن و فرهنگ اروپا میباشند که از یکصد و هفتاد سال بدین طرف از پس هم، راه ایران را در پیش گرفته‌اند تا به چشم و دست ما رسیده‌اند.» پیش‌شمارهٔ اولین نشریهٔ ادواری فارسی ایران در سال ۱۲۵۲ ق/۱۲۱۵ ش در تهران طلوع کرد. بنیانگذار این نشریه بی‌نام

عبارات و کلمات کلیدی: مجله‌های ریاضی فارسی، نشر ریاضی، مرکز نشر دانشگاهی، نوشته‌های توصیفی
نوع مقاله: ترویجی؛ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۰

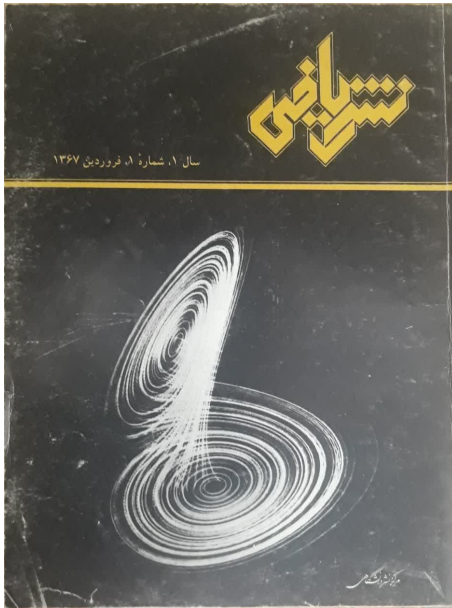
که با عنوان‌های کاغذ اخبار، اخبار، نشریه میرزا صالح و چندتایی دیگر یاد می‌شود، میرزا محمد صالح شیرازی کازرونی بود که جزو دومین گروه محصلان اعزامی برای تحصیل رهسپار انگلستان شده بود. اولین نشریه علمی ایران نیز روزنامه علمی دولت علیه ایران بود که اولین شماره آن در ۱۲۸۰ ق/ ۱۲۴۲ ش منتشر شد. همچنین آنچه را امروزه می‌توان مجله ادواری نامید مجله فلاح مظفری است که در ۱۳۱۸ ق/ ۱۲۷۹ ش منتشر شد. با پاک‌گفتن انتشار روزنامه در ایران لغات مجله‌نویسی و علمی‌نویسی وارد فرهنگ ما شد [۵]. آنچه مجلات منتشر می‌کردند عمدتاً مقاله (به معنای جدید آن در فارسی) نامیده می‌شد که تبدیل به یک نوع ادبی جدید شد و جذابیت آن چنان بود که ناصرالدین‌شاه هم «آرتیکل‌نویس» شد. کمترین تأثیر نشریات بر زبان فارسی معاصر این بود که «درست‌نویسی و ساده‌نگاری فارسی، روان‌نویسی متن، برابرسازی واژه‌های بیگانه، و نگارش نخستین شیوه‌نامه نشانه‌گذاری/علائم سجاوندی/ اصول نقطه‌گذاری و ویرایش در متون فارسی به همت روزنامه‌نگاران فراهم آمد» [۱۵]. همچنین «مردم در اثر خواندن و شنیدن مطالب گوناگون روزنامه از آن قالب‌بندی فکری و ذکری محدود سلف و سنتی توانستند به سوی افقی بازتر و آزادتر چشم باز کنند و به آرزوی پرواز در فضای آزادی، بال و پر بکشایند» [۲۱].

اولین مجله تخصصی در حوزه ریاضیات در ایران با نام مجله حل‌المسائل ریاضی در سال ۱۲۰۴ ق/ ۱۳۰۶ ش توسط عبدالله ریاضی، علی‌اصغر ناصر، و حسین هورفر منتشر شد. این نوع مجله‌ها، صرف‌نظر از مطالب صرفاً خبری آن‌ها، به دو دسته کلی «پژوهشی» و «توصیفی» تقسیم می‌شوند. تعداد انگشت‌شماری از این مجله‌ها در صدساله اخیر در ایران منتشر شده‌اند؛ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به [۲۶، ۳، ۱۳] مراجعه کنید. یکی از این مجله‌ها، که از هر لحاظ ممتاز و متمایز از سایرین است، مجله نشر ریاضی است که اولین شماره آن در فروردین ۱۳۶۷ و آخرین شماره آن در تیرماه ۱۳۹۰ منتشر شد. طراحان اولیه مجله می‌خواستند مجله زیر نظر مرکز نشر دانشگاهی چاپ بشود. این مرکز در اسفندماه ۱۳۵۹ و پس از تعطیلی دانشگاه‌ها، توسط ستاد انقلاب فرهنگی عمدتاً برای تهیه و نشر کتب درسی دانشگاهی به منظور تسهیل امر آموزش برای استادان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تأسیس شد.

در این نوشته، ابتدا به نحوه تأسیس، ذکر ویژگی‌های بارز و اصول حاکم بر نشر ریاضی می‌پردازیم و سپس طی گفت‌وگوهایی با ویراستار و دو مدیر مسئول مجله، که نقش سردبیری آن را داشتند، اطلاعاتی درباره روال کار و اهداف و مشکلات مجله به دست خواهیم آورد. در پایان نیز فهرست جامعی از مقالات منتشرشده در طول نوزده سال فعالیت مجله را خواهیم آورد.

۲ نشر ریاضی: تأسیس، ارکان، و اهداف

در مورد تأسیس مجله نشر ریاضی چنین گفته شده است [۲۴]: «هدف از انتشار مجله نشر ریاضی این بود که نوع متکامل‌تر و مدرن‌تری از مجلات در دسترس دانشجویان کارشناسی، و کارشناسی ارشد ریاضیات و همه علاقه‌مندان با معلوماتی در آن سطوح قرار گیرد، مجله‌ای برخوردار از امکانات حرفه‌ای ویرایشی و فنی که با زبان ویراسته و حتی‌المقدور دقیق به انتشار مطالبی برای شناساندن پیشرفت‌های جدید و شاخه‌های تازه علوم ریاضی و نیز جنبه‌های کاربردی، تاریخی، و فلسفی ریاضیات بپردازد. این اقدام همچنین گامی بود برای ارتقای سطح زبان ریاضی‌نویسی فارسی در زمینه ترجمه و بعضاً تألیف مقاله‌های توصیفی.»



در فروردین ۱۳۶۷ اولین شماره مجله نشر ریاضی با بهای ۲۵۰ ریال و حق اشتراک سالانه ۷۵۰ ریال منتشر می‌شود. مدیر مسئول آن مهدی بهزاد و هیئت ویراستاران/تحریریه عبارت‌اند از غلامرضا برادران خسروشاهی، مهدی بهزاد، یحیی تابش، محمد جلوداری ممقانی، مهدی رجبعلی‌پور، سیاوش شهشهانی، و سیامک کاظمی. در شرح روی جلد آن نیز از آقای فرخ وطن به‌خاطر مشارکت در شکل‌گیری مجله و آقای محمدحسین حلیمی به‌خاطر طراحی عنوان مجله سپاس‌گزاری شده است. حروف‌چینی با همکاری واحد لاینوترون مرکز نشر دانشگاهی و لیتوگرافی، چاپ، و

روی جلد اولین شماره صحافی نیز در چاپخانه دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده است. مسئول فنی نادر کثیری و طراح و صفحه‌آرا نیز محمد حسن‌پور ذکر شده است.

این مجله پیشنهاد و طرحی بود از یحیی تابش به همراه فرخ وطن و سیامک کاظمی که مسئولیت امور آن را مهدی بهزاد، مدیر وقت گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی، برعهده گرفت. مهدی بهزاد در باره تأسیس و روش کار این مجله در دو سال اول چنین می‌نویسد [۴]: «در گذشته‌ای نه چندان دور

متأسفانه در جامعه ریاضی ما فراوان نیست. مشکلات مراحل فنی و چاپی مخصوصاً اگر تأکید بر بی‌غلط بودن و انتشار به موقع مجله باشد، و بسیاری از این مراحل در کنترل شخص نباشد، برای خود داستانی دارد. با این همه، در پایان اسفندماه ۱۳۶۶ نخستین شماره نشر ریاضی انتشار یافت و تاکنون شش شماره آن به موقع منتشر شده است. تاکنون کوشیده‌ایم به اهدافی که به دقت تعیین کرده‌ایم وفادار بمانیم، خواننده ما می‌داند که نشر ریاضی یک مجله صرفاً تکنیکی نیست. بلکه به جنبه‌های گوناگون پژوهشی، آموزشی، تاریخی، و فلسفی ریاضیات هم توجه دارد. ما می‌کوشیم چشم و گوش خوانندگان باشیم، دست‌اندرکاران انجمن ریاضی ایران را یاری رسانیم، کاستیها را به مقامات آموزشی و پژوهشی کشور نشان دهیم و آنها را راهنمایی کنیم. مشکلات دوره دکتری ریاضی، جذب استاد، جذب دانشجوی، کتابخانه‌های ریاضی و کتابهای درسی ریاضی به زبان فارسی را به بحث و نظر خواهی گذاشته و بررسی دقیق و اسلوبمند آنها را درخواست کرده‌ایم. اینک که هیأت ویراستاران سومین سال فعالیت خود را پشت سر می‌گذارد، با داشتن تجربه فراوان و پشتوانه حمایت خوانندگان برای تعالی کار خود در تلاش است. شخصاً ضمن ابراز مسرت از این تجربه کم‌نظیر، و سپاس از همکاری مرکز نشریان، و تک‌تک ویراستاران، داوران و مشاوران، موفقیت مدیریت جدید و هیأت ویراستاران دوره‌های بعد را صمیمانه آرزو می‌کنم و امیدواریم با مساعدت بیش از پیش مرکز نشر دانشگاهی و یاری و همفکری ریاضیدانان ایرانی، به ویژه آنها که دور از این دیار به منابع سرشار دسترسی دارند، نشر ریاضی همواره پربار و به موقع در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.»

در همان شماره اول مجله، اهداف آن به روشنی بیان شده است [۸]: «ریاضیات فرهنگی گسترده دارد. نشریات ادواری ریاضی نقش مؤثری در اشاعه این فرهنگ ایفا می‌کنند. چنین نشریاتی باید بر زیربنای علمی غنی و دقیقی استوار باشند و در ضمن، از فنون و ظرایف مجله‌نویسی نیز بهره گیرند. تحقق این امر، به‌ویژه استمرار آن، جز با حمایت نهاد متشکلی که دارای امکانات حرفه‌ای لازم باشد، میسر نیست. با توجه به نیازهای موجود و تجربه‌های گذشته، نشر ریاضی پا به عرصه انتشار می‌گذارد.»

نشر ریاضی می‌خواهد به زبانی توصیفی، آگاهی از ریاضیات را اشاعه دهد. در این مجله زمینه‌های جدید و جذاب ریاضی، دستاوردهای مهم و دیدگاههای نوین را معرفی می‌کنیم و در عین حال، به تاریخ، فلسفه، و آموزش ریاضی، نقد و بررسی کتابهای تازه، و اخبار مربوط به ریاضیات و ریاضیدانان می‌پردازیم. درباره مسائل روز جامعه ریاضی و دانشگاهی کشور، دیدگاههای صاحب‌نظران را مطرح می‌سازیم.

مخاطب نشر ریاضی، جامعهٔ روبه گسترش ریاضی‌خوان کشور است، از دانش‌آموزان کنجکاو سالهای آخر دبیرستان تا ریاضیکاران حرفه‌ای و سیاستگذاران علمی کشور. در راهی که در پیش داریم، پشتوانهٔ ما استقبال، حمایت، و همکاری خوانندگان است.»

در بروشور مجله نیز اهداف و بخش‌های آن به خوبی آمده است [با اندکی تغییر]: «نشر ریاضی از نشریات ادواری مرکز نشر دانشگاهی است که هر شش ماه یک‌بار منتشر می‌شود. اهداف اصلی مجله: معرفی پیشرفت‌های جدید ریاضیات، معرفی شاخه‌های جدید علوم ریاضی و مباحث مورد توجه پژوهشگران، معرفی جنبه‌های کاربردی، فرهنگی، فلسفی و تاریخی ریاضیات، معرفی کارهای ریاضی‌پژوهان فارسی‌زبان و ایجاد ارتباط بین آنان، طرح مسائل آموزشی ریاضیات، به‌ویژه در آموزش دانشگاهی ایران. بخش‌های مجله عبارت‌اند از سرمقاله؛ گزارش؛ مقاله؛ مسأله؛ کتاب؛ دیدگاه. نشر ریاضی مطالب خود را به زبانی توصیفی و تشریحی عرضه می‌کند تا برای طیف گسترده‌ای از علاقه‌مندان قابل استفاده باشد. مخاطبان اصلی شامل مدرسان ریاضی، دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ریاضی، دانشجویان علوم و مهندسی، و عموم علاقه‌مندان با دانش پایه‌ای از ریاضیات دانشگاهی. نشریه شامل مجموعه‌ای از مقاله‌ها (مشمول بر معرفی مباحث نو و کلاسیک؛ معرفی مباحث و کاربردهای اخیر؛ متنهای کلاسیک)، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و میزگردها در زمینه ریاضیات و پیشرفت‌ها، کاربردها، جنبه‌های آموزشی، فرهنگی و تاریخی آن (مشمول بر زندگینامه و خاطرات ریاضی‌دانان؛ تاریخ ریاضی؛ فلسفه ریاضی؛ گزیده قطعاتی از کتابهای معروف؛ نقد و معرفی کتاب)، و مسائل جامعه ریاضی و دانشگاهی ایران است. بخشی از مطالب از منابع خارجی ترجمه می‌شود و بخش دیگر نوشته ریاضی‌دانان ایرانی یا حاصل نظرخواهی‌ها، میزگردها و مصاحبه‌هایی است که مجله با صاحب‌نظران داخلی و خارجی ترتیب می‌دهد.»

۱.۲ فراز و نشیب‌های ادارهٔ نشر ریاضی

مجله در ابتدا قرار بود به‌صورت فصلنامه منتشر شود ولی تا پایان سال ۱۳۶۸ (پایان دورهٔ مدیر مسئولی مهدی بهزاد) به‌طور مرتب هر سال در سه شمارهٔ جدا منتشر شد و از ابتدای سال ۱۳۶۹ تا پایان سال ۱۳۷۰ نیز در سه شماره ولی عملاً هر سال ۲ مجلد از آن منتشر شد. در سال ۱۳۶۹، با رفتن بهزاد، مجله در خطر تعطیلی قرار می‌گیرد ولی حسین معصومی همدانی، که علاقه‌مند به ادامهٔ انتشار مجله است، نقش هماهنگ‌کنندهٔ هیئت تحریریهٔ را برعهده می‌گیرد و در این سال مجله بدون مدیر مسئول رسمی و با هیئت ویراستاران آقایان یحیی تابش، محمدرضا درفشه، سیامک کاظمی،

و حسین معصومی همدانی انتشار می‌یابد. در توضیح این مسائل هیئت ویراستاران می‌نویسند [۴]: «شایسته است که هیأت ویراستاران نشر ریاضی با استفاده از این فرصت ضمن سپاسگزاری از زحمات دکتر بهزاد، برخی مشکلات تهیه و انتشار مستمر این نشریه را با خوانندگان در میان بگذارد. در سرمقاله یکی از شماره‌های پیشین از کمبود نیروی انسانی صحبت کردیم و گفتیم که این کمبود، حتی در انتشار سالی سه شماره نشر ریاضی فشار کاری عظیمی بر دست‌اندرکاران مجله وارد می‌آورد. اعضای هیأت ویراستاران اشتغالات دیگری در ارتباط با ریاضیات دارند و بیشتر آنان اعضای تمام‌وقت هیأت علمی دانشگاه‌های کشورند. تنها در اوقات تعطیل و در لابلای کارهای دیگر است که امکان پرداختن به امور نشر ریاضی فراهم می‌آید. هر چند که فکر این مجله همواره در ذهن ماست و همه‌جا و همه‌وقت نوشته‌های جدید، مؤلفان و مترجمان بالقوه، و اندیشه‌های نو را جستجو می‌کنیم.

در چنین شرایطی، وجود مهدی بهزاد برای ما برکتی سه‌گانه بود. اول این که ایشان دوران بازنشستگی زودرسی را می‌گذراند و گرچه هنوز جوان و فعال و پرمشغله بود، اشتغال رسمی در خارج از چارچوب مرکز نشر دانشگاهی نداشت. این فراغت نسبی به وی امکان می‌داد که امور روزمره مجله را مجدانه پیگیری کند و مشکلاتی را که در هر یک از مراحل کار، مجله را تهدید به تأخیر و تعطیل می‌کنند، با تکیه به تجربه و پشتکار خود از میان بردارد. به عنوان نمونه، در «سخن مدیر مسؤل»، دکتر بهزاد از انتشار به موقع شش شماره اول سخن می‌گوید حال آنکه خوانندگان ما می‌دانند که شماره مرداد ۱۳۶۸ در اواخر مهرماه به بازار عرضه شد. این شماره بایستی در اواسط مرداد ماه از چاپ خارج می‌شد ولی پس از رفتن دکتر بهزاد در این ماه، کار چند روزه چاپ و صحافی مجله بیش از دو ماه به طول انجامید. این تنها یکی از مشکلاتی است که ممکن است گریبانگیر نشریه ادواری شود و برای رفع آن، پیگیری ممتد و روزمره لازم است.

نکته دوم اینکه در بیشتر مدت زمان تهیه چند شماره اول، دکتر بهزاد مدیریت گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی را نیز به عهده داشت. این مسؤولیت، ایشان را در موقعیتی قرار می‌داد که می‌توانست به نحو مطلوب از نیروهای موجود در این سازمان برای انتشار مجله بهره‌گیرد بی‌آنکه نگران تداخل مسؤولیت باشد.

و بالاخره، حسن سوم مدیریت ایشان، رعایت کامل موازین دموکراسی بود. در جلسات متعدد و طولانی هیأت ویراستاران، محتوای مجله به دقت مورد بحث قرار می‌گرفت، هر نوشته پیشنهادی زیر ذره‌بین موشکافی می‌رفت، و متن‌ها و تصاویر پذیرفته شده گاهی سه چهار بار دستخوش تجدیدنظر

می‌شد. عهد و قرار ما این بود که در عین رعایت نظام جلسه‌ای، بدون پرده‌برشی هر گونه انتقادی را که بجا می‌بینیم عنوان کنیم و نسبت به هیچ نقطه‌ضعفی اغماض نوزیم. این جلسات برای هر یک از ما تجربه‌ای کم‌نظیر بود. احساس کردیم که می‌توانیم آزادانه بحث و انتقاد کنیم بی‌آنکه کار به دشمنی و ستیز منتهی شود. در این تجربه‌ی ویژه، مهدی بهزاد به عنوان رئیس جلسه و سپس به عنوان سرپرست اجرایی مصوبات هیأت ویراستاران، نقش مهمی داشت. او توانست با اجرای دقیق این مصوبات، همکاری و مشارکت روزافزون اعضای هیأت را بیش از آنچه که در برنامه بود، جلب کند و نیروی موجود را در اعتلای مجله به کار گیرد.

با توجه به آنچه که گذشت، مشکلات جدیدی که در آستانه‌ی آغاز سال سوم مجله پیش روی ماست برای خوانندگان روشن می‌شود. یکایک ما به تداوم این کار مؤمن هستیم ولی نمی‌توانیم وظایف و تعهدات دیگر خود را نادیده بگیریم. امید ما این است که راهی مطلوب برای اداره‌ی امور روزمره‌ی مجله گشوده شود تا بتوانیم همچنان از طریق انتشار این نشریه مصدر خدماتی به فرهنگ علمی کشورمان باشیم.»

از سال ۱۳۷۰ و سال چهارم انتشار مجله، سیاوش شهبهانی مدیر مسئولی مجله را تا سال ۱۳۸۳ عهده‌دار می‌شود. و از سال ۱۳۷۲ (سال پنجم انتشار مجله) مجله هر سال در دو شماره منتشر می‌شود.

در یکی از شماره‌های مجله، مدیر مسئول مجله درباره‌ی مشکلات پیش روی مجله چنین می‌نویسد [۹]: «انتشار ویژه‌نامه‌ی براور فرصتی است که نکاتی چند در مورد مشکلات تهیه‌ی یک مجله علمی-ترویجی اصیل مطرح کنیم. مدتی پیش جلسه‌ای داشتیم با یکی از مسؤولان امتیازبندی مجلات علمی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی. وقتی به ایشان توضیح دادیم که مجله‌ی ما یک مجله‌ی توصیفی و ترویجی است نه تحقیقاتی (به مفهوم رایج تحقیق در علوم پایه و ریاضیات) و ضوابط و آیین‌نامه‌های وزارتخانه اساساً جای ویژه‌ای برای این‌گونه نشریات در نظر نگرفته است، وی تصور کرد که شکسته‌نفسی می‌کنیم. توضیح دادیم که نشریه‌ی ترویجی به مقوله‌ای متفاوت از مجله‌ی پژوهشی تعلق دارد و ضوابط حاکم بر ارزشیابی آن نیز باید متفاوت باشد. ولی سخنانمان مؤثر نیفتاد و فرمودند که اگر حتی امتیاز کافی برای نشریه‌ی تحقیقاتی کسب نکنید ممکن است امتیاز کافی برای دریافت عنوان «علمی-ترویجی» بیاورید! ما از خیر رده‌بندی گذشتیم زیرا معتقد بودیم مجله‌ی علمی-ترویجی فی‌نفسه اصالت دارد نه اینکه یک مجله‌ی تحقیقی در سطح پایینتر از استاندارد باشد. به هر حال با کوشش فراوان سعی کرده‌ایم مجله را با کیفیت مورد نظرمان سر موعده آماده‌ی چاپ کنیم و

همواره مشوق ریاضی‌کاران باذوق بوده و هستیم که علی‌رغم برخوردار نبودن مجله از امتیاز رده‌بندی مجلات، در تألیف مقالات توصیفی در ریاضیات پیشگام شوند. کوشش نشر ریاضی از آغاز این بوده است که به یک جنگ ترجمه تبدیل نشود بلکه در راه دست‌یافتن به یک هویت اصیل حرکت کند و از نظر استانداردهای دقت علمی و ژورنالیستی همدریف نشریه‌های مشابه خارجی باشد. این کوشش متضمن صرف وقت و گاهی باعث تأخیر در فرستادن مجله به چاپخانه است. به یک نمونه از مشکلات که چاپ همین شماره مجله را یک ماه به تعویق انداخت توجه کنید. . . .»

اطلاعات مربوط به نشر ریاضی

سال‌های انتشار	تعداد شماره	تعداد مقالات	فاصله انتشار	ناشر
۱۳۶۷-۱۳۹۰	۳۵	۳۹۹	هر چهار ماه	مرکز نشر دانشگاهی
هیئت ویراستاران	محمد اردشیر، مهدی بهزاد، یحیی تابش، عطاءالله تقاء، محمد جلوداری‌مقانی، علیرضا جمالی، حسن حقیقی، غلامرضا خسروشاهی، مهدی رجبعلی‌پور، احمد شفیع‌ی ده‌آباد، سیاوش شهشهانی، پدram صفری، سیامک کاظمی، امیدعلی کرمزاده، کاوه لاجوردی، حسین معصومی همدانی، محمدقاسم وحیدی اصل			
مشاوران / همکاران	فریبرز آذرپناه، محمد مهدی ابراهیمی، میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، محمد اردشیر، امیرحسین اصغری، شاپور اعتماد، امیر اکبری، اسماعیل بابلیان، محمد باقری، علیرضا بحرینی، ناصر بروجردیان، عطاءالله تقاء، رامین تکلویغش، مگردیچ تومانیان، روح‌الله جهانی‌پور، سپیده چمن‌آرا، اکبر حسنی، احمد حقانی، حسن حقیقی، غلامرضا خسروشاهی، مسعود خلخالی، محمدرضا خواجه‌پور، سعید ذاکری، مهدی مجیدی ذوالنبین، علی رجالی، آرش رستگار، رحیم زارع‌نهندی، رشید زارع‌نهندی، محمدهادی شفیع‌یها، مهرداد شهشهانی، محمد صالح‌مصلحیان، کریم صدیقی، پدram صفری، بیژن ظهوری زنگنه، عبدالحسین عباسیان، عباس عدالت، صالح علی‌یاری، علی عمیدی، فرامرز فامیل سمواتی، سعید قهرمانی، سید محمدباقر کاشانی، عطارد کاویان، امیدعلی کرمزاده، پیمان کسایی، زهرا گویا، عبدالله محمودیان، حسین معصومی همدانی، همایون معین، کیوان ملاحی، اسدالله منجمی، رضا منصوری، حسین مهدیزاده، منوچهر میثاقیان، محمدعلی نجفی، بهرنگ نوحی، دیرک وان دالن، منوچهر وصال، حمید وحید			
مدیران مسئول	مهدی بهزاد، سیاوش شهشهانی، محمدقاسم وحیدی اصل			

با جدا شدن سیاوش شهشهانی از مجله انتشار آن هم از سال ۱۳۸۳-۱۳۸۵ متوقف می‌شود و به‌نوعی در یک بلاتکلیفی فرو می‌رود که متأثر از تغییرات کلی در مدیریت مرکز نشر بود. ادامه انتشار آن با مخالفت‌ها و موافقت‌های برخی در مرکز نشر مواجه می‌شود تا محمدقاسم وحیدی اصل به مدیریت گروه ریاضی مرکز نشر منصوب می‌شود و شورای گروه ریاضی پیشنهاد می‌کند انتشار مجله از سر گرفته شود. در سال ۱۳۸۵ انتشار مجله با هیئت تحریریه جدید آغاز می‌شود. هیئت

ویراستاران در سپاس‌گزاری از خدمات سیاوش شهشهانی و از سرگیری انتشار مجله می‌نویسد [۱۱]: «خدمات ذی‌قیمت سیاوش شهشهانی به نشر ریاضی شایسته سپاس و تقدیر بسیار است. ایشان از بدو تأسیس مجله، نخست به‌عنوان عضو هیأت ویراستاران (۱۳۷۰-۱۳۶۷) و سپس در سمت مدیر مسؤول و عضو این هیأت (۱۳۸۴-۱۳۷۰)، از عوامل بسیار مؤثر در تعیین مثنی و محتوی و فرم مجله بوده است. معلومات گسترده، دید کیفیت‌شناس، و حسن سلیقه او در ژورنال‌یسم علمی در این مدت طولانی بی‌دریغ در خدمت کیفیت مجله قرار داشته است. برای ایشان آرزوی تندرستی و بهروزی داریم و امیدواریم همان‌طور که خود وعده داده است، به همکاری با مجله به‌صورتی که مقتضی می‌داند، ادامه دهد.»

«در کشور ما گویی ابر و باد و خورشید و فلک دست‌به‌دست هم می‌دهند تا نشریات علمی جدی، از جمله نشریات مرکز نشر دانشگاهی، به موقع از چاپ در نیایند. گرفتاریهای دست‌اندرکاران مجلات که مشغله اصلی آنها کار دانشگاهی است نه مجله‌نویسی، دیر رسیدن مقاله‌ها که نویسندگان یا مترجمان آنها هم گرفتاریهای مشابهی دارند، وسواس و سختگیری ویراستاران در انتخاب مقاله و ویرایش آن که گاه به بازخوانیهای متعدد می‌انجامد (و اینها البته لازمه کار یک مجله جدی است)، انواع مشکلات فنی و اداری و روال کار در مؤسسات دولتی، از جمله عوامل تأخیر این مجله‌هاست. ولی این بار شماره نشر ریاضی تأخیری بیش از حد معمول دارد زیرا علاوه بر تمام عوامل پیشگفته عامل مهم دیگری هم در کار بوده و آن، تغییر و تحول در مدیریت و هیأت ویراستاران مجله و حالت تعویق و تعلیقی است که در بعضی از مراحل این جریان پیش آمد. آقای دکتر سیاوش شهشهانی مدیر مسؤول مجله پس از پانزده سال به‌خاطر گرفتاریهای دیگر و خستگی، بار این مسؤولیت را از دوش خود برداشت و چند ماه بعد، آقای دکتر محمدقاسم وحیدی اصل با پذیرش پیشنهاد شورای تخصصی گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی عهده‌دار این مسؤولیت شد. سپس نوبت به رایزنیها و بررسیهایی رسید که مدیر جدید بایستی برای تشکیل گروه همکاران و مشاوران انجام می‌داد. بالاخره هیأت ویراستاران جدید با ترکیبی که در صفحه فهرست می‌بینید آغاز به کار کرد و ممکن است با افزودن یکی دو نفر دیگر تکمیل شود. همچنین برای استفاده کمابیش مستمر از فکر و سلیقه جمع بزرگ‌تری از ریاضیدانان، از عده‌ای از صاحب‌نظران دعوت شده است تا با عنوان «همکار» در قالب طرحی با گردانندگان مجله همفکری و تشریک مساعی کنند.

گردانندگان مجله از دریافت هر نقد و نظری درباره این شماره و به‌طور کلی درباره خط‌مشی و نوع مطالب نشر ریاضی خشنود خواهند شد و آن را به دقت بررسی خواهند کرد. اما نتایج این

بررسیها هر چه باشد، خواهند کوشید سنتهای نیکوی نشر ریاضی که وجه ممیزه آن در ژورنالیسم ریاضی ایران بوده است، مانند دقت (در انتخاب مطالب و پردازش آن) و بی‌طرفی و رعایت موازین آکادمیک، برقرار بماند.»

۳ دو مؤسسه و یک واقعه

نشر ریاضی هم مانند هر پدیده دیگری در بستر مکان و زمان و به دست افراد خاصی به عرصه آمد. برای اینکه خواننده تصوّر درستی از اوضاع و احوال آن زمان و مکان داشته باشد لازم است قدری درباره آن‌ها صحبت کنیم.

۱.۳ دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف فعلی) و پردیس اصفهان

در برنامه‌های سوم تا پنجم طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶، آموزش عالی فنی جایگاهی محوری داشت، زیرا تصور می‌شد که توسعه صنعتی و اداری کشور بدون تربیت نیروی انسانی متخصص امکان‌پذیر نیست. در این چارچوب، دانشگاه صنعتی آریامهر به‌عنوان نهادی طراحی شد که بتواند مستقیماً به نیازهای توسعه ملی پاسخ دهد و در عین حال، استانداردهای علمی بین‌المللی را برآورده سازد. محمدرضا شاه، که از عملکرد دانشگاه تهران رضایت نداشت — شاید به دلیل تحركات سیاسی در دانشگاه تهران — در ۱۱ آبان ۱۳۴۴ محمدعلی مجتهدی (استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران و رئیس دبیرستان البرز) را مأمور تأسیس دانشگاه صنعتی کرد. مجتهدی پس از تدوین اساسنامه، دانشگاه را در کمتر از یک سال تأسیس کرد و آن را دانشگاه صنعتی آریامهر نام‌گذاری کرد و خود نایب‌التولیه آن شد؛ تولیت (ریاست اسمی) این دانشگاه را شاه به عهده داشت. او برای تأمین استادان آن به خارج از ایران سفر کرد و ۷۰ نفر از جوانان ایرانی فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های آمریکا و اروپا را به استخدام در آورد. در مهر ۱۳۴۵ دانشگاه فعالیتش را در تهران با شش صد دانشجو در رشته‌های مهندسی برق، مکانیک، متالورژی، و شیمی آغاز کرد. به‌منظور تأمین استقلال و وابسته نبودن به دولت، عمده هزینه‌های این دانشگاه از کمک‌های شرکت نفت تأمین می‌شد.

در سال ۱۳۴۶، علاوه بر چهار رشته نام‌برده، در دو رشته «مهندسی ریاضی» و «مهندسی فیزیک» هم دانشجو پذیرفته شد و به دانشجویان اجازه داده شد که از چهار رشته دیگر به این رشته‌ها تغییر رشته بدهند. دانشجویان می‌توانستند با «مدرک مهندسی ریاضی» یا «ریاضی» فارغ‌التحصیل شوند. در سال ۱۳۴۷، رشته‌های مهندسی ریاضی و مهندسی فیزیک که هر دو در دانشکده مهندسی

علوم بودند به صورت دو دانشکده مستقل در آمدند. اولین رئیس دانشکده «مهندسی ریاضی» دکتر مرتضی انواری بود و یکی از تأثیرگذارترین استادان این دانشکده تازه تأسیس دکتر مهدی ضرغامی بود که در همان سال ۱۳۴۷ به استخدام دانشکده در آمد. در سال ۱۳۵۰ دانشکده «مهندسی ریاضی» به دانشکده «ریاضی و کامپیوتر» تغییر نام داد که سه نوع لیسانس ریاضی، ریاضی با کهاد کامپیوتر، و مهندسی علوم در ریاضی اعطا می‌کرد.

مجتهدی در بهمن سال ۱۳۴۶ از نایب‌التولیت دانشگاه برکنار و فضل‌الله رضا جانشین او شد. رضا کمتر از یک سال بعد استعفا داد و از طرف دربار محمدرضا امین از ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۱ جانشین او شد. در دوران ریاست امین، طرح انتقال دانشگاه به اصفهان به اجرا در آمد. گرچه در متن فرمان تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر محل آن در تهران و هدف از آن ایجاد دانشگاهی برای رفع نیازهای تخصصی صنعتی کشور ذکر شده بود، به مرور زمان چند نفر از افراد بانفوذ دست به کار شدند و شاه را قانع کردند تا دانشگاه صنعتی آریامهر را در اصفهان بسازد، زیرا کارخانه ذوب آهن در آن شهر قرار دارد. به همین دلیل از همان ابتدا محل دانشگاه اصفهان اعلام شد و مقرر شد که موقتاً تا پایان ساخت پردیس اصفهان، دانشگاه در تهران دانشجو بگیرد. آیین‌نامه انتقال به اصفهان در ۱۳۴۸ به تصویب هیئت امنا رسید. امین، مهدی ضرغامی را به عنوان معاونت خود در این حوزه منصوب کرد. پس از آن، برنامه‌ریزی برای احداث پردیس اصفهان آغاز شد. تیرماه ۱۳۵۰ برای تهیه طرح جامع دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان، پروفیسور گوردون براون، که ده سال رئیس دانشکده فنی دانشگاه ام‌تی‌تی آمریکا بود، همراه با گروه مهندسان مشاور شرکت آرتور دولیتل به ایران آمدند.

پس از امین و به پیشنهاد او، سید حسین نصر به ریاست دانشگاه منصوب شد. مراحل اداری انعقاد قرارداد طرح اصفهان تا زمان نصر طول کشید. نصر قرارداد نهایی تهیه طرح را با یک شرکت خارجی منعقد کرد و ضرغامی مجری آن شد. برای تأمین کادر آموزشی و پژوهشی دانشگاه نیاز به کسانی بود که نه تنها با تکنولوژی روز جهان کاملاً آشنا باشند، بلکه بتوانند مسائل بزرگ جامعه را مطالعه و بر این اساس در آینده سیاست علمی و تکنولوژی و اقتصادی کشور را بنا کنند. موفقیت در حفظ دو پردیس دانشگاه نیاز به تأمین کادر آموزشی لازم برای هر دو پردیس داشت. هم‌زمان با طراحی ساختمان‌ها و فضای دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان، برای تهیه کادر آموزشی و پژوهشی و نیروی انسانی متخصص دانشگاه در اصفهان کمیته‌ای با عضویت ضرغامی تشکیل شد تا دانشجویان با استعداد را شناسایی و آنان را برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر جهان اعزام

کند. به این منظور، آیین‌نامهٔ اعزام تهیه شد و به تصویب هیئت امنای رسید و اولین گروه دانشجویان در سال ۱۳۵۰ اعزام شد. تا سال ۱۳۵۶، حدود ۲۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشگاه‌های دیگر برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند.

نصر می‌نویسد [۸، ص ۷۴]: «شاه که حامی این دانشگاه بود از من خواست این دانشگاه را به مؤسسه‌ای نظیر مؤسسهٔ تکنولوژی ماساچوست (MIT) تبدیل کنم که ریشه‌های عمیقی هم در فرهنگ ایرانی داشته باشد. در دورهٔ سه سالهٔ تصدی من بر آنجا (که خیلی زود بواسطهٔ بیماری من منجر به استعفایم شد) سعی کردم تا برنامهٔ علوم انسانی پرمایه‌ای را طراحی کنم». در این دوره، سه نفر از دانشجویان مورد اعتماد نصر، غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی و ویلیام چیتیک که در دورهٔ دکترای فلسفه و اسلام‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تحصیل می‌کردند، به استخدام دانشگاه صنعتی آریامهر درآمدند. آنان با استقرار در مرکز تعلیمات عمومی (علوم انسانی)، به تدریج همچنان‌که هدف نصر بود، مباحث مذهبی را در مجموعه علوم انسانی گنجانده‌اند.

پس از نصر، مهدی شقاقی ضرغامی به ریاست دانشگاه (۱۳۵۴-۱۳۵۶) منصوب شد. در دوران او نیز راه‌اندازی پردیس اصفهان پی‌گیری شد. در مهر ۱۳۵۶ دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان به بهره‌برداری رسید و با پذیرش حدود هشتصد دانشجو در شانزده رشتهٔ فنی و مهندسی فعالیت خود را آغاز کرد [۲۹]. دانشجویانی که به قصد تأمین کادر علمی دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان به کشورهای خارجی رفته بودند، به کشور بازگشتند و در کادر آموزشی دانشگاه اصفهان استخدام شدند. در آن زمان، براساس الگوی اولیهٔ پردیس تهران، یک کمیتهٔ سه‌نفره از سه بخش (ریاضی، فیزیک، و شیمی) دانشکده‌ای را که تنها وظیفه‌اش ارائهٔ دروس سرویس علوم پایه بود اداره می‌کرد. پس از تحولاتی در سال ۱۳۶۵ این سه بخش به‌صورت سه دانشکدهٔ ریاضی، فیزیک، و شیمی از هم جدا شدند.

در ۱۳۵۵، پس از ده سال فعالیت مؤثر دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران، اهتمام مسئولان دانشگاه به حفظ استقلال آن موجب خشم دولت و مقامات آموزش عالی شد و در سال ۱۳۵۶، دولت امیرعباس هویدا رسماً انحلال دانشگاه صنعتی و انتقال آن را به اصفهان اعلام کرد. در پی آن، پذیرش دانشجو برای سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ متوقف شد. مسئولان دانشگاه پس از ناکامی از منصرف کردن دولت در اجرای این تصمیم، در اردیبهشت ۱۳۵۷ دست به اعتصاب زدند و با حمایت دانشگاه‌های دیگر سرانجام در شهریور همان سال، در دولت شریف امامی، ابقای دانشگاه صنعتی در تهران اعلام شد. قرار شد دانشگاه صنعتی آریامهر به صورت دو دانشگاه مستقل در تهران و اصفهان

اداره شود، هرکدام رئیس جداگانه‌ای داشته باشد. پس از انقلاب، در ۶ آبان ۱۳۵۸ با نظرسنجی، نام دانشگاه به دانشگاه صنعتی شریف تغییر کرد.

ریاست دانشگاه پس از مهدی ضرغامی برعهده این افراد بود: علیرضا مهران (۱۳۵۶-۱۳۵۷)، حسینعلی انواری (۱۳۵۷-۱۳۵۸)، علیمحمد رنجبر (۱۳۵۸-۱۳۵۹)، عباس انواری (۱۳۵۹-۱۳۶۱)، علی‌اکبر صالحی (۱۳۶۱-۱۳۶۳)، عباس انواری (۱۳۶۴-۱۳۶۸). پردیس اصفهان نیز بعد از انقلاب به دانشگاه صنعتی اصفهان تغییر نام داد و ریاست آن برعهده این افراد بود: محمدرضا سعیدی (۱۳۵۷/۱۲/۱-۱۳۵۸/۶/۱۳)، سید حسین طاهری (۱۳۵۸-۱۳۵۹)، محمدعلی نجفی (۱۳۵۹-۱۳۶۰)، محمدمهدی سعادتپور (۱۳۶۰-۱۳۶۲)، احمد ابریشمچی (۱۳۶۲-۱۳۶۴)، محمد شاهدی (۱۳۶۴-۱۳۶۸).

۲.۳ تعطیلی دانشگاه‌ها و مرکز نشر دانشگاهی

در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت تحصیلی در دانشگاه‌ها، همچون مدارس و ادارات و کارخانه‌ها تعطیل شده بود. از آنجاکه در طول چهار دهه منتهی به انقلاب دانشگاه کانون مبارزه بود، پس از انقلاب، تمامی گروه‌ها، با گرایش‌های سیاسی مختلف، دانشگاه را محل و مرکز فعالیت‌های فکری و اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بودند. خصوصاً پس از تجدید فعالیت تحصیلی دانشگاه‌ها از اسفند ۱۳۵۸ حضور گروه‌ها و فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها همچنان ادامه یافت و در اواخر سال ۱۳۵۸ و اوایل سال ۱۳۵۹ شاهد اوج نزاع‌های این گروه‌ها در دانشگاه‌ها هستیم. سیر وقایع به‌گونه‌ای پیش رفت که با اوج گرفتن درگیری‌ها، شورای انقلاب در بیانیه‌ای دانشگاه‌های سراسر کشور را پس از پایان امتحان‌ها در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ تعطیل اعلام کرد و بازگشایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را منوط به تصفیه آن‌ها از عناصر ضد انقلاب و ایجاد نظام فرهنگی جدید کرد. تعیین خط‌مشی‌های جدید فرهنگی مسئولینی لازم داشت. بنابراین رهبر انقلاب در ۲۳ خرداد همان سال به آقایان محمدرضا باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل‌احمد، جلال‌الدین فارسی، و علی شریعتمداری مأموریت داد تا ستاد انقلاب فرهنگی را تشکیل دهد و سیاست‌های جدید فرهنگی را بر اساس فرهنگ اسلامی تدوین کنند. نخستین جلسه ستاد در ۲۴ خرداد برگزار شد و وظیفه اصلی آن انقلاب آموزشی اسلامی تعیین شد. بدین ترتیب نیمسال دوم ۱۳۵۸-۱۳۵۹ با حوادث انقلاب فرهنگی در حالت غیرعادی به پایان رسید. طی سال‌های تحصیلی ۱۳۵۹-۱۳۶۰ و ۱۳۶۰-۱۳۶۱ دانشگاه‌ها به‌طور کامل تعطیل بودند و تنها در بخشی از

سال تحصیلی ۱۳۶۱-۱۳۶۲ و سپس از سال تحصیلی ۱۳۶۲-۱۳۶۳ بازگشایی شدند [۱۲]، ص ۵۲۴-۵۳۶].

در پی اعلام تعطیلی دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی برای دوره‌ای که معلوم نبود چقدر طولانی است، سردرگم و بی‌کار شده بودند و طبق لایحه قانونی شورای انقلاب اعضای هیئت علمی باید در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی قرار می‌گرفتند و در ازای گزارش کار ماهانه، حقوق آن‌ها از محل اعتبارات دانشگاه‌ها پرداخت می‌شد. «قرار بر این شده بود که در مدت تعطیلی دانشگاه‌ها، استادان و مدرسان دانشگاه درس خود را به صورت کتابی تحریر کنند و برای چاپ آماده سازند. آن زمان هنوز موضوع ویرایش و ویراستاری نشریات و کتاب‌ها برای همه روشن نشده بود و بسیاری آن را فقط اصلاح اغلاط انشایی و احياناً املائی می‌دانستند. آقای دکتر پورجوادی می‌دانست که هیچ نشریه‌ای بدون ویرایش قابل چاپ نیست. لذا به ستاد انقلاب فرهنگی پیشنهاد کرده بود که سازمانی برای این منظور تأسیس شود. ستاد انقلاب فرهنگی نیز تأسیس و اداره این سازمان را بر عهده خود آقای دکتر پورجوادی گذاشت» [۳۰]. این سازمان در ابتدا «کمیته تألیف، ترجمه، و تصحیح کتاب‌های دانشگاهی» نام داشت و عملاً از مهر ۱۳۵۹ شروع به کار کرد. گروه ریاضی (آمار و کامپیوتر) این کمیته با سرپرستی علی‌اکبر جعفریان (استاد ریاضی دانشگاه صنعتی شریف) در اوایل مهر ۱۳۵۹ تشکیل شد.^۱ آقایان علی‌اکبر عالم‌زاده، محمدهادی شفیعیها، اکبر آقاابراهیمیان و کمی بعد سیامک کاظمی از جمله اعضای اولیه گروه ریاضی بودند؛ برای اطلاعات بیشتر [۱۶] را مطالعه کنید. سیامک کاظمی با درخواست علی‌اکبر جعفریان از سازمان متون به کمیته تألیف منتقل شد. محل کار آن‌ها اتاقی در طبقه دوم ساختمان شماره یک وزارت علوم در خیابان شهید نجات‌الهی (ویلای سابق) بود. این نهاد جدید، طبق مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۹، «مرکز نشر دانشگاهی» نام گرفت.

یکی از رموز موفقیت مرکز نشر دانشگاهی را باید در انتخاب هسته اولیه آن جستجو کرد: «در دو سه دهه پیشتر یک شرکت نشر کتاب به نام «مؤسسه انتشارات فرانکلین» که برگرته مؤسسات انتشاراتی آمریکا به وجود آمده بود؛ به شیوه انتشارات در آمریکا به کار ویرایش کتاب مشغول شده بود و در این مدت عده‌ای ویراستار زبده پرورش داده بود. دو سالی پیش از انقلاب، این مؤسسه تعطیل شد و اعضای آن به مؤسسه‌ای به نام «سازمان ویرایش فنی» وابسته به دانشگاه آزاد پیوستند. البته دانشگاه آزاد که آن موقع بود با دانشگاه آزادی که امروز هست و بعداً به وجود

آمد فرق می‌کند. این دانشگاهی بود که برگرتۀ «اوپن یونیورسیتی» انگلستان بنا شده بود، کارهایی کرده بودند و هنوز کارهایشان را شروع نکرده بودند. به‌هرحال دانشگاهی بود که ویراستاران مؤسسه فرانکلین به آنجا روی آورده بودند. بعد با برچیده شدن دانشگاه آزاد، ویراستاران آن مؤسسه پراکنده شدند و ممکن بود که هرکدام به گوشه‌ای بروند. آقای دکتر پورجوادی که متوجه ارزش کار این گروه بود و می‌دانست که اگر آنها پراکنده شوند دیگر مشکل بتواند ویراستار شایسته به دست آورد، آنها را به کار در مرکز نشر دانشگاهی دعوت کرد و به این ترتیب این مرکز نشر پا گرفت» [۳۰].

هرچند وظیفه اصلی مرکز نشر دانشگاهی، نشر و توزیع مواد آموزشی برای دانشجویان و استادان تعیین شده بود، ولی با توجه به هدف‌هایی که رئیس مرکز، از همان آغاز تأسیس، در پی تحقق آن بود، مرکز نشر دانشگاهی، کانون تجمّع استادان مجرب و دلسوز رشته‌های گوناگون سراسر کشور، اهل ادب و همچنین پژوهشگران شد که در حوزه کار خود از برجستگان و سرآمدان بودند. این برگزیدگان، در انتخاب کتاب‌ها و مجلات خارجی، گزینش کتاب‌های رشته‌های متعدد به منظور انتشار، ویرایش علمی و محتوایی کتاب‌ها، سرپرستی گروه‌های تخصصی و همکاری در مقام معاون و مشاور نقش مهمی داشتند. از جمله فعالیت‌های علمی مهم دیگر مرکز، بنیان نهادن مجلات تخصصی در رشته‌های علمی گوناگون است که برخی از آنها با انتشار مرتب سابقه ممتد ۲۴ ساله دارند و برخی دیگر در همان مدت کوتاهی که منتشر شدند در جامعه علمی ایران و خارج از کشور جا باز کردند.

مدیران مرکز تا بازۀ زمانی مورد نظر ما عبارت بودند از نصرالله پورجوادی (۱۳۵۹-۱۳۸۳)، فرید مُر (۱۳۸۳-۱۳۸۵)، محمد محمودی هاشمی (۱۳۸۵-۱۳۸۷)، محمد مهدی طهرانچی (۱۳۸۷-۱۳۹۱). سرپرستان گروه ریاضی نیز عبارت بودند از علی‌اکبر جعفریان (۱۳۵۹-۱۳۶۳)، محمدقاسم وحیدی اصل (۱۳۶۳-۱۳۶۵)، مهدی بهزاد (۱۳۶۵-۱۳۶۷)، منوچهر وصال (۱۳۶۸-۱۳۸۲)، محمدهادی شفیعیها (۱۳۸۲-۱۳۸۸)، و محمدقاسم وحیدی اصل (۱۳۸۸-۱۳۹۰).

۴ آن «دو جوان پرشور»: یحیی تابش و فرخ وطن

از زبان مهدی بهزاد نقل کردیم که طراحان اولیه نشر ریاضی سه جوان پرشور بودند به نام‌های یحیی تابش، فرخ وطن، و سیامک کاظمی. در این بخش به شرح حال کوتاهی از یحیی تابش و فرخ وطن و چگونگی پاگرفتن نشر ریاضی می‌پردازیم. شرح حال مفصلی از سیامک کاظمی در [۲۴] آمده است. همچنین در بخش ۸ هم ضمن مصاحبه‌ای با او درباره بسیاری از جزئیات نشر ریاضی

صحبت کرده‌ایم. سیامک کاظمی از اولین ویراستاران گروه ریاضی مرکز نشر بود. او ویراستاری کارآزموده با قلمی رسا و گیرا، ذهنی نقاد، و حافظه‌ای قوی بود. یکی از چندین رمز موفقیت نشر ریاضی وجود چنین ویراستار حرفه‌ای در خدمت مجله از همان روز اول بود. در پایان این بخش یادی خواهیم کرد از منوچهر میثاقیان که بی‌ارتباط با نشر ریاضی و چند مجله توصیفی فارسی در دوران مورد نظر ما نبوده است.

۱۰۴ یحیی تابش؛ آن تکنوکراتِ خلاق و محبوب

یحیی تابش در سال ۱۳۲۹ در تهران چشم به جهان گشود. نقل می‌کند: «کلاس دوم که بودم پدرم برایم مجله تهران مصور کوچولوها خرید ... هر هفته این مجله را تا مدت‌ها می‌خرید. این اولین نشریه‌ای بود که با آن آشنا شدم. ... دبیرستان هدف (۱) رفتم. مرحوم بیرشک بنیان‌گذار گروه آموزشی هدف بود. ... کلاس هشتم کتاب‌های درسی یکنواخت شد که به آن کتاب‌های وزارتی می‌گفتند. ... منظوم آن دوره منابعی برای کار اضافی نبود ... از کلاس نهم علاقه‌مند شدم کار اضافی بکنم و مسائل اضافی حل کنم ... در همان سال‌ها یکان منتشر شد که برای ما خیلی جذاب بود. یکان برای ما شد یک حرقه و فرصت. یادم هست اول هر ماه منتشر می‌شد ... عادت کرده بودیم اول هر ماه یکان بخریم. ... سر راه مدرسه از اتوبوس که پیاده می‌شدم از روزنامه‌فروشی یکان را می‌خریدم و بعد می‌رفتم مدرسه. ... برای ما [منبع] تمرین بیشتر بود. این طور ما با فرهنگ مجله دانش‌آموزی بزرگ شدیم» [۲].



یحیی تابش (دهه ۱۳۷۰)

سال ۱۳۴۷ وارد دانشگاه صنعتی آریامهر می‌شود (ورودی دوره سوم). در سال ۱۳۵۳ در رشته مهندسی علوم در ریاضی از دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر فارغ‌التحصیل می‌شود. پیش از رفتن به خارج، به مدت یک سال به‌عنوان دستیار به همراه مهندس بیاتی در دفتر مهدی شقاقی ضرغامی کار می‌کند. یحیی تابش جزو آن دسته از دانشجویان بورسیه بود که برای تأمین هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان بورسیه شده بودند. او برای دوره

فوق‌لیسانس در سال ۱۳۵۴/۱۹۷۶ به دانشگاه سیراکیوز در نیویورک رفت. او از سال ۱۳۵۶ در دانشگاه صنعتی اصفهان شروع به کار کرد. در واقع از تعدادی از افراد بورسیه خواسته شده بود که

زودتر از موعد بازگردند و در آنجا شروع به کار کنند. پس از گرفتن فوق‌لیسانس «تابستان بود آمده بودم یک ماه در ایران بمانم و بعد برگردم. روزهای اول دوم رفته دیدن رئیس دانشگاه، آقای دکتر ضرغامی، که استاد ریاضی بود و استاد ما هم بود. به من گفت بیا یک سال برو اصفهان، ما هم گفتیم باشه. ما را برداشت یک روز برد اصفهان. آنجا به هیجان آمدم که یک جای نوبی داره ساخته میشه. گفت بیا یک سال اینجا بمان و بعد هر جا خواستی برو. گفتیم باشه. ماندیم و بعد انقلاب شد و ده سال اصفهان ماندیم. ... استادهای درجه‌ی یکی بودند از ام‌آی‌تی یا استنفورد دکترا گرفته بودند. ...» [۲].

بیژن ظهوری زنگنه می‌نویسد [۳۱، ص ۴۸]: «سال ۵۸ در دانشگاه صنعتی اصفهان فکر می‌کنم یک ترم یا دو ترم تدریس کردم. بعد از آن دانشگاه تعطیل شد. مصادف شد با دوره‌ی انقلاب فرهنگی و تعطیل شد. چون دانشگاه تعطیل شد هر کس مجبور بود کاری انجام دهد. کارهای مختلفی می‌شد انجام داد. یکی از کارهایی که من با آقای تابش و دکتر رجالی و دکتر میامی انجام دادیم این بود که می‌رفتیم به دبیرهای دبیرستان‌های اصفهان تدریس می‌کردیم. دیگر از آنجا به بعد [با تابش] آشنا بودیم و به منزل‌شان می‌رفتم. مدتی هم منزل آقای ابوالقاسم لاله و همایون معین بودند. چون مجرد بودند با سه نفر در یک خانه زندگی می‌کردند. من هم چون متأهل بودم خانه جدا داشتم. به‌غیر از اینکه در دانشگاه همکار بودیم دوست هم بودیم. ایشان بعداً ازدواج کردند و بعد از آن هم باز به منزل‌شان می‌رفتیم. با هم در تماس بودیم تا اینکه سال ۶۲ من دوباره به خارج رفتم ...».

در آن زمان یک کمیته‌ی سه‌نفره از سه بخش (ریاضی، فیزیک، و شیمی) دانشکده‌ای را که تنها وظیفه‌اش ارائه‌ی دروس سرویس علوم پایه بود اداره می‌کرد. تابش مسئول بخش ریاضی بود. در فروردین سال ۱۳۶۰، درست شش‌ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی و در زمان تعطیلی دانشگاه‌ها، دوازدهمین کنفرانس ریاضی ایران در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد که یکی از خصوصیات آن حضور حداکثری دبیران ریاضی در این کنفرانس بود [۲۰، ص ۱۴]. در جریان این کنفرانس تابش به توصیه‌ی شهشهرانی نامزد شورای اجرایی انجمن ریاضی می‌شود و او به همراه علی رجالی به عضویت این شورا در می‌آید. جلسات شورا از تابستان آن سال برگزار می‌شود و «توجه من به نشریات انجمن جلب شد. ... قرار شد که کمیته‌ای برای ساماندهی نشریات انجمن تشکیل شود. من هم که ایده‌ی اولیه‌ی نشریه‌ی توصیفی را قبلاً داشتم و سرم هم برای این کارها درد می‌کرد و می‌خواستم یک کاری هم بکنیم ... داوطلب شدم که نشریه‌ی توصیفی را راه بیندازم... البته علاقه‌ی زیادی به چیزهای توصیفی داشتم مانند مانتلی و اینتلیجنسر را یا آبونه بودم یا همه را به هر قیمتی بودم گیر می‌آوردم و می‌خواندم و

همه را جمع می‌کردم و داشتم ...» [۲]. تابش درباره این کنفرانس و تأسیس دو مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی و پیک ریاضی می‌نویسد [۲۰، ص ۵۴]: «فروردین ۱۳۶۰ هم دوازدهمین کنفرانس ریاضی را در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار کردیم که با همکاری همه‌جانبه بین من و دکتر رجالی شکل گرفت و به همکاری‌هایی با انجمن ریاضی ایران منجر شد. در آن موقع انجمن یک بولتن منتشر می‌کرد و یکی دو سالی هم بود که به همت دکتر شهشهرانی خبرنگار انجمن هم راه افتاده بود [درواقع، دکتر شهشهرانی در دورانی که عضو شورای اجرایی انجمن بود پیشنهاد تأسیس خبرنگار انجمن ریاضی را برای حذف مقالات خبری از بولتن به شورای اجرایی داده بود]، ولی بولتن هنوز سبک‌وسایق درستی نداشت که کمیته‌ای تشکیل شد تا نشریات انجمن را به نوعی ساماندهی کند، به‌خاطر می‌آورم که جلسه مربوطه در گروه ریاضی دانشگاه تهران تشکیل شد که من و دکتر رجالی حضور داشتیم و استادان دیگری هم بودند که دکتر کاظم لاهی را به خاطر می‌آورم. خلاصه پیشنهاد کمیته که بعداً به تصویب انجمن رسید این بود که خبرنگار تقویت شود ولی بولتن صرفاً نشریه پژوهشی باشد که فقط مقالات تحقیقاتی منتشر می‌کند و نشریه دیگری برای درج مقالات توصیفی ایجاد شود که دکتر رجالی و من مسئول انتشار نشریه توصیفی جدید شدیم که بعداً اسمش را «فرهنگ و اندیشه ریاضی» گذاشتیم. شماره اول با یک مقاله درباره فلسفه ریاضی از دکتر شهشهرانی و مقداری مقالات ترجمه‌ای و بررسی‌های آموزشی در چاپخانه دانشگاه صنعتی اصفهان چاپ و منتشر شد که مقدار زیادی غلط‌های تایپی داشت. کار حروف‌چینی با ماشین تحریر معمولی آی‌بی‌ام انجام شده بود و هنوز از ژرد پروسورها خبری نبود و کار حرفه‌ای در دسترس قرار نداشت، ولی خوب انتشار شماره اول [در فروردین ۱۳۶۱] آغاز یک تجربه جدید بود. شماره دو خیلی مرتب‌تر و حرفه‌ای‌تر منتشر شد که پس از آن دیگر دوره همکاری ما با انجمن تمام شد. به همت سایر دوستان هنوز انتشار فرهنگ و اندیشه ریاضی ادامه دارد». درباره اسم و طراحی لوگوی مجله فرهنگ و اندیشه در [۲] می‌گوید: «من و رجالی قرار شد بشیم مسئولان مجله. ... اول فکر کردیم بگذاریم «فرهنگ ریاضی» بعد دیدیم ... شد «فرهنگ و اندیشه ریاضی». ... اولین مطلب سخنرانی‌ای بود که سیاوش [شهشهرانی] کرده بود که گفتیم بدید این را چاپ کنیم و ... مقاله‌ای هم حمید کاظمی ترجمه کرد تا نصف و گفت بقیه‌اش لازم نیست ... و دکتر زعفرانی هم یک مقاله نوشت ... مشکل اصلی حرف‌چینی بود که هیچ‌جا نبود برای این‌کار. آن موقع هیچ تصویری هم از غلط‌گیری و این کارها هم نداشتیم ... [اسم] مجله را هم با خانم رفتیم چهارباغ یکی از این خوشنویس‌ها بود دادیم با خط نوشت ... شماره اول کلی غلط داشت ... برای شماره دوم قرار گذاشتیم که حداقل یک مقاله تألیفی داشته باشیم ...»

مدتی بعد، پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، دو همکار جوان، فرخ وطن و منوچهر میثاقیان به دانشکده ریاضی صنعتی اصفهان پیوستند. «البته فرخ وطن قبل از اینکه بیاید برای طرح سربازی به دانشگاه صنعتی مدتی در مرکز نشر ویراستاری کرده بود... و در این کارها وارد بود و با آمدن این‌ها در ما سه نفر ولوله افتاد که کارهایی بکنیم» [۲]. «با حمایت دکتر رجالی به فکر افتادیم که یک نشریه داخلی برای نوعی خبررسانی و اطلاع‌رسانی در داخل دانشکده راه بیندازیم. شماره اول [در بهار ۱۳۶۵] که منتشر شد خیلی مورد استقبال قرار گرفت و به‌همت دوستان جوان و با همکاری دکتر رجالی و سایر دوستان دانشکده ریاضی مدتی انتشار مرتبی داشت و مجموعه آبرومندی به یادگار مانده است» [۲۰، ص ۵۴]. «چون بولتن داخلی بود حتی شماره اول طرح جلد نداشت... اسم مجله را هم فرخ وطن پیشنهاد کرد که احتمالاً از اینتلیجنسر، پیام‌رسان، الهام گرفته بود... کار دوباره با همان ماشین تحریر آی‌بی‌ام بود ولی خوب واردتر شده بودیم. مشکلات غریبی داشت غلطگیری و صفحه‌بندی... تایپ را هم منشی دانشکده، خانم صدر عاملی، بی‌هیچ چشمداشتی علاوه بر کارهای معمولشان انجام می‌داد...» [۲].

یکی دیگر از فعالیت‌ها، پس از عضویت در شورای اجرایی انجمن در سال ۱۳۶۰ «برگزاری مسابقه ریاضی بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های اصفهان [در سال ۱۳۶۲] بود که مقدمه‌ای شد برای برگزاری مسابقات ریاضی دانش‌آموزی و رفتن به سوی المپیاد ریاضی. در گفت‌وگوهایی که با دکتر رجالی داشتیم به فکر برگزاری این مسابقه افتادیم که دکتر رجالی با آموزش و پرورش اصفهان هماهنگ کرد و با قدری عقب و جلو شدن در یک روز جمعه زمستانی در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد و موفقیت‌آمیز بود. البته طرح سؤال مناسب هم بخشی از کار بود، یک مسئله به فکر آمده بود که در یک متوازی‌الاضلاع مربعی رسم کنید تا رأس‌های مربع روی اضلاع متوازی‌الاضلاع قرار گیرند، دکتر میامنی که در دانشگاه صنعتی اصفهان در خدمتشان بودیم یک متوازی‌الاضلاع باریک کشیدند و گفتند این جوری که نمی‌شود، مسئله را تصحیح کردیم به اینکه رأس‌ها روی اضلاع متوازی‌الاضلاع یا در امتداد آن‌ها قرار گیرد که مسئله خوبی شد! پس از این مسابقه دکتر رجالی همت زیادی برای توسعه مسابقات دانش‌آموزی مبذول داشت.»

گفتنی است که پس از وقوع انقلاب اسلامی، «دانشگاه صنعتی آریامهر تهران» به «دانشگاه صنعتی شریف» تغییر نام داد و واحد دانشگاهی مستقر آن در اصفهان، «دانشگاه صنعتی اصفهان» نامیده شد و به‌صورت مستقل به فعالیت‌های خود ادامه داد. در سال ۱۳۶۰ مسئولیت دانشکده علوم دانشگاه صنعتی اصفهان را دکتر رجالی مشروط به همکاری دانشگاه برای راه‌اندازی سه دانشکده

علوم پایه در این دانشگاه پذیرفت. رجالی روش دکتر وصال در دانشگاه شیراز را دنبال و با مکاتبه با فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های خارج و نیز استادان دانشگاه‌های ایران، آنان را به دانشگاه صنعتی اصفهان دعوت کرد، سپس به پذیرش دانشجو در سال ۱۳۶۳ اقدام و راه را برای ایجاد سه دانشکده علوم ریاضی، فیزیک، و شیمی هموار کرد. پس از اتفاقاتی خوشبختانه مسیر هموار شد و دانشکده‌های مذکور در سال ۱۳۶۵ تأسیس شدند [۲۰، ص ۱۵].

تابش می‌نویسد: «تقدیر چنین شد که در سال ۱۳۶۶ من از اصفهان به دانشگاه صنعتی شریف آمدم» [۲۰، ص ۵۵]. سیاوش شهشهانی درباره انتقال تابش به دانشگاه صنعتی شریف می‌نویسد [۳۱، ص ۶۴-۶۵]: «آشنایی بعدی من با ایشان در ارتباط‌هایی بود که بین این دو دانشگاه به‌اصطلاح خواهربرادر داشتیم، مثل کنفرانس ریاضی که در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد که من رفتم. ایشان با ما مشورت‌هایی می‌کرد و با ایشان ارتباط‌هایی داشتم. . . . به‌رحال در یک مقطعی ایشان علاقه‌مند شد که به تهران بیاید. زمانی بود که دانشکده ما در تهران قبل از انقلاب و حتی تا مدتی بعد از انقلاب نامش دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر بود. بعد ما درست در همان شرایط تصمیم گرفته بودیم علوم کامپیوتر جدا شود و تبدیل شود به دانشکده مهندسی کامپیوتر و نام دانشکده‌مان را بگذاریم دانشکده علوم ریاضی. با این تفکر که بعدها هم می‌شود علوم کامپیوتر را به داخل دانشکده بیاوریم. ولی کامپیوتری‌های ما که تعدادشان هم زیاد نبود اکثریت به خارج رفته بودند و دیگر زیاد نداشتیم. . . . توجه من برای اینکه آقای تابش را به تهران بیاوریم و استخدام بکنیم این بود که ایشان می‌توانند کمک بکنند ما آزمایشگاه را راه بیندازیم. البته کار آسانی نبود زیرا در دانشکده ما به‌طور سنتی رشته قوی، ریاضیات محض بود و ایشان هم بیشتر درس‌هایی که گرفته بودند کامپیوتر و کاربردی بود، از آن نظر ممکن بود توجه‌پذیر نباشد اما توجهی که ما داشتیم برای آن این بود که ایشان می‌تواند کمک بکنند تا آزمایشگاه کامپیوتر راه بیفتد. ضمن اینکه من در ذهنم خیلی چیزهای دیگری هم بود چون مدیریت ایشان را در دانشگاه صنعتی اصفهان دیده بودم و خیلی دلم می‌خواست ایشان باشد. آن زمان من رئیس دانشکده بودم فکر می‌کردم اگر ایشان به تهران بیاید کمک خیلی بزرگی می‌تواند باشد در امور مختلف از جمله اینکه داشتیم المپیاد ریاضی را راه می‌انداختیم و فکر می‌کردیم ایشان می‌تواند باز کمک بزرگی هم در آن باشد که بود. به‌رحال موافقت شد که ایشان از صنعتی اصفهان منتقل شود. . . . ایشان اول بیشتر درس‌های عمومی می‌داد؛ و بعد درگیر راه‌اندازی آزمایشگاه شد و خیلی زود به خاطر قابلیت‌های اجرایی‌ای که ایشان داشت دو دوره معاون دانشکده [۱۳۶۸-۱۳۷۲] شد و دو دوره [۱۳۷۲-۱۳۷۶] هم رئیس دانشکده بود و این دوره‌ای بود که در

واقع اوایل دوره المپیاد بود و نقش مهمی داشت ایشان در اینکه آموزش بچه‌های المپیاد در دانشکده واقع در انجام شود. به انواع مختلف ایشان کمک کرد به رونق دانشکده، از طریق آوردن دانشجویهای خیلی خوب که خیلی‌هایشان از بچه‌های المپیادی بودند و دیگری که شاید المپیادی هم نبوده باشند اما از کیفیت خیلی بالایی برخوردار بودند.

تابش درباره دیگر فعالیت‌های این دوران می‌نویسد [۳۱، ص ۱۲]: «از اوایل دهه ۱۳۶۰ من عضو هیات علمی دانشکده علوم ریاضی در شریف بودم و دیگر گوی و میدان در اختیار ما بود و آنچه در توان داشتیم برای توسعه دانشکده به کار می‌گرفتیم، هم در برنامه‌های رسمی آموزشی و هم در همان نیمه پنهان تا محیط علمی توسعه پیدا کند. کماکان روند آموزش و یادگیری ادامه داشت و هر کاری که برای آموزش لازم می‌دیدیم انجام می‌دادیم. در اوایل دهه ۱۳۷۰ عهده‌دار مسئولیت دانشکده شده و فعالیت‌ها بیشتر شد. در آن دوره با آموزش و پرورش هم مرتبط شدم و با المپیاد ریاضی و بعدها با المپیاد کامپیوتر همکاری می‌کردم. در دوره‌های آموزشی المپیادها بچه‌ها با دانشکده و رشته‌های ریاضی و کامپیوتر آشنا می‌شدند و بعضی از آنها برای ادامه تحصیل جذب دانشکده می‌شدند، البته در دانشکده هم سعی می‌کردیم نه تنها برای بچه‌های المپیادی بلکه برای همه دانشجویان محیطی پویا و انعطاف‌پذیر مهیا کنیم تا بچه‌ها متناسب با علاقه و استعداد خود رشد کنند و شکوفا شوند. برای جذب دانش‌آموزان علاقه‌مند به دانشکده فقط به همکاری با المپیادها بسنده نکردیم و سعی می‌کردیم از راه‌های مختلف، دانش‌آموزان علاقه‌مند را با دانشکده و علوم ریاضی آشنا کنیم و به رشد فکری آنها یاری رسانیم. در این راستا ایجاد سخنرانی در مدرسه‌ها و برگزاری دوره‌های تابستانی یک‌هفته‌ای در دانشکده برای تعدادی از دانش‌آموزان علاقه‌مند از جمله فعالیت‌هایی بسیار اثر بخش بود که سال‌ها در قالب مدرسه‌های تابستانی و زمستانی برای دانش‌آموزان تداوم پیدا کرد. البته باید ذکر کنم مجموعه این فعالیت‌ها، کارهایی تیمی و گروهی بود که با همکاری استادان و دانشجویان دانشکده صورت می‌گرفت. کم‌کم ارتباط با آموزش و پرورش بیشتر می‌شد و در تغییر نظام آموزشی به دعوت آموزش و پرورش، مسئول برنامه‌ریزی دوره پیش‌دانشگاهی شدم. به برنامه‌ریزی درسی علاقه داشتم و با آنچه در دنیا می‌گذشت نیز آشنایی خوبی پیدا کرده بودم. ساختار کلی برنامه دوره پیش‌دانشگاهی و برنامه رشته‌ها و درس‌های مختلف را با کمک همکارانی در آموزش و پرورش و بعضی از استادان سروسامان دادیم ولی با توجه به علاقه خودم به درس‌های ریاضی روی این درس‌ها در دوره پیش‌دانشگاهی تمرکز ویژه‌ای داشتم، ایجاد درس‌هایی مثل ریاضیات گسسته یا هندسه تحلیلی و جبر خطی و همکاری در تألیف کتاب‌های مربوطه از آن جمله است؛ ولی نکته این بود که

تصمیم‌هایی می‌گرفتیم که تا حدودی خارج از چارچوب‌ها و عادت‌ها بود و خوشبختانه تصمیمات درستی بود که اثرش ماندگار شد. کتاب‌های جدیدی که نوشتیم براین اساس بود که آموزش روان باشد و یادگیری به صورت انکشافی اتفاق بیفتد.»

تابش پس از ریاست دانشکده طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۷ عهده‌دار مسئولیت مرکز محاسبات دانشگاه می‌شود. در این باره می‌نویسد [۳۱، ص ۱۴-۱۷]: « شروع کار در مرکز محاسبات نیز تقریباً همزمان با آغاز عصر همه‌گیری اینترنت بود. شریف هم برای خودش می‌خواست در زمینه شبکه و اینترنت برند باشد و می‌توان گفت استفاده از اینترنت در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی به عنوان یک راهبرد اساسی در نظر گرفته شد. . . . بعد از اینکه شبکه دانشگاه سروسامان گرفت فکر کردیم حالا ما یک شبکه گسترده ایجاد کرده‌ایم و خوب است یک اپلیکیشن روی آن اجرا کنیم. اولین سیستمی که در دانشگاه مورد نیاز است سیستم آموزش یا همان ثبت نام، نمرات و کارنامه است و فکر کردیم چنین اپلیکیشنی را توسعه دهیم. از عده ای از دانشجویها کمک گرفتیم و کار را شروع کردیم، ابتدای توسعه این جور اپلیکیشن‌ها روی شبکه بود، کم‌کم یکسری چیزها را فهمیدیم و جلو رفتیم. بعد هم از دانشگاه‌های دیگر برای این سیستم مشتری پیدا شد و چند دانشگاه آن را خریداری کردند و کم‌کم فهمیدیم برای توسعه، پشتیبانی و نگهداری این اپلیکیشن ساختار مناسبی لازم است که بچه‌های دست‌اندرکار یک شرکت تاسیس کردند و کارها به‌خوبی جلو رفت. در واقع بدون اینکه بدانیم استارت‌آپ خوبی شکل گرفته بود!

اتفاق دیگر آن دوره این بود که اوایل اینترنت بود و خط فارسی در اینترنت سروسامانی نداشت. . . . از بچه‌های المپیاد روزبه پورنادار را که با دکتر قدسی روی پروژه فارسی‌تک کار کرده بود دعوت کردم تا در این کار کمک کند، بعد از مدتی متوجه شدیم کدپیچ‌های فارسی تنوع زیادی دارد و هیچ‌کدام برای استفاده در اینترنت مناسب نیست و فهمیدیم سازمانی به نام یونیکد در سطح بین‌المللی تشکیل شده که هدفش استانداردسازی کلیه خطوط رایج است. . . . استاندارد جدیدی برای خط فارسی در کامپیوتر و شبکه تدوین شد که به تصویب موسسه استاندارد رسید و در یونیکد هم مورد پذیرش قرار گرفت و استفاده از آن متداول شد. البته شایان ذکر است قبل از این هم به همت بعضی از پیشکسوتان استاندارد برای خط فارسی در کامپیوتر تدوین شده بود که استاندارد جدید با توجه به نیازهای یونیکد روی همان استانداردهای قبلی شکل گرفت. پس از استاندارد خط فارسی روی استاندارد صفحه کلید فارسی هم کار کردیم و باز هم استاندارد قبلی را مبنا قرار دادیم و استاندارد جدید را هماهنگ با یونیکد تدوین کردیم. . . . این گروه پس از اتمام این پروژه‌ها به

کارهای فارسی‌سازی علاقه‌مند شدند و شرکتی به نام فارسی‌وب شریف تاسیس کردند و کارهای متعددی را در زمینه فارسی‌سازی جلو بردند، ... در واقع بدون اینکه با استارت‌آپ و انکوباتور و غیره آشنایی داشته باشیم به‌طور طبیعی چنین فعالیت‌هایی شکل گرفته بود.

... من دیگر به بازنشستگی رسیده بودم، عمری در دانشکده و مرکز محاسبات سپری شده بود و باید فرصت را غنیمت می‌شمردم تا به کارهای دیگری هم بپردازم. در این ایام فعالیت‌های آموزشی که در آموزش ریاضیات و کامپیوتر انجام داده بودم توجه مجامع بین‌المللی را جلب کرد و یکی از دریافت‌کنندگان جایزه اردوش در سال ۲۰۱۰ شدم. ... پس از دریافت جایزه که در دوازدهمین کنگره آموزش ریاضی در سئول برگزار شد، یکی از استادان دانشگاه استنفورد از من دعوت کرد مدتی به عنوان استاد مدعو به استنفورد بروم تا در زمینه آموزش ریاضی و کامپیوتر کارهای مشترکی انجام دهیم، این شد که راهی استنفورد شدم.

... من در استنفورد به اسکول تعلیم و تربیت رفتم و با یک گروه پژوهشی در زمینه آموزش ریاضی همکاری را شروع کردم، ... اوایل خیلی احساس موقتی بودن داشتم ولی کم‌کم جا افتادم و فرصت‌های یادگیری و یاددهی ارزشمندی سر راهم قرار می‌گرفت و توانستم به‌نوعی سیستماتیک با مفاهیم آموزش ریاضی آشنا شوم و روش تفکر الگوریتمی در حل مساله را در مدل مناسبی عرضه کنم. همیشه دنبال یادگیری بودم، ... از طرف دیگر طی آشنایی بیشتر با افکار ژان پیازه ذهنیت خوبی درباره نظریه یادگیری ساختگرایی پیدا کردم که به یادگیری شناختی رسید و بعد برگشتم به تفکر محاسباتی و فکر کردم در بین چهار مرحله حل مساله به روش الگوریتمی در تفکر محاسباتی یک «زمین بازی» ایجاد کنیم و این ایده اساس آن شد که به فکر توسعه یک پلتفرم برای راه اندازی این زمین بازی بیفتم. ... ایده پلی‌گراند یعنی همان زمین‌بازی را به‌صورت یک پلتفرم تعاملی برای حل مساله در نظر گرفتیم. ... در استنفورد جو نوآوری و استارت‌آپ زدن خیلی داغ است و توجه من به این موضوع هم خیلی جلب شد. بالاخره کمپانی اچ‌پی به عنوان اولین استارت‌آپ و آغازکننده دره سیلیکون از استنفورد شروع شده است که همه داستانش را می‌دانیم. ...»

دکتر شهشهانی دربارهٔ پایان همکاری او با دانشگاه صنعتی شریف و نقش اثرگذارش در دانشگاه می‌نویسد [۳۱، ص ۷۳-۷۴]: «یک رئیس دانشگاه دانشجوی دانشگاه صنعتی اصفهان بوده است که نمی‌دانم آن زمان با آقای تابش در آنجا درگیری داشته است یا خیر. به بعضی‌ها علاقه نداشت. تعدادی از دوستان را قبل از موعد تصمیم گرفت بازنشسته کند. رؤسای دانشگاه برای بعضی موارد یک اختیارات قانونی‌ای دارند. بعد از اینکه آقای تابش یک دوره‌هایی کارهای بسیار اساسی کرده

بود در مرکز کامپیوتر دانشگاه و آنجا را واقعاً راه انداخت؛ اینترنت دانشگاه را راه انداخت، رئیس جدید دانشگاه که آمد نه تنها دوره آقای تابش تمام شد و ایشان را دیگر ابقا نکرد بلکه بعد از یک مدتی ایشان و یک تعداد دیگر را قبل از موعد بازنشسته کرد. بنابراین از آنجا که تابش آدمی نبود که بی‌فعالیت باقی بماند. زیرا آنجا بودند دوستان دیگری به‌خصوص بچه‌های فارغ‌التحصیلی که همگی بچه‌های استاد تابش بودند و اکثراً رفته بودند سیلیکون‌ولی استنفورد و خیلی دلشان می‌خواست تابش برود آنجا و با آنها باشد. تابش از این موقعیت بازنشستگی استفاده کرد و رفت آنجا و خلاصه دیگر ماندنی شد از آن زمان، بعد آن دوستانی که زود بازنشسته شدند رفتند دیوان عدالت اداری و پس گرفتند؛ یعنی می‌توانستند برگردند اما آقای تابش تصمیم گرفتند دیگر استفاده نکنند.

بعد از اینکه از ایران رفتند خیلی سعی کردم تشویق‌شان کنم که برگردند اما ایشان فکر می‌کردند اگر برگردند بعد از یک مدتی بالاخره موعد بازنشستگی‌شان فرا می‌رسد. البته سال ۹۹ موعد بازنشستگی ایشان بود اما به‌رحال فکر می‌کردند که شاید مثلاً باز یک رئیس دانشگاهی بیاید که بخواهد کاری بکند. چون آنجا هم بچه‌ها نمی‌خواستند تابش بازگردد. یکی دو شرکت راه انداخته‌اند و فعالیت‌هایی می‌کنند. ایشان در زمینه ابزار آموزشی ریاضی به‌خصوص آنهایی که آنلاین هستند و از ابزار کامپیوتری استفاده می‌کنند فعال است؛ بنابراین دیگر هم خودش و هم دوستانش در آنجا مانع بازگشت ایشان شدند.

در مملکت ما خیلی اوقات کارهای ریز بسیاری است که اگر راه بیفتد خیلی کارهای دیگر راه می‌افتد؛ او متخصص این بود که این کارهای ریز را راه بیندازند، و به همین دلیل بود که کارها موفقیت‌آمیز انجام می‌شد. خیلی موفقیت‌ها مرهون زحمات تابش است. تابش اگر لازم بود ممکن بود از جیب خودش بدهد بی‌سرصدا تا کار راه بیفتد. انواع و اقسام کارها را می‌کرد. شاید آدم نتواند رویشان دست بگذارد. من فکر می‌کنم هنوز که هنوز است اثر تابش در دانشکده هست و همیشه خواهد بود. سنت‌های آن دوره همچنان در دانشکده مانده است خوشبختانه.»

اما داستان راه‌اندازی مجله نشر ریاضی از زبان تابش [۲]: «تصمیم گرفتم بیایم تهران... همان موقعی بود که دکتر بهزاد شد رئیس بخش ریاضی مرکز نشر دانشگاهی. به فرخ وطن گفتم که من دارم می‌روم تهران، فرخ هنوز اصفهان بود، چون من تجربه پیدا کرده بودم در این نشریات دانشگاهی، در درونم می‌جوشید که یک کار بزرگ‌تر و بهتر انجام دهم. گفتم بیا برویم به آقای دکتر بهزاد پیشنهاد کنیم که یک نشریه، مثل اینکه نشر دانش را در می‌آوردند، مجله فیزیک را هم دکتر منصوری در می‌آورد، گفتم بگوییم یک مجله ریاضی هم در بیاورند. من و وطن رفتیم پیش آقای

دکتر بهزاد و پیشنهاد کردیم. اسم «نشر ریاضی» را هم من پیشنهاد کردم. گفتم اینجا مرکز نشر هست و نشر دانش دارد چرا نشر ریاضی نداشته باشد؟ دکتر بهزاد با اشرافی که داشت استقبال کرد... یک هیئت تحریریه تشکیل شد، سیاوش آمد، دکتر خسروشاهی آمد، من بودم و فرخ وطن هم بود، سیامک کاظمی بود و دکتر بهزاد. آن موقع اعتماد به نفس داشتم که باید کار خوبی کرد... خلاصه با علاقه شروع شد. اول قرار شد فصلنامه باشد،... خاطره‌ای که از یکان داشتم، اصرار داشتم که همیشه مجله سر موقع دربیاید... شاید آن موقع مردم بیشتر از این کارها استقبال می‌کردند... قبل از این‌ها، قبلاً این پیشنهاد را کرده بودم و با حسین معصومی همدانی پیش آقای دکتر پورجوادی رفته بودم و فرهنگ و اندیشه ریاضی را نشان داده بودم و آن‌ها گفته بودند فرهنگ و اندیشه را بیارید اینجا چاپ کنیم. البته آن موقع اتفاقی نیفتاد... خلاصه جلسات هیئت تحریریه منظمی داشت، بحث‌های داغی می‌شد بین سیاوش و دکتر خسروشاهی... آقای سیامک کاظمی هم که آدم بسیار واردی در ویراستاری و غلطگیری بود و مجله بسیار شسته‌رفته شد ولی حروف‌چینی... داستان‌هایی داشت... و از آن ماشین تایپ آی‌بی‌ام رسیدیم به این لاینوترون... البته خود مرکز نشر سیستم آن را داشت... در آنجا این استاندارد را آوردیم که حتماً مقاله تالیفی داشته باشیم و نمی‌شود همه‌اش ترجمه باشد... مثلاً سیاوش یک سخنرانی دربارهٔ خم‌های جبری در دانشکده کرد که همه را می‌خکوب کرده بود و بعد آن را در مجله چاپ کردیم... یا مثلاً من به مجموعه‌های ژولیا علاقه‌مند بودم و بعد با نوریخش یک مقاله توصیفی در این باره چاپ کردیم... مقاله‌ها بیش از نود درصدش دعوتی بود و ما نویسنده را انتخاب می‌کردیم... نگاه می‌کردیم در مانتلی و... تصویب می‌کردیم فلان مقاله ترجمه شود و بعد یک نفر را انتخاب می‌کردیم مقاله را ترجمه کند... مصاحبه با پیش‌کسوتان را هم من راه‌انداختم که رفتیم خانهٔ دکتر وحدتی... یک عده‌ای را می‌شناختم که می‌توانستند مقالهٔ توصیفی بنویسند می‌رفتیم و پیشنهاد می‌کردیم مقاله بنویسند. برای ترجمه، عده‌ای در مرکز نشر کتب ترجمه کرده بودند، می‌دیدیم ترجمهٔ فلان مقاله سخت است آن را به فلان شخص می‌دادیم ترجمه کند... در زمان دکتر بهزاد که مدیریت منظمی داشت و تمام وقت در مرکز بود مجله سروقت منتشر می‌شد ولی بعد چون هیچ‌کدام ما در مرکز حضور نداشت کارها عقب‌وجلو می‌شد

«...»

از سال هشتم مجله (۱۳۷۵) یحیی تابش از هیئت تحریریه جدا می‌شود. علت آن را گفته‌های سیاوش شهبهانی دربارهٔ خصوصیات تابش می‌توان یافت [۳۱، ص ۶۸-۷۰]: «... ایشان بسیار اهل عمل است. کاری را معطل نمی‌کند. کاری که باید انجام بشود فوری دست‌به‌کار می‌شود و انجام

می‌دهد. سرعت عمل و آمادگی‌اش برای شروع کار خیلی جالب بود. من همیشه می‌گفتم برای هر کاری روتین و الگوریتم دارد. ایشان برعکس خصوصیات من بود. من قبل کاری باید می‌نشستم فکر کنم. وقتی می‌خواستم کاری حتماً راه بیفتد می‌گفتم یحیی تو شروع کن چیزی بنویس، خیلی وقت‌ها ممکن بود چیزی را که او نوشته بود عوض کنم اما وقتی او شروع نمی‌کرد نمی‌توانستم ادامه بدهم. این خصوصیت خیلی مهم را داشت. از نظر من واقعاً تابش یک مدیر تکنوکرات است. این مدیر تکنوکرات که می‌گویم یکی به علت این خصوصیتش است؛ و دیگری اینکه ایشان خیلی خوب استعدادشناس بود در مورد جوان‌ها، خیلی خوب تشخیص می‌داد که چه کسانی قابلیت کار دارند و چه نوع قابلیت‌هایی دارند و به خصوص آدم‌هایی که خودشان همت داشتند، ... کارهایی که الآن راجع به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌شود عملاً تابش راه انداخته بود. ... من همیشه به او می‌گفتم، تو ممکن است شاعر و هنرمند بزرگی نشوی اما تکنوکرات و مدیر بسیار استثنایی‌ای هستی. واقعاً هم همین‌گونه بود. ما حتی گاهی دچار مشکل می‌شدیم با هم، یکی دیگر از فعالیت‌هایی که ایشان و آقای دیگری به نام فرخ وطن راه انداخت؛ اول ایشان در صنعتی اصفهان مجله‌ای داشت به نام پیک ریاضی، چون این مجله دانشگاهی بود برد زیادی نداشت به آن صورت. ایشان وقتی آمد تهران به فکر رفت به کمک مرکز نشر دانشگاهی مجله‌ای را تبدیل کنند به مجله ملی که بالاخره نامش شد «نشر ریاضی». ... آقای تابش در واقع محرک اولیه این کار بود. بعد از آن مدت کوتاهی من شدم مدیرمسئول و آقای تابش هم جزو هیئت تحریریه بود و ما با هم گاهی اوقات مشکل داشتیم. مشکل‌مان این بود که من کمی کمال‌گرا بودم از بعضی نظرها. آقای تابش شدیداً بحث داشت و می‌گفت اگر مجله بخواهد موثر باشد و بگیرد، باید سروقت دربیاید. گاهی وقت‌ها باید فدا کرد فلان چیز را. من هم درست برعکس بودم و گاهی اوقات مجله‌مان یک ماه متوقف می‌شد به خاطر اینکه یک عکس مناسب برای روی جلد من نمی‌توانستم پیدا کنم. این‌ها باعث شد که آقای تابش با مجله قهر کرد و از هیئت تحریریه خارج شد و رفت. می‌خواهم بگویم که چقدر عمل‌گرا بود. ... [مجله] قرار بود هر شش ماه یک بار دربیاید اما گاهی تأخیر پیدا می‌کرد و با روحیه تکنوکراتیک تابش اصلاً سازگار نبود و عرضم به حضورتان که در چند سال آخر ایشان دیگر نبود. البته رفاقت ما حفظ بود. ... اگر قرار بود گزارشی نوشته شود بلافاصله قلمش را درمی‌آورد و شروع می‌کرد به نوشتن. یک خصوصیت دیگر که داشت این بود که پا روی پای کسی نمی‌گذاشت حتی‌المقدور. ایشان خیلی مراقب بود رفتاری نکند که کسی فکر کند مثلاً کم به آن ارزش داده شده است. خیلی سعی می‌کرد نقش دیگران را پررنگ بکند به ضرر نقش خودش و

هستند همیشه آدم‌هایی که به هیچ وجه راضی نمی‌شوند. این سه خصوصیت باعث می‌شد که به نظر من ایشان یک تکنوکرات کم‌نظیر باشد.

بد نیست گفته‌ای از کاوه لاجوردی بیاوریم که تأییدی است بر تقابل این دو روحیه [۱۹]: «در کار شهشانی ویژگی‌ای هست که برای من بسیار مطلوب و غبطه‌برانگیز است. شاید بتوانم این ویژگی را اشرافیت همراه با کمال‌گرایی بخوانم. هر مطلبی، اگر قرار است منتشر بشود، باید به بهترین صورت ممکن باشد. (و این غیر از سخت‌گیری در خود این امر است که کدام آثارش را اصلاً منتشر کند.) این نحوه انتشار گاه زمان بسیار زیادی می‌برد، که نمونه‌اش را در همین کتاب حسابان سیاوش می‌بینیم: روز اول دانشگاه که بودم، در اولین جلسه ریاضیات عمومی استاد که همانا دکتر شهشانی بود گفت که چند سالی هست که دارد کتابی در ریاضیات عمومی می‌نویسد. این چه سالی بود؟ شصت و هشت. ویراست اول کتاب در چه سالی منتشر شده است؟ هشتاد و شش.»

اما تابش دو مجله دیگر هم راه‌اندازی کرد در دو سطح متفاوت. او می‌گوید [۲]: «در همان سال ۱۳۶۶ که از اصفهان به دانشکده آدم تصمیم گرفتم یک مجله دانشجویی هم راه بیندازم. فکر کنم سیاوش رئیس دانشکده بود. به دانشکده گفتم و خودم هم شدم سردمدار این موضوع. یک سری از بچه‌ها مثل حسام حمیدی، رؤیا درودی، حسین مهدیزاده را جمع کردم و سعی کردم خودم مشاور آن‌ها باشم. ... به فکر افتادیم که با استادها مصاحبه کنیم ... برای کارهای اجرایی از طرف دانشگاه و دانشکده هم کمک می‌کردم ... در تهران دستان بازتر بود و یک جایی پیدا کردیم که مؤسسه حروف چینی بود و ماشین تایپ حافظه‌دار آی‌بی‌ام داشت ... دو شماره اول این‌طور درآمد. در شماره بعد یک وردپروسور فارسی در آمده بود که بچه‌ها خودشان یادگرفتند تایپ کنند. تک انگلیسی هم تازه در آمده بود که با چسب و قیچی حروف انگلیسی و فرمول‌ها را به متن فارسی می‌چسباندیم. تا بعد که تک‌پارسی آمد و شاید ما جزو اولین کسانی بودیم که یک نسخه از آن خریدیم و انگار دنیایی به ما داده بودند ... هدفم از ایجاد این مجله این بود که خود بچه‌ها این کارها را یادگیرند و همچنین به بچه‌های سال اول کمک بشود زودتر فرهنگشان رشد کند و به محیط آشنا شوند و خود این کار یک کالج یادگیری بود ...»

در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۱ بود که اینترنت و این چیزها نبود و علاقه یکانی من گل کرد و گفتم بروم با توده دانش‌آموزی کار کنم. با خودم گفتم یکان دیگری باید در بیاید تا بچه‌ها بخوانند ... بعد از چند سال رفت‌وآمد در ارشاد مجوز مجله [ریاضیات، سال ۱۳۷۹] را گرفتم. چند شماره‌ای در آوردیم ... می‌خواستیم الگوی یکان را جلو ببریم ... هدفم این بود که روی دکه روزنامه‌فروشی بیاید

... تعداد کمی فروش رفت ... تعداد زیادی مجله رنگارنگ آن روزها منتشر می‌شد ... بچه‌هایی مثل نقشینه خیلی زحمت می‌کشیدند ... خلاصه دیدیم که زمان گذشته است و بعد فکر کردیم آن را ببریم به فاطمی ... ارشک [حمیدی] چندتا شماره هم در آنجا در آورد ... هر شماره کلی پول از خودم می‌دادم تا نشریه بماند ولی زمان گذشت و همه در آن موقع دنبال چیزهایی مثل توسعه سیاسی و ... بودند و مجله از بین رفت ...».

۲.۴ فرخ وطن: فارغ‌التحصیلی آشنا با امر ویرایش



فرخ وطن (اوایل ۱۳۶۰)

فرخ وطن یکی از دانشجویان بااستعداد دوره خود بود که علاقه و توانایی در ویرایش نیز داشت. او در شهریور ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. در مهر ۱۳۵۲ وارد دوره لیسانس ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران شد. پس از فارغ‌التحصیلی دوره فوق‌لیسانس را در مهر ۱۳۵۶ در همان دانشگاه شروع کرد ولی به دلیل تحولات سیاسی آن دوران تحصیلات او تا بهمن ۱۳۶۳ طول کشید. عنوان رساله فوق‌لیسانس او «اتوماتون‌های متناهی احتمالی و تولید اعداد تصادفی» تحت راهنمایی دکتر ناصر صاحب‌چهرمی^۲ در زمینه علوم کامپیوتر نظری بود. در این رساله نوآوری‌هایی

دیده می‌شود و متن آن بسیار پاکیزه به نگارش در آمده است. در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۳ به صورت پاره‌وقت به عنوان ویراستار در گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی فعالیت کرد. کتاب‌های نظریه طبیعی مجموعه‌ها (نوشته هالموس، ۱۳۶۲)، منطق ریاضی چیست؟ (کراسلی، ۱۳۶۳)، توپولوژی، نخستین درس (مانکرز، ۱۳۶۶)، آشنایی با منطق ریاضی (اندرتون، ۱۳۶۶)، نظریه گالوا (آرتین، ۱۳۷۱) از جمله آثار ویرایشی او هستند. ویراستاری بعضی مقالات مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی (سال ۱۳۶۳)، جنگ ریاضی دانشجو (سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۹)، و مشارکت در راه‌اندازی مجله پیک ریاضی در دانشگاه صنعتی اصفهان (۱۳۶۵-۱۳۶۸) عمده فعالیت‌های او در زمینه نشریات است.

با استفاده از تسهیلاتی که آیین‌نامه به‌کارگیری مشمولان در دانشگاه‌ها (مصوب ۱۳۶۱) فراهم

۲. تا سال ۱۳۶۰ استاد دانشگاه تهران بود سپس به فرانسه مهاجرت کرد و در چند دانشگاه آن کشور استاد ریاضیات و علوم کامپیوتر بود.

کرده بود، از ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ تا ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۹ به کادر آموزشی دانشگاه صنعتی اصفهان می‌پیوندد. جالب است بین سال‌های ۱۳۶۸/۱۹۸۸-۱۳۷۲/۱۹۹۴ یک مقاله پژوهشی در زمینه علوم کامپیوتر و پنج مقاله دیگر در ترکیبیات مشترک با دکتر خسروشاهی و دیگران در مجلات معروف منتشر کرده است.

پس از آن، دوره دکترا را در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ در دانشگاه ایلینوی در شیکاگو آغاز کرد و در سال ۱۳۷۵/۱۹۹۶ با رساله تحت عنوان «مباحثی در محاسبه قیاسی توابع بولی» تحت راهنمایی گِگ تِورِن، ریاضی‌دان مجاری، در علوم کامپیوتر فارغ‌التحصیل شد. او در آزمایشگاه پیش‌رانش جِت ۳ وابسته به سازمان ناسا زیر نظر کلتک مشغول به کار شد.



یادی از منوچهر میثاقیان در بالا از منوچهر میثاقیان به عنوان یکی از سه بنیان‌گذار پیک ریاضی نام برده شد. او نیز روحیات مشترکی با «آن دو جوان پرشور» داشت. میثاقیان جزو پایه‌گذاران و سردبیران پیک ریاضی بود، در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۰ سردبیر فرهنگ و اندیشه ریاضی، و به صورت پراکنده با نشر ریاضی نیز همکاری می‌کرد. از آثار قلمی او ترجمه کتاب کاربردهای بینهایت است که از طرف مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است.

میثاقیان متولد ۱۳۳۰ در شهرستان شوشتر است. لیسانس

منوچهر میثاقیان (اوایل ۱۳۵۰)

ریاضی را در شهریور ۱۳۵۳ از دانشگاه تهران گرفت و فوق‌لیسانس را در آبان ۱۳۵۶ با رساله «عناصر قویاً وارون‌پذیر و رادیکال ژاکوبسن در حلقه‌های منظم» تحت راهنمایی ارسالن شادمان از همان دانشگاه اخذ کرد. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها تا سال ۱۳۷۱ در استخدام دانشگاه صنعتی اصفهان بود و بعد از آن برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. درجه دکترا را با رساله با عنوان «تناظرهای تتا برای زوج $(U(1), U(2))$ روی میدان‌های موضعی \mathbb{P}^1 » از دانشگاه آیووا زیر نظر دیوید چالرز مندرشاید در سال ۱۳۷۸/۲۰۰۰ در نظریه جبری (اعداد دریافت کرد. او هم‌اکنون استاد ریاضیات در دانشگاه پریری ویو A&M در ایالت تکزاس آمریکا است.

۵ مهدی بهزاد و پاگرفتن نشر ریاضی

مهدی بهزاد شخصیت شناخته شده و مؤثری در تاریخ ریاضیات معاصر ایران است. او خدمات بسیاری به جامعه ریاضی کشور کرده است. آنچه خواهیم آورد مبتنی بر دو کتاب خواندنی درباره زندگی و خاطرات او است: [۲۷، ۱۰]؛ همچنین نگاه کنید به [۲۸].

مهدی بهزاد متولد دوم اردیبهشت ۱۳۱۵ در یزد است. علاقه به دانش و توانایی او در ریاضی از همان دوران دبستان در او هویدا بود. پس از فارغ التحصیلی از دانشسرای عالی از طریق سهمیه شاگرد اولی در سال ۱۳۳۹ برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد. دوره فوق لیسانس و دکترا را در سال ۱۳۴۰ در دانشگاه ایالتی میشیگان آغاز کرد و در سال ۱۹۶۵/۱۳۴۴ از رساله دکترایش با عنوان «گرافها و اعداد رنگی آنها» تحت راهنمایی ادوارد نوردهاس دفاع کرد و به اخذ مدرک دکترا در رشته ریاضی (نظریه گراف) نائل آمد؛ شاخه‌ای که از روی تصادف و تحت تأثیر هم‌اتاقی دوره فوق لیسانسش، گری شارتراند، با آن آشنا و به آن علاقه‌مند شد. حدس «زیبایی» از او با عنوان «حدس عدد رنگی کلی گرافها» هنوز در این شاخه از ریاضیات حل نشده است.

بعد از اخذ دکترا، یک‌سال در دانشگاه ایالتی وین آمریکا تدریس و تحقیق کرد و در شهریور ۱۳۴۵ به تشویق حیدر رجوی به دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) رفت. منوچهر وصال، قائم مقام و بنیان‌گذار بخش ریاضی دانشگاه، با همکاری جواد بهبودیان، حیدر رجوی، احمد میرباقری، و مهدی بهزاد دوره فوق لیسانس ریاضی را، به سبک نظام واحدی آمریکا، تازه راه‌اندازی کرده بود و اولین دانشجویان آن دوره در مهر همان سال آقایان فخرالدین آیت‌الله‌زاده شیرازی، علی‌اکبر جعفریان، هادی خرقانی، مهدی رجعلی‌پور، هایک گریگوریان، ابوالقاسم میامئی، و سید عبدالله محمودیان بودند. بهزاد سال ۱۳۴۷-۱۳۴۸ به فرصت مطالعاتی در دانشگاه غرب میشیگان رفت و کتاب آشنایی با نظریه گرافها را با همکاری گری شارتراند به زبان انگلیسی تألیف کرد. در همان زمان مقاله‌ای می‌نویسد و از طریق دکتر یوسف علوی، ریاضی‌دان ایرانی متخصص در معادلات دیفرانسیل و مقیم آمریکا، برای پال اردش می‌فرستد و بعد از تصحیح و تأیید او آن را مشترکاً به چاپ می‌رساند، به این طریق «عدد اردش» او یک می‌شود. در سال ۱۳۴۸ به دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) منتقل می‌شود. یک‌سال بعد، در فروردین ۱۳۴۹، نخستین کنفرانس ریاضی کشور با شرکت تعدادی از ریاضی‌کاران، در حدود صدنفر، در دانشگاه پهلوی سابق برگزار شد. این کنفرانس تحت تأثیر کنفرانس و دیگر فعالیت‌های انجمن‌های ریاضی کشورهای اروپایی بود که پیش‌کسوتانی

مانند واژگن آوانسیان، ابوالقاسم غفاری، محسن هشتروندی، در زمان تحصیلشان در اروپا مشاهده کرده بودند. مهدی بهزاد در دو میزگردی که در آن کنفرانس با عنوان‌های «چه کنیم پژوهش ریاضی در ایران پا بگیرد؟» و «چه کنیم ریاضیات درست تدریس شود؟» برگزار شد سخنرانی کرد. در آن کنفرانس بر تأسیس انجمن ریاضی ایران تأکید شد. بهزاد متأثر از فعالیت‌های انجمن ریاضی آمریکا مشتاقانه منتظر تشکیل انجمن ریاضی ایران بود.

مهدی بهزاد در تابستان ۱۳۵۰ به دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف فعلی) منتقل شد و جانشین دکتر مرتضی انواری، نخستین رئیس دانشکده ریاضی، شد که برای فرصت مطالعاتی به خارج از کشور عازم شده بود. تأسیس رشته علوم کامپیوتر، راه‌اندازی مجله دانشجویی الگوریتم، و ایجاد رشته فوق‌لیسانس ریاضی در مهرماه ۱۳۵۰ - با همکاری چندتن از ریاضی‌دانان آمریکایی و چند استاد ایرانی - از جمله اقدامات او در آن دانشگاه است. در فروردین سال ۱۳۵۰ هم‌زمان با برگزاری دومین کنفرانس ریاضی در دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف فعلی)، هیئت مؤسسان اساسنامه انجمن را تصویب و شش نفر از ریاضی‌دانان فعال را به عنوان اعضای اولین هیئت مدیره یا شورای اجرایی انتخاب کرد. این شورا در اولین جلسه خود در ۲۴ فروردین همان سال مهدی بهزاد را به‌عنوان منشی (رئیس) مأمور ثبت و انجام امور قانونی مربوط کرد. بهزاد در مجمع عمومی سومین کنفرانس ریاضی در دانشگاه ملی در فروردین ۱۳۵۱ در مقام منشی انجمن سخنرانی کرد و ضرورت یکسان‌سازی واژه‌های ریاضی در متون فارسی را یادآور شد. همچنین ایجاد یک نشریه برای ارتباط بین اعضای انجمن با نام پیشنهادی «بولتن انجمن ریاضی» را مطرح کرد و پیشنهاد کرد اعضای انجمن حداقل در یک کمیته از سه کمیته انتشار بولتن، برگزاری مسابقات دانشجویی، و واژه‌گزینی فعالیت کنند. اولین شماره این نشریه تحت عنوان بولتن انجمن ریاضی ایران در بهمن سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ منتشر شد و اعضای کمیته انتشار آن آقایان غلامرضا برادران خسروشاهی، مهدی بهزاد، محمدقلی جوانشیر (مسئول کمیته)، کاظم لاهی، و ارسلان شادمان بودند.

بهزاد در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ برای فرصت مطالعاتی عازم آمریکا می‌شود. هدف اصلی این فرصت مطالعاتی مشارکت در تألیف کتاب دوم او در نظریه گراف تحت عنوان گراف‌ها و دایگراف‌ها با همکاری گری شارتراوند است. مهر ۱۳۵۴ تدریس در دانشگاه صنعتی را از سر می‌گیرد. «در همین اثنا از دفتر وزیر علوم، آقای دکتر سمیعی^۴، با من تماس گرفتند. گفتند آقای وزیر می‌خواهد شما را ببیند. . . . در این ملاقات برابم توضیح داد که می‌خواهد وضعیت پژوهشی کشور را ارتقا دهد

۴. دکتر عبدالحسین ابتهاج سمیعی، بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ وزیر علوم و آموزش عالی بود.

و نیاز به همکار دارد. او سه تصمیم داشت: راه‌اندازی شورای پژوهش‌های علمی کشور، تأسیس فرهنگستان علوم و تأسیس دانشگاهی در شمال کشور^۵ برای تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم پایه و برخی از رشته‌های علوم انسانی. در پایان، به‌طور رسمی از من دعوت به همکاری کرد. من، که در آمریکا به فکر راه‌اندازی مقطع دکترای ریاضی در ایران افتاده بودم و می‌خواستم این کار را در دانشگاه صنعتی شریف انجام دهم، با خود گفتم چه بهتر که این ایده را برای سایر رشته‌های علوم پایه هم تسری دهیم. از این رو بدون معطلی برای همکاری در تأسیس دانشگاه شمال کشور، که قرار بود به نام رضاشاه باشد، اعلام آمادگی کردم. . . . اقدامات زیرساختی را آغاز کرده بودند و برای سرعت بخشیدن به کارها به قائم‌مقام نیاز داشتند. کارم را چند روز بعد از ملاقات شروع کردم. نامه درخواست مأموریت را خود وزیر به رئیس دانشگاه صنعتی شریف زد که طبیعتاً موافقت شد و به دانشگاه شمال منتقل شدم.

هدف از تأسیس دانشگاه شمال ایجاد مرکزی تحقیقاتی با استانداردهای بین‌المللی و تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود. . . . کار در دست اجرا بود ولی برای آنکه از اهداف عملیاتی دور نماند، ساختمان مدرسه عالی بابلسر را موقتاً برای شروع انتخاب کرده . . . یکی از ساختمان‌های شیک و مجهز مربوط به انستیتوی شیمی بود . . . انستیتوی فیزیک هم به ریاست دکتر فیروز پرتوی کار خودش را آغاز کرده و دانشجو گرفته بود. البته از آنجاکه زمزمه انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان هم دوباره سر زبان‌ها افتاده بود، . . . آقایان دکتر اردلان، دکتر ارفعی، و دکتر حسین پرتوی خودشان را به دانشگاه ما منتقل کرده . . . ما هم دکتر رجبعلی‌پور را در انستیتوی ریاضی استخدام و کارمان را با دو یا سه دانشجوی دکترا آغاز کرده بودیم»^۶ [۱۰، ص ۱۰۰-۱۰۳].

بعد از پیروزی انقلاب و تغییر و تحولات در وزارت علوم، و «آغاز انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۰ و بسته شدن دانشگاه‌ها از آقای دکتر حسن فرید اعلم، رئیس دانشگاه مازندران فعلی، تقاضا کردم مرا به محل اصلی خدمتم، یعنی به دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی سابق) بازگردانند. با توجه به شرایط تصمیم گرفتم از این دانشگاه درخواست بازنشستگی کنم.» [۲۷، ص ۱۶۳] به‌ازای

۵. نام کامل این دانشگاه قبل از انقلاب دانشگاه «رضاشاه کبیر» بود که بعد از پیروزی انقلاب به «دانشگاه شمال ایران» تغییر نام داد. این دانشگاه امروزه «دانشگاه مازندران» نام دارد. ۶. خسروشاهی در [۱۸] گفته است: «قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۶ در کنفرانس ریاضی دانشگاه صنعتی، میزگردی تشکیل شد که مهدی ضرغامی هم در آن میزگرد بود. طبق قطعنامه آن میزگرد قرار شد کمیته‌های تشکیل شود و در باره تأسیس یک مرکز تحقیقاتی مطالعه کند. این کمیته تشکیل شد و مرا در رأس آن گذاشتند. ما این موضوع را به نتیجه رساندیم و گزارش مفصلی در این باره به انجمن ریاضی دادیم که آن‌ها هم فرستادند وزارت علوم. اما دکتر بهزاد نمی‌گذاشت این کار صورت بگیرد. چون می‌خواست آن را ببرد دانشگاه رضاشاه کبیر. این بود که در کنفرانس ۵۸، که در دانشگاه تربیت معلم تشکیل شده بود. . . آنجا من یک سخنرانی کردم و دکتر بهزاد را متهم کردم به مانع‌تراشی، درگیری لفظی شدیدی شد.»

حقوقی که می‌گرفتم کارهایی مانند تألیف و ترجمه کتاب انجام می‌دادیم و کلاس درسی در کار نبود. انجام کارهای متفرقه و گرفتن تأییدیه ماهانه با روحیه من سازگاری نداشت. [۱۰، ص ۱۱۲] «درخواست بازنشستگی به بهانه‌هایی چندین ماه، تا اواخر سال ۱۳۶۰، پذیرفته نشد. زندگی بدون منبع درآمد و با داشتن همسر و فرزندان قدونیم‌قد سبب شد به فکر تأسیس شرکتی بیفتم و در بازار تهران به فعالیت مشغول شوم. شرکت وانا... در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت شد. یکی دو سال از پیروزی انقلاب بیشتر نگذشته بود که جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ مزید بر علت شد... کار در بازار تهران برایم سراسر عذاب بود. خوشبختانه در ۱۳۶۱/۱/۱ حکم بازنشستگی صادر شد. و خود را از رفتن به بازار، دانشگاهی از نوع دیگر، آزاد کردم.» [۲۷، ص ۱۶۴]

«دانشگاه‌ها هنوز بازگشایی نشده بودند و من عملاً خانه‌نشین شده بودم. برای آدم میان‌سالی که از جوانی با کار و فعالیت انس گرفته باشد، بازنشستگی و خانه‌نشینی مصیبت بزرگی است. این وصف من بود در سال‌های اول بازنشستگی. از طرفی، هنوز ایده‌های زیادی برای انجام داشتم و در خود انرژی فعالیت می‌دیدم. پس این بازنشستگی خودخواسته که حاصل شرایط بود به شدت آزارم می‌داد.

... من از جوانی برای نظام آموزشی کشور و به ویژه رشد و گسترش ریاضی در ایران طرح و برنامه داشتم. خودم را بابت تحصیل روزهایی که خارج از کشور با بورس دولت درس خوانده بودم، مدیون می‌دانستم. اعتقاد داشتم بیکاری برای من و امثال من موقتی است و ما باید برای رشد و آبادانی کشور دست به کار شویم. در این مدت هم مطالعات پژوهشی را تعطیل نکردم و در مسائل خاص کار کردم.» [۱۰، ص ۱۱۳]

«کتاب دومی را که با گرگن نوشته بودم، چاپ شد و به وسیله پست به دستم رسید. دیدن کتاب مرا یاد زحماتی انداخت که برای تدوین آن کشیده بودم و به سال‌های دور بُرد. سال‌هایی که با تحقیق و مطالعه گذشته بود. هنوز هم بارقه‌های امید در دلم روشن بود و منتظر فرصت بودم تا بتوانم به چرخه خدمت بازگردم. در همین ایام از طریق دکتر علی‌اکبر جعفریان برای همکاری به مرکز نشر دانشگاهی دعوت شدم. یکی از همان فرصت‌هایی که به دنبالش بودم.» [۱۰، ص ۱۱۴]

«در سال ۱۳۵۹ مرکز نشر دانشگاهی با حدود بیست گروه تحت نظر آقای دکتر نصرالله پورجوادی تشکیل شد و اعضای هیئت‌های علمی موظف شدند کتاب‌های درسی و غیردرسی مورد نیاز دانشجویان عمدتاً دوره‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشد را تألیف کنند یا به زبان فارسی برگردانند تا حقوق‌شان پرداخت شود. وقتی من عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر (صنعتی شریف

فعلی) بودم آقای نصرالله پورجوادی را می‌شناختم که زیر نظر آقای دکتر سید حسین نصر، نایب‌التولیه وقت دانشگاه، رساله دکترایشان را تدوین می‌کردند. دکتر پورجوادی وارد سیاست نشدند؛ خدمات ارزنده‌ای به علم کشور کردند و صنعت نشر را متحول نمودند.

در بدو امر زنده‌یاد دکتر علی‌اکبر جعفریان سرپرستی گروه ریاضی، آمار و کامپیوتر مرکز را برعهده گرفتند و دکتر رضا منصوری و مهندس علی کافی به ترتیب سرپرستی گروه‌های فیزیک و مهندسی را. در زمانی که زنده‌یادان: محمد شفیعیها، علی عمیدی و منوچهر وصال در مرکز نشر کار می‌کردند دکتر جعفریان با احتیاط — می‌شناسم کسانی را که از سمت من در فرهنگستان (شاهنشاهی) علوم ایران آگاه بودند، از امکانات خوب و فعالیت‌های گسترده‌ام در دانشگاه رضاشاه (کبیر) خبر داشتند و بعد از پیروزی انقلاب چشم به راه به اصطلاح «پاک‌سازیم» بودند — مرا هم به همکاری دعوت کردند. به نظرم از سال ۱۳۶۳ در مرکز مشغول خدمت شدم.» [۲۷، ص ۱۶۵]

از اینجا به بعد که درباره کار در مرکز نشر دانشگاهی و راه‌اندازی مجله نشر ریاضی است سررشته کلام را به دکتر بهزاد می‌دهم که در [۱۰] با زبانی ساده و گیرا ماجرا را نقل کرده‌اند:

«ساختمانی چندطبقه در خیابان وزرا که هر طبقه دو دستگاه آپارتمان داشت. هر آپارتمان را به یک گروه علمی اختصاص داده بودند. یکی از آن‌ها را هم به گروه ریاضی، آمار و کامپیوتر که به اختصار گروه (راک)، نامیده می‌شد. . . . تعداد زیادی کتاب ترجمه یا تألیف شده بود که نیاز به بازنگری و ویراستاری داشت. کتاب‌ها برحسب نیاز دانشگاه‌ها اولویت‌بندی شده و به اساتید گروه داده بودند تا آن‌ها را ویرایش کنند. در آنجا همکاران قدیمی از جمله دکتر وصال، دکتر عمیدی و دکتر شفیعیها هم حضور داشتند. اتاقی برای کار به من و آقایان سیامک کاظمی و مهندس معین دادند.

از آنجا که واژه‌گزینی اصطلاحات ریاضی و ویراستاری متون درسی از جمله دغدغه‌های دیرین من بود، این کار را خیلی جدی دنبال می‌کردم. با اینکه افرادی مانند دکتر افضل‌پور، استاد دانشگاه تهران، از سال‌ها پیش اقدام به تهیه واژه‌نامه ریاضی کرده بودند، اما هنوز کتاب جامع و فراگیری در اختیار نبود. فعالیت‌های افرادی مانند دکتر افضل‌پور در قبل از انقلاب جنبه ذوقی و فردی داشت. او با خط خوش جزوهای تهیه کرده و در اختیار همه قرار داده بود. قبل از تشکیل انجمن ریاضی، زمانی که در دانشگاه ملی مشغول به کار بودم، اساتیدی مانند دکتر وصال و دکتر افضل‌پور در دفتر کار آقای دکتر صادق‌کلیا جمع می‌شدند تا برای ریاضی واژه‌نامه تهیه کنند. پس از ساعت‌ها بحث و تبادل نظر در آن جلسات، برای برخی واژه‌های تخصصی معادل‌هایی را پیشنهاد می‌دادیم. دکتر کلیا توافقات جلسه را در قالب جزوه‌ای با عنوان «نظر شما چیست؟» آماده می‌کرد و برای

ریاضی‌دان‌های کشور می‌فرستاد تا به یک وفاق عمومی در این زمینه برسیم. به‌هرحال فعالیت‌های زیادی شده بود، اما هیچ‌کدام به نتیجه عملی نرسیده بود. در حالت کلی‌تر می‌توان گفت در آن سال‌ها ویراستاری کتاب به‌صورت حرفه‌ای مورد توجه نویسندگان و ناشران قرار نمی‌گرفت. حتی مردم معمولی هم توجه زیادی به این‌گونه مسائل نداشتند و اصلاً استفاده صحیح از دستوربان فارسی و علائم دستوری جدی گرفته نمی‌شد. یک‌بار در آمریکا نامه‌ای از ایران دریافت کرده و مشغول مطالعه آن بودم. استادم، دکتر نوردھاس، همان موقع از راه رسید و گفت: «چه می‌خوانی؟» گفتم: «نامه‌ای از ایران آمده، دارم آن را می‌خوانم». نگاهی به نامه انداخت و چون از اول تا آخر آن از هیچ علامت دستوری مانند علامت سوال، علامت تعجب، نقطه و ویرگول استفاده نشده بود، تعجب کرد و گفت: «این که فقط یک جمله است، آخرش هم نقطه پایان ندارد!» این وضعیت عمومی جامعه در امر نگارش بود. بنابراین، به‌درستی باید مرکز نشر دانشگاهی را سرآغازی بر تولید آثار علمی به‌صورت حرفه‌ای دانست. رئیس گروه انبوه کتاب‌های ریاضی، آمار و کامپیوتری را که ترجمه و روی هم انبار شده بودند، بین اساتید توزیع می‌کرد و هر یک از ما ممکن بود ماه‌ها روی یک کتاب کار کنیم.

گاهی با مترجم ساعت‌ها در مورد یک کلمه بحث می‌کردیم و اگر به نتیجه نمی‌رسیدیم، کار به داوری می‌کشید. یکی از کتاب‌هایی که ویرایش کردم، کتاب نخستین درس در جبر مجرد نوشته جان فرالی بود. ساعت‌ها با دکتر فرزنان، مترجم کتاب، سر املائی کلمه «بلکه» بحث کردیم و آخرش هم کار به داوری رسید. او اعتقاد داشت این کلمه باید به‌صورت «بلکه» نوشته شود تا قسمت عربی آن، بل جدا شود، اما نظر من به املائی رایج آن بود. کتاب‌هایی که با این درجه از دقت و وسواس چاپ می‌شدند از بهترین کتاب‌های ریاضی تاریخ ایران بودند. در این مدت کتاب‌هایی را هم با همکاری دوستان ترجمه کردم. یکی از آن‌ها کتاب حساب دیفرانسیل و انتگرال نوشته توماس و فینی بود که بارها تجدیدچاپ شد.

از آنجاکه اعتقاد داشتم غلط چاپی در کتاب ریاضی باعث سردرگمی دانشجو می‌شود و او هرگونه کج‌فهمی از مسئله را به غلط چاپی نسبت می‌دهد، دلم می‌خواست این کتاب‌ها بدون غلط یا با غلط‌هایی کمتر از میانگین چاپ شوند. بنابراین، با حوصله و علاقه آن را دنبال می‌کردم و ترجمه و ویراستاری کتاب‌ها زمان زیادی می‌برد.

مدتی بعد، دکتر جعفریان برای فرصت مطالعاتی به کشور آمریکا رفت و دکتر وصال رئیس گروه ریاضی، آمار و کامپیوتر مرکز نشر شد. دکتر وصال هم بعد از مدتی از این مسئولیت کناره‌گیری کرد. این بار قرعه به نام من افتاد و مسئولیت گروه را به من سپردند. در همان دوران مسئولیت، یکی از

همکاران در ضمن صحبت‌های روزمره گفت چه خوب می‌شد مجوز یک نشریه مخصوص ریاضی را هم می‌گرفتم و آن را چاپ می‌کردیم. پیشنهاد خوبی بود. مطالب زیادی به دست‌مان می‌رسید که نمی‌شد آن‌ها را در قالب کتاب چاپ کرد، اما قابلیت و جذابیت چاپ در مجله را داشت. نامه‌ای به دکتر پورجوادی، مسئول مرکز، نوشتم و تقاضای گروه مبنی بر اخذ مجوز یک نشریه تخصصی ریاضی را مطرح کردم. خوشبختانه، طرح با موافقت روبرو شد. به تاسی از مجله مرکز که «نشر دانش» نام داشت، نام «نشر ریاضی» را برای مجله انتخاب کردم. هیئت تحریریه تشکیل شد و مجله با مدیرمسئولی خودم به صورت سه شماره در سال به چاپ رسید.

قبل از انقلاب، در یکی از فرصت‌های مطالعاتی که به آمریکا داشتم، به دعوت دکتر فرانک هراری، استاد دانشگاه میشیگان، عضو هیئت تحریریه یک مجله تخصصی گراف شده بودم. بنابراین، سعی می‌کردم در کارهایم از تجارب آن دوره استفاده کنم. دکتر هراری می‌گفت قبل از تدارک چندین و چند مقاله برای بیش از دو شماره از مجله، اقدام به چاپ جلد اول نکنید زیرا ممکن است از همان ابتدا ادامه کار را با مخاطره روبه‌رو کند. این توصیه خوبی بود. بنابراین، ما زمانی به چاپ جلد اول «نشر ریاضی» اقدام کردیم که برای سه شماره مقالات مناسب و موردنظر هیئت تحریریه را تدارک دیده بودیم.

اولین شماره در فروردین ماه ۱۳۶۷ به چاپ رسید. قیمت شماره اول ۲۵۰ ریال بود که قیمت مناسبی برای دانشجویان به حساب می‌آمد. مقالات مجله برای جوانان علاقه‌مند به ریاضی جذابیت خاصی داشت و شماره اول با استقبال خوبی روبه‌رو شد. این استقبال ما را نسبت به ادامه کار امیدوار کرد. مقالات یا تألیف همکاران ما بود یا ترجمه از منابع معتبر.

برای آنکه غنای علمی مجله را بالا ببریم، برخی از مجلات خوب و معتبر را آبرنمان شده بودیم. یکی از آن‌ها مجله مانتهلی بود. نشر ریاضی تا چند سال بعد از شماره نخست هم کار خود را به صورت چهار ماهیانه ادامه داد و سپس شش ماهیانه شد. باید گفت در آن مقطع از زمان این مجله خاطرات خوبی برای جامعه ریاضی کشور بر جای گذاشت.

از همان شماره نخست، همکاران ما در هیئت تحریریه از ریاضی‌دانان تراز اول کشور انتخاب شدند. نشر ریاضی مجله‌ای صرفاً تکنیکی نبود، بلکه جنبه‌های گوناگون پژوهش، آموزش، تاریخ و فلسفه ریاضیات را هم شامل می‌شد. سعی مجله بر این بود که به انجمن ریاضی ایران یاری برساند، کاستی‌ها را به مقامات آموزشی و پژوهشی کشور نشان دهد، و راهنمای آن‌ها در حوزه ریاضی باشد. مشکلات دوره دکترای ریاضی را هم، که به‌تازگی در کشور راهداندازی شده بود، رصد می‌کرد و برای آن راه‌حل ارائه می‌داد.

مباحثی مانند جذب استاد و دانشجو، معرفی کتاب‌ها و کتابخانه‌های تخصصی ریاضی، بحث و بررسی پیرامون مطالب درسی ریاضی، واژه‌گزینی و آزمایشگاه ریاضی از دغدغه‌های هیئت تحریریه بود. البته ما در مجله، هیئت تحریریه را هیئت ویراستاران می‌نامیدیم و مجله از مشاوران مجربی هم بهره‌مند بود که نام آن‌ها در صفحه اول درج می‌شد. مقاله‌هایی مانند: ریاضیات آشوب، توپولوژی و فیزیک، نگاهی به فرضیهٔ ریمان و ترکیبیات شمارشی بیشتر جنبهٔ تخصصی داشتند، اما مقاله‌هایی مانند: چند خاطره از ریاضی‌دان‌هایی که شناختم، می‌خواهم ریاضی‌دان به حساب آیم، دستاوردهای نیوتن و زندگی‌نامهٔ اردوش جنبهٔ عمومی‌تر و فرهنگی‌تری از ریاضی داشتند. همچنین مقالاتی مانند: سی‌وسه مسئله از مجلهٔ منتی و مسئلهٔ دهم هیلبرت، جنبهٔ شناختی و معرفتی داشتند که هم عنوان و هم محتوای آن‌ها مورد توجه خوانندگان قرار می‌گرفت.

من دو سال مدیر مسئول مجله بودم. از سال ۱۳۶۹ به بعد، پس از آن دکتر سیاوش شهبهانی و دکتر محمدقاسم وحیدی اصل به ترتیب این مسئولیت را عهده‌دار شدند. آخرین شمارهٔ پیاپی مجله، یعنی شمارهٔ ۵ در تیرماه ۱۳۹۰ به چاپ رسید و پس از آن دیگر هرگز چاپ نشد.

از دیگر اقداماتی که در این دوره انجام شد، چاپ کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان و دانشجویان سال‌های اول دانشگاه بود. یکی از اتفاقات خوب ریاضی در آن سال‌ها عشق و علاقهٔ جوانان به المپیادهای ریاضی بود. . . . از این رو، در مرکز نشر کتاب‌هایی را برای تقویت بچه‌های المپیادی رصد کردیم و با ترجمهٔ آن‌ها خدمتی برای این گروه از علاقه‌مندان ریاضی انجام شد.

از دیگر فعالیت‌های گروه راک در این دوره رسیدگی به کتاب‌هایی بود که از مدت‌ها قبل ترجمه یا تألیف و در فایل‌های متعدد اتاق انبار شده بودند. سال‌های زیادی از دوران تعطیلی دانشگاه‌ها و تکلیف اساتید به انجام تألیف یا ترجمهٔ کتاب می‌گذشت. بسیاری از کتاب‌ها هنوز بررسی نشده بودند و چون تعداد آن‌ها زیاد بود، بلا تکلیف رها شده بودند. با هر بار مراجعه به گروه، از مشاهده این وضعیت ناراحت می‌شدم و نسبت به فرجام این کتاب‌ها نوعی عذاب وجدان داشتم. از ترجمهٔ برخی از آن‌ها بیش از یک دهه می‌گذشت و تکلیفش روشن نبود. برخی از کتاب‌ها هم از همان ابتدا خوب انتخاب یا ترجمه نشده بودند. برخی دیگر هم که متن و ترجمه خوبی داشتند، با خطر قدیمی شدن روش‌ها، مثال‌ها و اثبات‌ها روبه‌رو بودند. باید هرچه زودتر فکری به حال آن‌ها می‌شد و خیال نویسندگان و مترجمان هم از بابت کاری که کرده بودند راحت می‌شد. با کمک همکاران و اساتیدی چون دکتر وصال، دکتر شفیعیها و دکتر عمیدی که با مرکز همکاری داشتند، آن‌ها را

تقسیم‌بندی و اولویت‌بندی کردیم. برخی در همان مرحله اول حذف شدند. برخی برای چاپ انتخاب شدند و دسته‌ای دیگر برای بازنگری به مترجم یا مؤلف بازگردانده شدند. کتاب‌های از دور خارج شده را به زیرزمین مرکز، که بایگانی راكد داشت، منتقل و معضل چندین‌ساله را حل کردیم. با انجام این اقدامات به نظر رسید که دیگر کار مهمی در مرکز ندارم، روحیه‌ام با انجام کارهای تکراری هم‌خوانی نداشت و از روزمرگی خوشم نمی‌آمد. دلم برای کارهای آموزشی و پژوهشی تنگ شده بود. زمان زیادی بود که به کلاس درس نمی‌رفتم و از نزدیک با دانشجویان برخورد نداشتم. این‌گونه دلتنگی‌ها از جمله ویژگی‌های مشترک ما معلم‌ها است.» [۱۰، ص ۱۱۵-۱۲۰]

«سال تحصیلی ۱۳۶۲-۱۳۶۳ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور به روی دانشجویان گشوده شدند؛ اما، جای خالی بسیاری از اعضای هیئت‌های علمی محسوس بود. آقای دکتر سیاوش شهبه‌شاهی سرپرست دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف مرا برای تدریس دو درس تخصصی در دوره کارشناسی دعوت کردند. کلاسی چهل‌پنجاه نفری و ناهمگن متشکل از دانشجویان نخبه و سهمیه‌ای برخی از ارگان‌ها. شک نداشتم که توضیح برخی از نکات برای گروهی ملال‌آور است و در مقابل برای گروهی دیگر رضایت‌بخش. نظر به اینکه همواره با در نظر گرفتن نیازهای گوناگون و توجه به حاضران تدریس می‌کردم خود را در بن‌بست یافته‌ام و در پایان سال تحصیلی برای همیشه با دانشگاه صنعتی شریف خدا حافظی کردم. ...

روزی آقای فخرالدین آیت‌الله زاده شیرازی، سرپرست گروه ریاضی دانشگاه شهید بهشتی، مرا به همکاری دعوت کردند چون دانشجویان رشته ریاضی این دانشگاه همگن بودند و چهل‌وچند سالگی را برای بازنشستگی مناسب نمی‌دانستم دعوت را پذیرفتم و کارم را به‌صورت پاره‌وقت آغاز کردم. قراردادهای یکی پس از دیگری تمدید شدند تا اینکه بار دیگر تمام‌وقت به استخدام این دانشگاه درآمدم و از مزایای آن بهره‌مند شدم.

در دوران [رئیس جمهور وقت]، تمام‌وقتی امثال من لغو شد و پاره‌وقت به کار ادامه دادم. نظر به اینکه دانشجویان ریاضی سال‌به‌سال ضعیف و ضعیف‌تر می‌شدند، در دو نیمسال تدریس در گروه علوم کامپیوتر این دانشگاه ... را برعهده گرفتم به این امید که با دانشجویان بهتری روبرو شوم. چنین نشد و سرانجام دعوت آقای دکتر علی ایرانمنش رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه تربیت مدرس را پذیرفتم تا با دانشجویان دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا سروکار داشته باشم. دو نیمسال بیشتر دوام نیاوردم و در پایان سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ برای همیشه شغل شریف معلمی را ترک کردم.» [۲۷، ص ۳۳۳-۳۳۴]

۶ نشر ریاضی از زبان سیاوش شهشانی

• از اینکه قبول زحمت فرمودید بسیار سپاسگزارم. جناب عالی شخصیت کاملاً شناخته شده‌ای در جامعه ریاضی هستید، به همین مختصر اکتفا می‌کنم که متولد ۱۳۲۱ در تهران هستید و پس از اتمام دوره دبیرستان در سال ۱۳۳۹ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتید. در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی دکترای ریاضی گرفتید، پس از پنج سال اشتغال در آمریکا در ۱۳۵۳ به ایران بازگشتید، با مرتبه دانشیاری دانشگاه صنعتی شریف استخدام شدید و در سال ۱۳۵۸ به مرتبه استادی رسیدید. از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۱ قائم مقام مرکز تحقیقات ریاضیات و فیزیک نظری (IPM فعلی) بودید. بین سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ سردبیر بولتن انجمن ریاضی بودید و در سال ۱۳۵۸ با جدا کردن مطالب خبری از بولتن انجمن ریاضی، خبرنامه انجمن را راه‌اندازی کردید. از همان سال‌های اول در این دو مجله مقاله‌های توصیفی-ترویجی منتشر کرده‌اید. به جز سال‌های اخیر که یک دوره حساب دیفرانسیل و انتگرال به زبان فارسی و یک کتاب در هندسه خمینه‌ها به زبان انگلیسی، مبتنی بر سال‌ها تدریس، منتشر کرده‌اید در حوالی سال ۱۳۶۰ سه‌چهارتا ترجمه و تألیف هم از شما موجود است. منظور اینکه علاقه و توانایی شما در نوشتن در سطوح مختلف و به زبان فارسی کاملاً بارز است. در مصاحبه تاریخ شفاهی [۱۷] نقل کرده‌اید که در تمام دوران تحصیل بسیار اهل مطالعه از هر نوعی بوده‌اید. بفرمایید موضوع تأسیس مجله‌ای که نشر ریاضی نام گرفت چطور با شما مطرح شد؟ با وجود حداقل سه مجله با هدف مشترک (فرهنگ و اندیشه ریاضی، پیک ریاضی، و جُنگ ریاضی دانشجو) که شما در آن‌ها هم مقاله منتشر کرده‌اید، چه ضرورتی در انجام این کار دیدید؟ اتفاقاً مجله پیک ریاضی را آقایان یحیی تابش و فرخ وطن به همراه منوچهر میثاقیان در دانشگاه صنعتی اصفهان در سال ۱۳۶۵ راه‌اندازی کرده بودند. در ضمن بفرمایید آشنایی شما با آقایان یحیی تابش و فرخ وطن در چه حد بود؟

— با تشکر فراوان از فراهم کردن این گفت‌وگو، لازم است قبل از پاسخ دادن به سؤالی که در پایان مطرح کرده‌اید، نکته‌ای را روشن کنم. از آنچه فرمودید ممکن است به نظر برسد که من آدم دست به‌قلمی هستم و اهل نوشتن. کاش این‌طور بود، ولی نوشتن برای من کاری سخت و گاهی حتی دردناک است و کلاً هم زیاد نوشته‌ام. چیزی که هست این است که من از کودکی خیلی عادت به خواندن داشتم و شاید همین خواندن زیاد باعث شد که تا حدی قوه نقد و تشخیص نوشتاری کسب کنم و صاحب مختصری سلیقه در نوشتن شوم. ولی همین خصوصیت مرا در نوشتن کند و وسواسی می‌کند به طوری که بارها و بارها هر نوشته‌ام را ویرایش می‌کنم. اگر این نرم‌افزارها نبود قطعاً تولید من از این هم کمتر می‌بود. من نسبت به کسانی که راحت می‌نویسند احساس رشک می‌کنم، حتی آن‌هایی که جفنگ می‌نویسند.

اما در مورد سؤال شما، مجلات پیک ریاضی و جنگ ریاضی نشریات دانشکده‌ای و دانشجویی بودند که حیطهٔ پخش وسیع نداشتند. هدف دوستانی که نام بردید این بود که نشریه‌ای در سطح مملکت راه بیندازند. یادم نیست که فرهنگ و اندیشه در چه تاریخی آغاز به کار کرد، ولی یادم هست که در آن زمان زیاد به آن خوشبین نبودیم چون نشریات انجمن از استقلال و نهادینگی برخوردار نبودند و می‌بایست از فیلترهای سلیقه‌ای خاصی عبور کنند. در هر حال ظاهراً آقایان تابش و وطن، که در آن زمان جوان بودند، برای تأسیس نشریهٔ مورد نظر به نشر دانشگاهی متوسل می‌شوند و نشر دانشگاهی از آن‌ها می‌خواهد که فرد ارشدتری را برای مسئولیت مجله معرفی کنند. در آن زمان من گرفتار کارهای متعددی بودم: تدریس دانشگاه، قائم‌مقام مرکز تحقیقات ریاضیات و فیزیک نظری نوپا، مسئولیت کمیتهٔ برنامه‌ریزی علوم ریاضی در وزارت علوم و کارهای خرده‌ریزی که دائماً پیش می‌آمد. از این رو، علی‌رغم علاقه به این فعالیت و نظر خیلی مثبتی که نسبت به این دو جوان داشتم، نتوانستم قبول مسئولیت کنم. خوشبختانه دکتر مهدی بهزاد که در آن زمان عهده‌دار ریاست گروه ریاضی مرکز نشر شده بود مسئولیت مجله را نیز پذیرفت و کار شروع شد. نام مجله را هم او به اقتباس از نام مجلهٔ نشر دانش که موسسهٔ نشر دانشگاهی منتشر می‌کرد «نشر ریاضی» پیشنهاد کرد.

در مورد آشنایی با افراد ذکر شده، وقتی من در سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شدم آقای تابش آخرین نیمسال تحصیلی خود را در آنجا می‌گذراند و او را شناختم. بعداً در جریان یک کنفرانس ریاضی کشور که در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد بیشتر با او آشنا شدم. آقایان وطن و میثاقیان در دانشگاه تهران بودند و از طریق همکاران آن دانشگاه آن‌ها را می‌شناختم.

● به‌طور کلی چه ضرورتی در انتشار یک مجلهٔ علمی-توصیفی به زبان فارسی در آن زمان می‌دیدید؟ بالاخره، سطح دانشگاه‌ها، تعداد دانشجویان رشتهٔ ریاضی، و اصولاً مخاطبان مجله از یک طرف و همچنین مشکلات زبان فارسی علمی از طرف دیگر مانع شما در انجام این کار نمی‌شد؟

— دقیقاً همین معضلاتی که ذکر کردید توجیه و ضرورت انتشار مجله بود، یعنی کوششی برای برداشتن آن موانع. اصولاً ریاضیات جدید در کشور ناشناخته بود و هدف ما شناساندن آن بود و توسعهٔ ادبیات ریاضی به زبان فارسی. البته این مشکل روابط عمومی دامن‌گیر ریاضیات همه جا هست و در سراسر تاریخ به سبب ماهیت مجرد ریاضیات همراه ما بوده است. بنابراین کوشش برای معرفی فعالیت ریاضی همیشه توجیه‌پذیر است.

• شما هفده سال (۱۳۶۷-۱۳۷۰) به عنوان عضو هیئت ویراستاران و ۱۳۷۰-۱۳۸۴ به عنوان مدیر مسئول و عضو هیئت ویراستاران) در جریان و رأس امور نشر ریاضی بودید. شکل و ساختار کلی مجله بسیار شبیه به مجله‌های اینتلیجنسر و مانند بود. آیا این موضوع اتفاقی بود یا انتخاب هیئت ویراستاران؟ انتخاب مطالب مربوط به بخش‌های مختلف مجله یک ذوق سلیم و اشراف کامل بر موضوعات روز و درک مخاطبان را لازم دارد. انتخاب مطالب و پیدا کردن آن‌ها چگونه انجام می‌گرفت؟ آیا مجلات خارجی مشابه و منابع خبری در دسترس داشتید؟

— اول بگویم که من هیچ‌وقت این‌طور که می‌گویید در «رأس» نبودم، در تمام مدتی که من با مجله همکاری داشتم جلسات طولانی بحث و گفت‌وگو داشتیم که همه در آن مشارکت آزادانه داشتند. معمولاً به اجماع می‌رسیدیم و در موارد نادر که مجبور به رأی‌گیری می‌شدیم معمولاً موضوع خیلی حساس نبود. حتی باید بگویم که از نظر بعضی که خیلی «مدیریت‌محور» بودند نسبت ساعاتی که صرف بحث پیرامون مطالب هر شماره می‌شد به تعداد صفحاتی که حاصل می‌شد نشانه «عدم کارایی» بود، ولی در حفظ این روند کاری مصر و پایدار بودیم. اما در مورد اصل سؤال، ما به اکثر نشریات ترویجی ریاضی که به زبان‌های انگلیسی و فرانسه چاپ می‌شدند دسترسی داشتیم و یکی از موضوع‌های اصلی که ساعت‌ها قبل از انتشار اولین شماره موضوع بحثمان بود سبک مطلوب مجله بود. به عنوان مثال، همین دو نشریه ترویجی که شما نام بردید، سبک و هدف متفاوت دارند. مانند بی‌نوعی تعلیمی و تحقیقی در سطح دوره کارشناسی است، ولی اینتلیجنسر بیشتر ژورنالیستی است، معطوف به طیف گسترده‌تری از ریاضی‌پیشگان. سبکی که بالاخره در نشر ریاضی اتخاذ کردیم سه‌چهارم ژورنالیستی بود به‌گونه‌ای که قابل استفاده طیف وسیعی از ریاضی‌کاران حرفه‌ای تا دانش‌آموزان علاقه‌مند سال‌های آخر دبیرستان باشد و یک چهارم تعلیمی و خبری. این جنبه خبری به سبب بی‌نظمی انتشار مجله خیلی مؤثر واقع نشد، و با رشد خبرنامه انجمن بیشتر به آن نشریه محوّل شد.

در مورد مطالب تعلیمی مشکلی را که گاهی با آن مواجه می‌شدیم توضیح دهم. پیش می‌آمد که استادی مطلبی کلاسیک را در کلاس خیلی موفقیت‌آمیز تدریس کرده و جزوه مربوط را برای چاپ به مجله پیشنهاد می‌کرد. معمولاً این پیشنهادها رد می‌شد، مگر اینکه نکاتی واقعاً بدیع و تازه عنوان شده باشد. صرف اینکه مطلبی خوب و دانشجو‌فهم تشریح شده باشد به درد مجله نمی‌خورد. انتخاب مطالب هم این‌طور بود که پیشنهادهای رسیده هم از هیئت تحریریه و هم از مطالب و پیشنهادهای

ارسالی را بررسی می‌کردیم. یکی از اهدافی که از آغاز مدنظر قرار دادیم مقالات تألیفی توسط ایرانیان داخل و خارج کشور بود. مثلاً از ریاضی‌دانان ایرانی خارج کشور که به ایران سفر می‌کردند و اینجا سخنرانی می‌کردند درخواست می‌کردیم یک مقاله توصیفی برای مجله بنویسند، همین‌طور از ریاضی‌دانان داخل کشور. به‌طور کلی این کار را خیلی تشویق می‌کردیم ولی چندان هم در حد مطلوب به نتیجه نرسید.

● هیئت ویراستاران و مشاوران چگونه انتخاب می‌شدند؟ افرادی در هیئت ویراستاران بودند که حتی مدرک دکترا نداشتند ولی مسلماً افراد توانمندی برای اهداف مجله بودند؛ این افراد را چگونه پیدا و انتخاب کرده بودید؟ چگونه از توانمندی آن‌ها اطمینان پیدا می‌کردید؟ مؤلفان و مترجمان را چگونه انتخاب می‌کردید؟ آیا تهیه مطالب را شما به افراد سفارش می‌دادید؟ اگر نتیجه کار برعکس تصور شما کیفیت مطلوب را نداشت و آن شخص هم حاضر به اصلاحات مطابق نظر شما نبود چه راهی در پیش می‌گرفتید؟

— در آغاز جمع نسبتاً بزرگی به پیشنهاد پنج‌شش نفر هسته مؤسس برای عضویت در هیئت تحریریه دعوت شدند. سبک کارمان که از آغاز بحث بی‌رودربایستی و وقت‌گیر بود طبعاً با روحیات یا وقت آزاد همه سازگار نبود و تدریجاً این جمع متحول شد. کلاً اگر فهرست افرادی را که در مقطعی عضو جلسات هیئت تحریریه بوده‌اند نگاه کنیم باید جمع بزرگی باشد. پس از مدتی، گروه باقی‌مانده گهگاه افراد دیگری را پیشنهاد می‌کردند و اگر پیشنهاد با موافقت روبه‌رو می‌شد و مخالفت جدی وجود نداشت، فرد مورد نظر دعوت می‌شد. کاری هم به مدرک تحصیلی افراد نداشتیم، آن‌قدر اعتماد به نفس و شناخت از کارمان احساس می‌کردیم که تشخیص خودمان را از صلاحیت افراد ملاک قرار می‌دادیم. انتخاب مؤلف و مترجم هم به پیشنهاد اعضا و موافقت جمع بود. بعضی مطالب هم برای مجله ارسال می‌شد که مورد بررسی قرار می‌گرفت. من به خاطر ندارم که به علت عدم توافق بر سر اصلاحی، کار به بن‌بست رسیده باشد، شاید هم مواردی بوده است. آقای سیامک کاظمی باید یادش باشد چون به عنوان ویراستار اصلی بار این گرفتاری‌ها بر دوش او بود.

● آیا در هیئت ویراستاران در مورد انتشار مطلبی یا پذیرش ترجمه یا تألیفی اختلاف نظر پیش می‌آمد؟ در این موارد چگونه موضوع را حل و فصل می‌کردید؟

— بله گاهی در آغاز اختلاف نظر بود ولی بالاخره دوستانه حل می‌شد هرچند که ممکن بود وقت‌گیر باشد.

• آیا کارهایی را که برعهده هیئت ویراستاران یا مشاوران می‌گذاشتید به‌نحو مطلوب انجام می‌شد یا نیاز به بازبینی و ترمیم از طرف شما نیز بود؟ اگر از نتیجه کار ناراضی بودید چه می‌کردید؟

— هیئت تحریریه تصمیم‌گیر نهایی بود.

• اگر از آثار و تلاش‌های دکتر مصاحب و بعضی شاگردان او بگذریم، ما سنت و روش جاافتاده‌ای در نگارش متون ریاضی نداشته و نداریم. مجله نشر ریاضی بسیار خوش‌اقبال بود که در مؤسسه‌ای تأسیس شد که بعد از انقلاب تنها مؤسسه‌ای است که در ایجاد استانداردهایی در انتشارات دانشگاهی عزم جدی داشت. آیا هیئت ویراستاران در مسائلی از این دست نظراتی داشت یا این روال‌ها و قواعد تماماً ویراستار مجله (آقای سیامک کاظمی)، که از ویراستاران ثابت مرکز نشر دانشگاهی بود، واگذار شده بود؟

— هیئت تحریریه از سیاست‌های مرکز نشر، که ضمناً منعطف هم بود و با اجماع اهل قلم هم معمولاً سازگار بود، آگاهی داشتند. بعضی در مواردی سلیقه‌های خاص داشتند ولی معمولاً مشکلی پیش نمی‌آمد چون همان‌طور که گفتم رهنمودهای مرکز نشر خیلی مستبدانه نبود. آقای کاظمی سعی می‌کرد با ظرافت ناشی از آگاهی همه‌جانبه‌ای که داشت این‌گونه مسائل را حل کند.

• معتقدم مجلات فارسی (با رویکرد توصیفی) در صف اول واژه‌سازی و معادل‌گزینی و ضبط اسامی خاص هستند. با توجه به تنوع موضوعات نشر ریاضی، شما برای مواجه با سیل واژه‌های جدید چه تدبیری داشتید؟ البته واژه‌نامه انجمن ریاضی موجود بود ولی مسلماً جواب‌گوی نیاز مجله نبود؛ همچنین توجه کنیم هنوز شاخه واژه‌گزینی ریاضی فرهنگستان هم فعال نبود، هرچند اکنون هم که فعال است جواب‌گوی نیاز روزمره نیست.

— تا آنجاکه مقدور بود از پیشنهاد‌های موجود انجمن ریاضی استفاده می‌کردیم. خودمان هم گهگاه به پیشنهادهایی می‌رسیدیم که آقای کاظمی آن‌ها را با زبان‌شناسانی که با مرکز نشر ارتباط داشتند مطرح می‌کرد.

• در مواردی از ریاضی‌دانان و ایرانی‌های خارج از کشور هم برای تألیف و ترجمه مطالب استفاده کرده‌اید. چگونه این افراد را انتخاب می‌کردید و آن‌ها حاضر به انجام این کار می‌شدند؟

— این را قبلاً توضیح دادم.

• در شماره‌ای از نشر ریاضی موضوع رتبه‌بندی مجله را مطرح کرده‌اید و نوشته‌اید که پس از گفت‌وگو با مقام مسؤل مربوط از خیر این کار گذشتید. در طی این ۱۴ سال هم تغییرات مثبتی در این زمینه در کشور و قوانین

نیفتاده است. این نوع مجله‌ها در مقایسه با مجله‌های نوعاً پژوهشی با مشکلات بسیاری مواجه‌اند. تنها تغییر مهم در این زمینه که در شش سال اخیر اتفاق افتاده است این است که مجله‌های تخصصی صرفاً مجله علمی نامیده می‌شوند و صفت ترویجی، توصیفی، و پژوهشی بر مقاله حمل می‌شود و نه مجله؛ اما در آیین‌نامه ارتقا اعضای هیئت علمی همچنان امتیاز اصلی، و در مواردی وتویی، به مقالات پژوهشی داده می‌شود. لذا مقاله‌های توصیفی و ترویجی اصلاً محل توجه جامعه علمی کشور نیست (حداقل در جامعه ریاضی این‌طور به نظر می‌رسد). از طرفی شخص دانشگاهی نیازمند امتیازهای مختلف برای ارتقا و بقای شغلی خودش است. از طرفی باید توجه کرد عموماً کاری که صرف امتیاز انجام شود هم آن‌چنان باکیفیت در نخواهد آمد. به نظر می‌رسد گردش کار این مجله‌ها و حفظ کیفیت در آن‌ها یک معضل باشد. همچنین اشاره کنم که حفظ کیفیت و استانداردهای یک مجله نه از طریق آیین‌نامه و رتبه‌بندی و بخشنامه بر می‌آید و نه وابسته به آن است، بلکه وابسته به اعضای هیئت تحریریه است. اما اعضای هیئت تحریریه علاقه‌مند به این کار هم همان گرفتاری‌های شما را دارند که در ۲۰-۳۰ سال پیش داشتید، و از طرفی تعیین آن‌ها در مواردی که به نوعی خارج از معیارهای کیفی صورت گیرد نیز آفاتی دارد. به نظر شما چاره کار چیست؟

— این داستان توسط من و دیگران چند بار نقل شده است: روزی که جلسه مجله داشتیم کارشناسی از وزارت علوم نازل شد به منظور بررسی و امتیازدهی مجله. وقتی فهمید ما نشریه‌مان را پژوهشی تلقی نمی‌کنیم، آن را ترویجی-علمی می‌دانیم، و اصولاً برای این سبک نشریه مشروعیت مستقلی قائلیم، کمی شوکه شد. ظاهراً از نظر او و رئیسانش یک طبقه‌بندی خطی نشریات وجود داشت و مجلاتی که امتیاز کافی برای پژوهشی بودن کسب نمی‌کردند، برای رده بعدی در نظر گرفته می‌شدند، و غیره. همچنین بی‌اعتنایی ما نسبت به داشتن درصد مشخصی از «دکتر» در هیئت تحریریه را درک نمی‌کرد. البته ما محکم ایستادیم و سعی کردیم او را ارشاد کنیم ولی او هم کارمندی بیش نبود که داشت وظایف محوله را انجام می‌داد. شاید همین رویداد که آن روز از نظر ما به کمندی می‌نمود بیشترین ضربه را به تداوم انتشار مجله زد. از زمانی که امتیازدهی ماشینی به مقالات جهت ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بر اساس رده‌بندی وزارتی شروع شد، خیلی از دوستانی که قبلاً برای مقاله‌نویسی یا ترجمه با مجله همکاری می‌کردند مجبور شدند برای ارتقاء دانشگاهی یا کسب پژوهانه و جوایز گلگونی که برای تشویق به پژوهش رایج شد، وقتشان را صرف امور آب‌ونان‌دارتر کنند. این است نتیجه «مهندسی اجتماعی» که بعضی در مملکت به آن افتخار می‌کنند. زمانی در کشور ما احساس شد که پژوهش علمی برای پیشبرد اهداف مادی مملکت مؤثر و لازم است. آنگاه ناشیانه،

بدون استراتژی حساب شده یا در نظر گرفتن بضاعت موجود، تشویق بی‌مقدمه و همه‌جانبه پژوهش به روش «چماق و هویج» در دانشگاه‌های ما به راه افتاد. نتیجه این است که مجله‌ای که نقش مؤثر در سوق دادن جوانان به کار علمی داشته است نابود می‌شود ولی دانشمندان یک درصدی در مملکت داریم که سوادشان در رشته خود در سطح یک دانشجوی برتر کارشناسی نیست. الان کار به جایی رسیده است که یک خانه‌تکانی و اصلاح ریشه‌ای در آموزش عالی کشور لازم است. با این حال منکر اهمیت و شاید ضرورت اصلاحات مقطعی و موضعی هم برای حفظ نطفه‌های امید نیستم.

• هم در مصاحبه تاریخ شفاهی و هم در چندجا از نشر ریاضی اشاره کرده‌اید که در مجله پایبند به نوعی نقد مستقیم و بی‌رحمانه در هیئت ویراستاران بودید. معتقدم یکی از عوامل رشد جامعه علمی در طول ۳۰ سال عمر آن هم همین نقد درونی بوده است؛ چیزی که در جامعه ما و خصوصاً سال‌های اخیر وجود ندارد. چگونه توانستید این موضوع را طی سالیان دراز حفظ کنید بدون آنکه به ستیز و دشمنی بینجامد و افراد از مشارکت در کار جمعی دور شوند؟

— طبعاً بعضی ناخرسندی‌ها پیش می‌آید و گاهی اختلاف سلیقه‌ها موجب کناره‌گیری از هیئت تحریریه مجله می‌شد. ولی تا آنجاکه به خاطر دارم همه رفتار حرفه‌ای پیش گرفتند و اختلافات هیچ‌وقت شخصی نشد. یک مورد یادم هست از نقدی که برای مجله فرستاده شد در مورد ترجمه یک کتاب که تصادفاً مترجم عضو هیئت تحریریه مجله بود. هیئت تحریریه نقد را تأیید کرد و مطلب در مجله چاپ شد! موردی دیگر که برای من سنگین بود استعفای تابش بود. او خیلی عملی فکر می‌کرد و به درستی معتقد بود که یک نشریه ادواری برای اثرگذار بودن نیاز دارد که منظم منتشر شود، حتی به بهای فدا کردن کیفیت. از طرفی دیگر من اشتغالات زیادی داشتم که مانع از تخصیص وقت بیشتر به مجله می‌شد و مرز فدا کردن کیفیت به گونه‌ای که اصل مجله کیفی فدا نشود برایم روشن نبود. در نتیجه انتشار مجله نامنظم بود. تابش تاب نیاورد و استعفا داد، ولی این باعث کدورت میان من و او نشد، به طوری که همکاری‌مان همچنان ادامه یافته است.

• سؤال پایانی این است که چرا از مسئولیت مجله کناره گرفتید با اینکه مدت زمان طولانی منشأ خدمات بسیاری در مجله بودید؟ آیا گرفتاری‌های شخصی داشتید یا عوامل دیگری در کار بود؟ تعطیلی نهایی مجله را متاثر از چه عواملی می‌دانید؟

— همان‌طور که در بالا گفتم تداوم کار مجله در شرایطی که آئین‌نامه ارتقاء دانشگاهی علیه آن کار

می‌کرد نوعی از خودگذشتگی نامتعارف می‌طلبید. پس از من هم با اینکه چند شماره‌ای منتشر شد، بالاخره انتشار آن متوقف شد. البته عوامل دیگری هم بودند. یک عامل مهم تغییراتی در مرکز نشر بود که روح حاکم و ارزش‌های جاری در آن سازمان را دگرگون کرد. در مورد شخص خودم، مستقل از این عوامل، اصولاً سعی کرده‌ام آن قدر در پستی نمانم که ترک آن برایم دردناک شود، و این در مورد مسئولیت‌های دیگری هم که داشته‌ام صادق است.

۷ نشر ریاضی از زبان محمدقاسم وحیدی اصل

● از اینکه قبول زحمت فرمودید بسیار سپاسگزارم. قبلاً در مصاحبه‌ای دیگر کمی درباره نشر ریاضی صحبت کرده‌ام، اما در اینجا با جزئیات بیشتری به آن خواهم پرداخت. ابتدا بفرمایید که دقیقاً چه دوره‌هایی شما مدیر گروه ریاضی مرکز نشر بودید؟ مسئولیت نشر ریاضی بعد از کناره‌گیری دکتر شهشهبانی به شما واگذار شد، آیا در این دوره مدیر گروه ریاضی مرکز نشر بودید و اجباراً باید مسئولیت را قبول می‌کردید یا داوطلبانه این کار را قبول کردید؟

— ابتدا باید از شما قدردانی کنم که چه در دوره سردبیریتان در خبرنگارانه و چه در فرهنگ و اندیشه ریاضی، تلاش‌های ارزنده‌ای به عمل آورده‌اید که سوابق گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی و نشر ریاضی را از طریق مصاحبه با افراد مرتبط با گروه ریاضی و مجله نشر ریاضی، ثبت و ضبط کنید. به نظرم پیش از پرداختن به مجله نشر ریاضی و فعل و انفعالاتی که سبب به وجود آمدن این مجله و بعد غروب آن شد، ضروری باشد که فضایی را که این دو اتفاق، یعنی تأسیس و بعداً تعطیلی مجله در آن حادث شدند، در ذهن خواننده تصویر کنم. به گمان من و با توضیحاتی که خواهم داد، باید بگره‌های را که از دهه ۶۰ آغاز شد و تا اوایل دهه ۹۰ ادامه یافت، یکی از دوره‌های درخشان در حوزه نشر دانشگاهی کشور، و به‌ویژه حوزه علوم، محسوب کرد.

تردیدی نیست که پیشتر از این دوره، افراد و مؤسساتی فعالیت‌های ارزنده‌ای در حوزه نشر کتاب داشته‌اند که شاید نقش دانشگاه تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دانشگاه آزاد ایران، مؤسسه انتشارات فرانکلین، و سازمان کتاب‌های جیبی در بین مؤسسات؛ و شادروان دکتر غلامحسین مصاحب و شادروان همایون صنعتی زاده — به لحاظ خدماتی که الگوی کار در دوره‌های بعدی قرار گرفتند — از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

مرکز نشر دانشگاهی به دنبال وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها توسط ستاد انقلاب

فرهنگی (که بعدها به شورای انقلاب فرهنگی تغییر نام یافت) تأسیس شد. این مرکز با تغییر نام و تشکیلات «کمیته ترجمه و تألیف و تصحیح کتاب‌های دانشگاهی»، برای چاپ کتاب‌های دانشگاهی مورد تأیید ستاد انقلاب فرهنگی (و اشتغال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در دوره تعطیلی آن‌ها) در سال ۱۳۶۱ به وجود آمده بود. اولین رئیس و بنیان‌گذار این مرکز، دکتر نصرالله پورجوادی بود. ویژگی‌های ایشان، به عنوان یک نویسنده، عرفان‌پژوه، و مصحح متون قابل احترام، موجب آن شد که مرکز از همان ابتدا سبک‌وسیاقی اصولی و مبتنی بر همه تجارب (مثبت و منفی) سازمان‌های انتشاراتی قبل از خود را در پیش بگیرد. به علاوه طبق دستور ستاد انقلاب فرهنگی، فعالیت‌های انتشاراتی دانشگاه‌ها متوقف شده بود و این مؤسسات ملزم به همکاری با مرکز نشر شده بودند. به عنوان مثال، کادر انتشارات دانشگاه آزاد ایران (که بعد از انقلاب فرهنگی به کلی از فعالیت بازایستاده بود)، همگی مأمور خدمت در مرکز شده بودند و تردیدی نیست که حضور افراد باتجربه‌ای مانند آن‌ها در بخش‌های مختلف مرکز، در ارتقای کیفی کارها سهم ارزنده‌ای داشت. این بهره‌گیری از امکانات و تجارب گذشته، به کادرهای ورزیده نشر در مراحل مختلف چاپ کتاب و مجله از سایر مؤسسات مربوط محدود نمی‌شد. برای مثال، من آیین‌نامه انتشاراتی دانشگاه آزاد ایران (به‌کوشش آقای پرویز کریمی) را از همان آغاز همکاری‌ام (سال ۱۳۶۱) با گروه ریاضی، آمار، و کامپیوتر مرکز روی میزهای اغلب ویراستاران گروه می‌دیدم. این کتاب نه تنها راهنمای نگارش و ویرایش به معنای مصطلح امروزی آن بود، بلکه وظیفه هر فرد مرتبط با کار نشر را از الف تا ی مشخص می‌کرد.

تلاش مرکز نشر برای جذب همکاری نیروهای کاربلد، منحصر به استفاده از امکانات فنی و ویراستاری موجود در گذشته نبود، بلکه سعی بر آن بود که به‌خصوص از تجربه و دانش هر فردی که توان ویراستاری یا پتانسیلی برای کار داشت، در امر ویرایش کتاب‌های ترجمه‌شده یا تألیفی استفاده کند. نمونه‌اعلای چنین تلاشی، در گروه ریاضی، آمار، و کامپیوتر مرکز کاملاً مشهود بود. شادروان دکتر علی اکبر جعفریان، که باید به‌حق او را بنیان‌گذار این گروه بنامیم، عده‌ای از استادان فرهیخته دانشگاه‌ها را که استاد اکثریت استادان آن زمان دانشگاه محسوب می‌شدند و به جبر یا رضا، یا اقتضای سن‌وسال به کسوت بازنشستگی نایل شده بودند، جذب کادر ویراستاری گروه کرده بود. اینان نه تنها با عشق و علاقه سرگرم ویرایش کتاب‌های ریاضی و آمار بودند، بلکه با حسن سلوک و زبان نرم با استادانی را که به‌حکم جبر زمان و سیاست به کار ترجمه کشانده شده بودند (و در مواقعی معدود، کار خود را مبری از هرگونه حک و اصلاحی دیده و بنابراین گاهی درستی می‌کردند)، متوجه نیاز به هماهنگی ابواب مختلف ترجمه و نوشتار می‌کردند و موقعیت چنان می‌شد که بعد

از جلسات نخستین، شیوهٔ برخورد ویراستار و مترجم، شأن استادی و شاگردی پیدا می‌کرد و کارها به خوبی پیش می‌رفت. البته عده‌ای ویراستار جوان‌تر هم در گروه حضور داشتند که مثال بارزی از آن‌ها آقای سیامک کاظمی است که نقش بی‌بدیل او به‌ویژه در ویرایش، تداوم انتشار، و میراث‌داری مجلهٔ نشر ریاضی نیاز به ذکر ندارد.

وضعیت مشابهی در سایر گروه‌های علمی (برای انجام خدماتی مشابه در قریب به اتفاق رشته‌های دانشگاهی) حکم‌فرما بود. همین شیوهٔ عمل بود که مرکز نشر دانشگاهی در دورهٔ دکتر پورجوادی را به مرکزی برای تولید بهترین (به معنای روزآمدترین، پاکیزه‌ترین، خوش‌خوان‌ترین) کتاب‌های درسی و کمک‌درسی بدل کرد و مهم‌ترین خدمت آن در عرصهٔ نشر ایران، توجه بیشتر به ویرایش در بین ناشرانی بود که پیش از آن، کار ویرایش کتاب را امری تجملی تلقی می‌کردند.

دکتر پورجوادی علاوه بر اینکه (در قالب اصطلاحات خودش) یک «کتابچی» تمام‌عیار بود، یک «مجله‌چی» حرفه‌ای هم بود. او میدان فعالیت را برای افرادی که تجربه، توان، و عشق و علاقهٔ زیادی به کار مجله داشتند، فراهم کرد و کار را هم به آن‌ها سپرد. اولین مجله‌ای که دایر شد، مجلهٔ نشر دانش بود.

نشر دانش از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۴، ابتدا به صورت دوماهنامه و بعد به صورت فصلنامه منتشر می‌شد. این نشریه از آذر ۱۳۵۹ شروع به انتشار کرد. دکتر حسین معصومی همدانی دربارهٔ پایه‌گذاری این نشریه می‌گوید: «پیشنهاد انتشار نشر دانش به‌گمانم از مرحوم دکتر حسن مرندی بود. دکتر مرندی (۱۳۰۹-۱۳۸۳)، روان‌پزشک و مترجم و ویراستار ایرانی بود و از پیش‌کسوتان ویرایش زبان فارسی محسوب می‌شود. او دورهٔ پزشکی را در دانشگاه تهران و دورهٔ تخصص روان‌پزشکی را در بیمارستان روزبه گذراند. پس از آن به ترجمه و تألیف و ویرایش کتاب روی آورد. او برای ترجمهٔ کتاب درآمدی به روان‌شناسی در سال ۱۳۶۹ منتخب کتاب سال ایران شد. همچنین از مترجمان مجموعهٔ «علم چیست؟» بود که برگزیدهٔ کتاب سال شد. دکتر مرندی مدتی هم مدیریت سازمان ویرایش و تولید فنی را بر عهده داشت و نقش مهمی در نشریهٔ نشر دانش ایفا کرد. این مجله بیشتر شبیه «راهنمای کتاب» بود؛ بخش عمده‌ای از آن به نقد کتاب‌های تازه‌منتشرشده اختصاص داشت. اما برخلاف راهنمای کتاب که بیشتر به بحث‌های فرهنگی یا زبان فارسی می‌پرداخت، نشر دانش به مباحث روز فرهنگی و مقالات بحث‌برانگیز نیز توجه داشت و گاهی سرمقاله‌هایی از سوی دکتر پورجوادی داشت که بازتاب می‌یافت و واکنش‌هایی ایجاد می‌کرد.

مجلهٔ معارف از دیگر نشریه‌های مرکز نشر دانشگاهی بود. این مجله، مجله‌ای وزین مختص

فلسفه، عرفان، و برخی مسائل نظری ادبیات بود و به صورت فصلنامه منتشر می‌شد. اولین سردبیر این مجله، مرحوم اسماعیل سعادت بود که پیشتر در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ویرایش کتاب‌ها را برعهده داشت. ایشان پیش از انقلاب در انتشارات فرانکلین کار می‌کرد و بعد از انقلاب به مرکز نشر دانشگاهی آمد. مرحوم سعادت این مجله را، که تقریباً ۲۱ سال به چاپ رسید، به خوبی اداره می‌کرد.

تأسیس نشر ریاضی را باید تحولی در حوزه مجلات ترویجی-توصیفی ریاضی تلقی کرد. پیش از انقلاب، مجلات ریاضی بسیار بسیار محدود و در واقع بیشتر از سه یا چهار مورد نبودند و این مجلات هم به همت چند تنی از شخصیت‌های ریاضی منتشر می‌شدند که به انحاء دیگر هم سهم شایان توجهی در آموزش کشور- چه در سطح دبیرستانی و چه دانشگاهی- داشتند. قافله سالاران این فوج کوچک اما تأثیرگذار، شادروان دکتر غلامحسین مصاحب بود. وی اولین مجله ریاضی با عنوان حل المسائل ریاضی را در سال ۱۳۰۶ بنیان‌گذاری کرد. دومین مجله ریاضی به صاحب امتیازی و مدیری دکتر غلامحسین مصاحب با عنوان ریاضیات عالی و مقدماتی از سال ۱۳۰۹ شروع به انتشار یافت، زمانی که ایشان ۲۰ سال داشت و هنوز برای ادامه تحصیل به انگلستان نرفته بود. شماره ۱۴ از این مجله تا سال ۱۳۱۴ منتشر شد. در سرمقاله اولین شماره، مصاحب با صراحت بیان می‌کند که «اصالت محصلین و محصلات به وسایلی برای مشق و تمرین و ورزش فکری موجب تأسیس این مجله شده است.» انتشار این مجله، نقطه عطفی در راه‌اندازی مجلات تخصصی ریاضی در کشور و نشر ریاضیات کاربردی و نظری به زبان فارسی بود.

به نظر می‌رسد که طی این ایام، نشر مطالب علمی مورد توجه بیشتری قرار گرفته، چه در سال بعد، یعنی سال ۱۳۱۰، نخستین شماره نشریه دیگری به نام گاهنامه، زیر نظر شادروان دکتر تقی هورفر منتشر شد. شواهد چندانی از فعالیت رسمی یا دوره دقیق نشر این نشریه در دسترس نیست، گرچه شواهد موجود حاکی از این است که انتشار آن بیشتر از سه سال ادامه نداشته است. دکتر تقی هورفر یکی از سه دانشجوی برجسته ریاضی بود که در سال ۱۳۱۱ برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شدند. دو دانشجوی دیگر، شادروان دکتر محسن هشترودی و شادروان احمد مهران بودند. او دکترای خود را در سال ۱۳۱۹ از دانشگاه مون‌پلیه فرانسه در زمینه ریاضیات کاربردی گرفت. بعد از بازگشت به ایران، به گروه ریاضی دانشگاه تهران پیوست و در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. گاهنامه گرچه نشریه‌ای تخصصی در زمینه ریاضیات نبود، اما نشان‌دهنده علاقه‌مندی به گردآوری و نشر میراث علمی ایران در قالب سالنامه بود. در بخشی از مطالب، ریاضی‌دانان ایرانی معرفی می‌شدند.

همچنین در انتهای نشریه، ترجمه‌هایی از رساله‌های ریاضی و اسناد علمی مرتبط با دانشمندان ایرانی درج می‌شدند.

از دیگر نشریاتی که متأثر از فضای بعد از تأسیس دانشگاه تهران و به‌ویژه دانشسرای عالی و نقش بی‌بدیل روان‌شاد دکتر عیسی صدیق اعلم در راه‌اندازی و راهبری این مؤسسات بود، می‌توان از مجلهٔ سخن نام برد. این مجله جان تازه‌ای به فرایند نگارش مقاله‌های تحقیقی و توصیفی در دههٔ ۲۰ و به‌ویژه امر «ترویجی‌نویسی ریاضی» داد. نخستین شمارهٔ مجله در خرداد ۱۳۲۲ منتشر شد و بنیانگذار آن مرحوم دکتر پرویز ناتل خانلری بود. مجله در ابتدا به عنوان ارگان رسمی جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشسرای عالی فعالیت می‌کرد. صاحب‌امتیازی مجله ابتدا با مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا بود؛ اما از شمارهٔ دوم، خانلری عهده‌دار هر دو مقام سردبیری و صاحب‌امتیازی شد. انتشار مجله به علت سفر تحقیقاتی دکتر خانلری به فرانسه برای مدتی متوقف شد. با این حال، انتشار آن از آذر ۱۳۳۱ دوباره آغاز و تا ۱۳۵۷ به صورت مستمر و ماهنامه، منتشر شد. در مجموع، ۲۷ دوره و بیش از ۳۰ هزار صفحه از این نشریه منتشر شد؛ اثری ماندگار و «دایره‌المعارفی» از ادبیات و یادداشت‌های فرهنگی آن دوره. این مجله تأثیر چشمگیری بر جهت‌گیری و تحولات ادبیات معاصر فارسی داشت. اگرچه دکتر خانلری سردبیر اصلی بود، در دوره‌های بعد، افراد برجسته‌ای از جمله مرحومان احمد بیرشک، ابوالحسن نجفی و ایرج افشار نقش سردبیری را بر عهده گرفتند.

بعدتر و به پیشنهاد دکتر خانلری، بخشی از سخن به صورت ضمیمه یا شماره‌هایی مستقل به مسائل علمی اختصاص یافت. این بخش عملاً شبیه یک ماهنامهٔ علمی-آموزشی بود که هدفش ترویج علوم پایه (ریاضی، فیزیک، شیمی) و آشنایی نسل جوان با دستاوردهای علمی جهان بود. در این بخش مقالاتی ساده‌نویسی شده و آموزشی چاپ می‌شد که هم دانش‌آموزان و هم معلمان بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. سردبیری این بخش به عهدهٔ مرحوم پرویز شهریاری بود. وی، گرچه از دانشسرای عالی مدرک کارشناسی ریاضی گرفته بود، ذوق ادبی و قلمی توانا نیز داشت. او از نوجوانی اهل نوشتن بود و در همان سال‌های دانشگاه مقالات ادبی و اجتماعی منتشر می‌کرد. دکتر خانلری که شهریاری را می‌شناخت، به او اعتماد داشت و وی را هم در بخش علمی و هم در ویرایش و ادارهٔ بخشی از مجلهٔ ادبی به کار گرفت. شهریاری به دلیل پشتکار، ارتباطات وسیع با معلمان و دانشجویان، و علاقهٔ شخصی به پیوند میان علم و فرهنگ عمومی، توانست هم در بخش ادبی (چاپ مقاله، نقد، و معرفی آثار) و هم در بخش علمی (ترجمه و ساده‌نویسی علوم) نقشی مؤثر داشته باشد. در واقع، حضور او در هر دو بخش، نشان‌دهندهٔ نگاه چندبُعدی روشنفکران آن دوران بود که علم و

ادب را جدا از هم نمی‌دانستند. شهریاری بعدها بیش از ۵۰ جلد کتاب درسی و کمک‌درسی ریاضی نوشت و چهره‌ای شاخص در آموزش ریاضی ایران شد، اما همواره خود را یک اهل قلم و فرهنگ می‌دانست. به همین دلیل، طبیعی بود که سردبیری هم‌زمان در سخن ادبی و سخن علمی را بر عهده داشته باشد؛ هرچند محور اصلی‌اش در سخن علمی پررنگ‌تر بود. ریاضی‌دانان نامی آن دوره، از جمله مرحوم دکتر محسن هشترودی هم گهگاه مقالاتی در معرفی مفاهیم نوین ریاضی و آموزش ریاضی در این مجله می‌نوشتند. اهتمام این مجله معطوف به معرفی مفاهیم پایه ریاضیات جدید، توضیح نظریه‌های جدید به زبان ساده برای دبیران و برای دانش‌آموزان دبیرستانی، معرفی ریاضی‌دانان بزرگ جهان و ایران، و تأکید بر روش‌های نوین آموزش ریاضی بود. این مجله نخستین بستر جدی برای ترویج ریاضیات به زبان فارسی در سطح عمومی و نیمه‌دانشگاهی پیش از انقلاب بود.

در این میان نمی‌توان نقش «ترویجی‌نویسان» دیگر، علاوه بر استاد پرویز شهریاری را نادیده گرفت؛ استادانی مانند مرحوم احمد بیرشک، مرحوم ابوالقاسم قربانی، مرحوم حسن صفاری، و ... که علاوه بر اینکه در امر آموزش ریاضی نقش فعالی داشتند و از هر فرصت و امکانی برای نشر مطالب ریاضی استفاده می‌کردند، دست به ترجمه آثار ارزنده‌ای زدند که قطعاً در تحولات علمی پیش و پس از انقلاب بسیار تأثیرگذار بودند. نام بزرگانی مانند مرحوم احمد آرام را نیز باید به این مجموعه افزود که گرچه با بیان مصطلح ریاضی‌دان محسوب نمی‌شد، ولی با ترجمه آثار گران‌قدری مانند علم و تمدن در اسلام (نوشته دکتر حسین نصر) علم، نظریه و انسان (تألیف اروین شرودینگر) تاریخ تمدن (جلد اول: مشرق‌زمین گاهواره تمدن، نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی (تألیف دلیسی اولیوی)، تاریخ علم (تألیف جرج سارتون)، چگونه مسئله را حل کنیم؟ (اثر جرج پولیا)، شش بال علم (تألیف جرج سارتون)، حدس‌ها و ابطال‌ها (نوشته کارل پوپر)، حساب دیفرانسیل و انتگرال: در دسترس همه (تألیف سیلوانوس فیلیپس تامپسون) نقشی بی‌بدلیل در گسترش و فرهنگ علمی داشت. این‌ها در بین حدود ۲۰۰ جلد ترجمه‌ای قرار دارند که استاد احمد آرام طی زندگی پربار خود به ترجمه آن‌ها همت گماشت.

همه مجلات ریاضی و نیز آن دسته از مجلات عمومی که گوشه چشمی هم به ترویج ریاضیات داشتند، در یک چیز - و فقط یک چیز - وجه اشتراک داشتند و آن همانا همت چند تن از دلسوختگان علم و فرهنگ کشور بود که دل در گرو پیشرفت علمی کشور - و به‌طور خاص - ریاضیات داشتند. به‌عبارت‌دیگر هیچ‌یک از نشریاتی که ذکرشان رفت، به هیچ تشکیلات یا نهادهای دولتی وابستگی نداشتند. اولین تلاش سازمان‌یافته برای تأسیس مجلات عمومی ترویجی - توصیفی از طرف وزارت

آموزش و پرورش صورت گرفت و آن زمانی بود که این سازمان اقدام به راه‌اندازی «مجلات پیک» کرد.

وزارت آموزش و پرورش (در آغاز به نام «وزارت فرهنگ») با همکاری «انتشارات فرانکلین»، نهادی به نام «مرکز تهیه خواندنی‌های نوسودان» را راه‌اندازی کرد و به انتشار مجموعه مجلات پیک پرداخت. عناوین اصلی این مجلات عبارت بودند از پیک کودک، نوآموز، نوجوان، جوان، معلم، خانواده (و نیز ماهنامه آموزش و پرورش). توزیع به صورت دوره‌ای (اغلب دوهفته‌نامه در طول سال تحصیلی) و با تیراژ مجموعاً حدود سه میلیون نسخه در هر نوبت در سراسر کشور صورت می‌گرفت. به طوری که از این عناوین پیداست، هیچ‌یک از این مجلات اختصاص به «ریاضیات» نداشت. فقط بعد از انقلاب بود که معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش تصمیم به انتشار مجدد این مجلات، این بار به صورت تخصصی و با نام مجلات رشد کرد. این بار ساختار، موضوعی‌تر شد و در آغازین‌گام، مجله رشد آموزش ریاضی از بهار سال ۱۳۶۳ به همت دکتر علیرضا جمالی، استاد دانشگاه خوارزمی کنونی (که در آن زمان هنوز برای اخذ مدرک دکترای به خارج نرفته بودند) منتشر شد. دکتر جمالی در بدو امر از من قول گرفتند که در راه‌اندازی مجله با ایشان همکاری کنم و مخصوصاً متعهد شوم که مقاله‌هایی درباره تاریخ ریاضیات به صورت گاه‌شناختی بنویسم. انتشار مجله به صورت منظم و با مطالبی مقبول دبیران و دانش‌آموزان تداوم یافت و خوشبختانه به همت سردبیران و هیئت‌های تحریری بعدی، مجله همچنان مشغول خدمت‌رسانی است.

همچنین با فراغت یافتن استادان از بار تدریس در دوره انقلاب فرهنگی که، به طوری که پیشتر گفتم، منجر شد به تأسیس مرکز نشر دانشگاهی و ترجمه صدها جلد کتاب درسی و کتاب عمومی ریاضی، افرادی که ذوقی برای نوشتن یا مدیریت نشریات ترویجی داشتند، به میدان آمدند و به همت آن‌ها مجلاتی از قبیل مجله پیک ریاضی (سال تأسیس: ۱۳۶۵؛ بنیان‌گذاران: آقایان یحیی تابش، منوچهر میثاقیان، فرخ وطن) و جنگ ریاضی دانشجو (سال تأسیس: ۱۳۶۶؛ به مدیر مسئولی بهزاد منوچهریان) وارد عرصه شدند. البته ناگفته نماند که چند مجله ریاضی دانشجویی نیز، چه پیش و چه پس از انقلاب، بازهم به همت تعدادی استاد و دانشجوی عاشق ترویج ریاضیات، در حال فعالیت بودند که خود شما در مقاله مبسوط و ارزشمند (به‌ویژه از جهت ثبت جزئیات سوابق تأسیس و فعالیت همه مجلات ریاضی در ایران) «میراث چهل‌ساله»^۷ حق مطلب را ادا کرده‌اید و با توجه به آن، دیگر نیازی به آوردن مطالبی درباره آن‌ها نمی‌بینم.

در این میان، نباید یکی از نشریات ترویجی با سابقه، با انتشار منظم، و حاوی مطالب خواندنی؛ یعنی مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی را از قلم انداخت. می‌دانیم که هدف از انتشار بولتن انجمن ریاضی ایران در بدو تأسیس (سال ۱۳۵۲)، «گزارش فعالیت‌های انجمن، نشر مقالات توصیفی، و درج اخبار علمی» بوده است و در سال ۱۳۶۲ بود که بولتن، صرفاً به نشر مقالات اصیل پژوهشی در زمینه‌های مختلف به زبان انگلیسی اقدام کرد و با راه‌اندازی مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی و خبرنامه، کار ترویج ریاضیات و اطلاع‌رسانی را به آن‌ها سپرد. بنابراین — و همان‌طور که ذکر شد — شما به‌درستی و به‌حق، این «میراث چهل‌ساله»ی انجمن ریاضی ایران را پاس داشته‌اید و انجمن ریاضی ایران باید به خود ببالد که مجله‌ای ریاضی در امر ترویج ریاضیات را با بیشترین سابقه «تداوم انتشار» پی‌ریزی کرده و همچنان شاهد انتشار منظم آن است.

با این مقدمات، نوبت پرداختن به یکی دیگر از مجلات ترویجی ریاضی می‌رسد، مجله نشر ریاضی، که در مقبولیت آن همین بس که شما قصد کرده‌اید صفحاتی از مجله ارزشمند خود را به کم‌وکیف تأسیس آن، نحوه فعالیت، و چگونگی توقف انتشار آن (به دست بعضی ناهلان که مصدر کاری شده بودند که نمی‌بایست)، اختصاص داده‌اید.

مجله نشر ریاضی، در همان حال‌وهوا و تقریباً در همان دورانی تأسیس شد که دیگر مجلات ریاضی (پیک ریاضی، جنگ ریاضی) شروع به فعالیت کردند و جالب آنکه به روایت دکتر مهدی بهزاد — اولین مدیر مسئول مجله، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ (و مدیر وقت گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی) — «سه جوان پرشور» (آقایان یحیی تابش، فرخ وطن، و سیامک کاظمی) انگیزه‌بخش راه‌اندازی مجله بودند. البته این سه نفر در آن زمان جزو ویراستاران گروه ریاضی مرکز نشر بودند. آقای وطن از اعضای هیئت تحریریه و ویراستار هر دو مجله پیک ریاضی و جنگ ریاضی و آقای یحیی تابش از پایه‌گذاران مجله پیک ریاضی و عضو هیئت تحریریه آن بودند. آقای سیامک کاظمی به غیر از اینکه از باسابقه‌ترین ویراستاران ریاضی دهه‌های اخیر هستند و نیز از ویراستاران مجله جنگ ریاضی نیز بوده‌اند، از آن دسته از ویراستارانی بودند که چه در دوران جوانی و چه حالا که اندکی پا به سن گذاشته‌اند، سرشان برای ویرایش متون سنگین و پرملات درد می‌کند. بنابراین اگر آقای مسعود خلخالی را هم که در آن زمان جزو ویراستاران گروه ریاضی و عضو هیئت تحریریه مجله دانشجویی الگوریتم (در دوره دوم) بودند به این جمع بیفزاییم، کوهی از انگیزه برای انتشار مجله‌ای درخور آن دوران پرشکوه مرکز نشر دانشگاهی وجود داشته و ابزار دست پر قدرتی در اختیار مدیر گروه ریاضی مرکز برای راه‌اندازی مجله‌ای در شأن جامعه ریاضی ایران قرار داده است. اما می‌خواهم

مختصر اطلاعات دیگری به گفته‌های بالا بیفزاییم. همان‌طور که پیشتر (در مصاحبه‌ای با خود شما برای خبرنامه انجمن ریاضی در ارتباط با سوابق گروه ریاضی، آمار، و کامپیوتر مرکز نشر)^۸ گفته‌ام، من تقریباً از اوایل تأسیس مرکز نشر به عنوان «معاون» به گروه ریاضی پیوستم. دکتر جعفریان، که از ابتدای تأسیس گروه مدیریت آن را بر عهده داشتند، در سال ۱۳۶۳ برای استفاده از فرصت مطالعاتی به خارج از کشور رفتند و مدیریت گروه بر عهده من قرار گرفت. خود من هم در سال ۱۳۶۵ قصد رفتن به فرصت مطالعاتی داشتم. از اتفاقات روزهای آخر پیش از رفتنم، موردی را به یاد دارم که تکمله‌ای به اظهار نظر دکتر بهزاد در خصوص انگیزه راه‌اندازی مجله نشر ریاضی محسوب می‌شود.

روزی از روزهای آخر قبل از رفتنم و فقط چندروزی پیش از آنکه آقای دکتر بهزاد مدیریت گروه را عهده‌دار شوند، دکتر شهشهرانی به گروه آمدند. طرحی برای تأسیس یک مجله ریاضی را ارائه کردند که بدیهی است بلافاصله و با خوشحالی از آن استقبال کردم. طرح را به مدیریت مرکز نشر فرستادم. بازهم — با توجه به جو آن زمان مرکز نشر و با شناختی که رئیس مرکز از دکتر شهشهرانی داشتند — طبیعی بود که ایشان هم بلافاصله از طرح استقبال و اجرای آن را به گروه ریاضی محول کنند. تصور من این است که با شروع مدیریت دکتر بهزاد در گروه و بر اساس تفاهات بین ایشان و دکتر شهشهرانی، مدیرمسئولی مجله (که از ابتدای مجله تا توقف انتشار آن، کار سردبیری را هم انجام می‌داد)، به عهده دکتر بهزاد گذاشته شد و مجله راه افتاد. تعبیری که از دکتر بهزاد درباره «سه جوان پرشور» نقل کردم و موضوع ارائه طرح از طرف دکتر شهشهرانی، می‌تواند به این صورت با توصیف من سازگار باشد که این «سه جوان» (که من آقای مسعود خلخالی را هم به آن‌ها اضافه می‌کنم)، همه به‌صورتی با دانشگاه شریف و به‌ویژه دکتر شهشهرانی در ارتباط بودند و ایشان را مجاب به ارائه طرحی برای راه‌اندازی مجله‌ای ریاضی کرده بوده‌اند. هرچه بود، مجله آغاز به انتشار کرد با یک هیئت تحریری پروپیمان.

با گذشت دو سال از دوره مدیرمسئولی دکتر بهزاد، ایشان هم از مسئولیت گروه ریاضی و هم مجله، کناره‌گیری کردند، اما کار مجله تحت هدایت دکتر شهشهرانی — که مسئولیت آن را پذیرفته بودند — به‌بهرترین وجه پیش می‌رفت. دکتر شهشهرانی در سال ۱۳۸۴ — به دلیل خستگی و گرفتاری‌های شخصی — از مدیرمسئولی مجله کناره رفتند و تا آنجا که به خاطر دارم، آقای کاظمی باب صحبت را برای قبول مدیرمسئولی (و طبعاً سردبیری) مجله با من باز کردند. شکی نیست که مدیر وقت گروه ریاضی (اگر درست به خاطر داشته باشم، شادروان دکتر منوچهر وصال) در جریان کار بوده و بدون

تردید با این انتخاب موافقت داشته‌اند. اما غرض اصلی‌ام از طرح این مطلب، یعنی مطرح شدن موضوع از طرف آقای کاظمی، بیشتر اشاره به یکی از خوش‌شانسی‌های نشر ریاضی؛ یعنی وجود آقای کاظمی در مقام مدیر اجرایی و یکه‌ویراستار نشر ریاضی است. من به اقتضای مطلب دربارهٔ ژرف‌نگری و وسواس آقای کاظمی در امر ترجمه و ویرایش سخن خواهم گفت، اما در اینجا تأکید بیشتر بر نقش ایشان در بقای مجله و تداوم اصول و سیاستی است که هیئت تحریریهٔ دورهٔ اول از ابتدای کار اتخاذ کرده و این راه‌روسم در دوره‌های بعدی منقح‌تر شده اما هیچ‌گاه تغییری بنیادین در این اصول به وجود نیامده است. به‌عنوان مثال، و به‌طوری‌که خود آقای کاظمی یکی‌دوبار در جلسات هیئت تحریریه ذکر کردند، مدیریت مرکز به دنبال آن بوده که همهٔ مجلات مرکز (و طبیعتاً نشر ریاضی هم) در سلک مجلات «علمی- پژوهشی» وزارت علوم دربیایند تا نویسندگان از «امتیاز»ات چاپ مقاله در چنین مجلاتی برخوردار شوند و خود مرکز هم با چاپ چندین مجله از این نوع، به اعتبار و «پرستیژ» ناشی از چنین امری نائل شود. از آنجاکه پذیرش چنین درخواستی، سبک‌وسیاق دیگری را از لحاظ نوع مقالات قابل‌پذیرش به مجله تحمیل می‌کرد، سردبیران وقت، به‌خصوص در دورهٔ دکتر شهشهبانی که طولانی‌ترین دورهٔ سردبیری مجله را داشتند، از قبول این درخواست شانه خالی کرده بودند و آقای کاظمی با طرح این موضوع در یکی از اولین جلسات دورهٔ آخر که من سردبیر بودم، «سنت» مجله را یادآور شدند که طبعاً پذیرفته شد و البته از حق هم نباید گذشت که مدیریت‌های وقت مرکز هم دیگر از صرافت این کار، یعنی زیر یوغ وزارت علوم رفتن، افتاده بودند.

وجود آقای کاظمی از جهت دیگری هم برای مجله بسیار مغتنم بود و آن عبارت بود از برخورداری مجله از یک سبک فاخر ویرایش محتوایی و صوری. این «ثبات» در سبک ویرایش مجله را می‌توان یکی از مهم‌ترین امتیازات مجله محسوب کرد. برای تشریح مطلب باید گفت که آقای کاظمی با اندوخته‌ای از تجربه در «سازمان ویرایش» وابسته به دانشگاه آزاد ایران (دانشگاهی که با ایدهٔ آموزش از راه‌دور پیش از انقلاب شکل گرفت و بعد از انقلاب مبدل به دانشگاه پیام نور شد)، از همان روزهای آغازین تأسیس مرکز نشر، به گروه ریاضی، آمار، و کامپیوتر مرکز نشر پیوستند و کار خود را در این مرکز با ویرایش کتاب‌های آمار شروع کردند. با شروع کار «ویرایش» نسخهٔ اولیهٔ واژه‌نامهٔ ریاضی که طی سال‌های طولانی به دست «کمیتۀ تدوین و نگارش ریاضی» انجمن ریاضی و با همکاری عدۀ کثیری از استادان باتجربهٔ ریاضی، تدوین شده بود، ایشان به جمع گروه ویراستارانی متشکل از نمایندگان انجمن ریاضی و گروه ریاضی مرکز نشر پیوستند و فعالیت خود را در امر واژه‌گزینی آغاز کردند. پس شانس با مجلهٔ نشر ریاضی یار بود که چنین شخصی از ابتدای امر تأسیس مجله، به

عنوان ویراستار و مدیر داخلی آن انتخاب شدند. ایشان در نقش اخیر، کار هماهنگی با بخش تولید مرکز را برای حروف چینی، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی، و هر کار دیگر مرتبط با تولید مجله را به عهده داشتند. با این توصیف اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که آقای سیامک کاظمی نقش «نخ تسبیح» را در مجله برای متصل نگاه داشتن همه اجزای مجله، چه نیروهای دخیل در امر تولید محتوا و چه تولید فنی، به عهده داشتند. پس حالا — به لطف شما که امکان نگاه تأمل‌آمیز به گذشته و سازوکار مجله را فراهم کرده‌اید — فرصت ارزشمندی است که سپاس خود را به عنوان کسی که مدتی نسبتاً طولانی مسئولیت‌هایی در مرکز نشر داشته‌ام و نیز سردبیر دوره آخر مجله به ایشان تقدیم کنم.

● آخرین شماره در دوره دکتر شهشاهانی در اسفند ۱۳۸۳ منتشر شد و اولین شماره دوره شما در آذر ۱۳۸۵، یعنی مجله تقریباً دو سالی منتشر نشد. علت این تأخیر چه بود و شما چه مشکلاتی در ادامه کار دوره قبل داشتید؟ آیا هیئت ویراستاران و مشاوران قبل پراکنده شده بودند یا نیاز به تجدید آرایش و نظم دیگری در مجله به وجود آمده بود؟

— همان‌طور که پیشتر گفتم، پس از استعفای دکتر شهشاهانی، آقای کاظمی پیشنهاد مدیر مسئولی مجله را به من دادند. این را هم گفتم که مدیر مسئولی مجله نشر ریاضی تفاوتی اساسی با اکثریت مجلات علمی در ایران داشت و آن این بود که مدیر مسئول در این مجلات در سازوکار داوری و رد و قبول مقاله‌ها و حتی سیاست‌گذاری مجله، نقشی محدود و چه بسا تشریفاتی دارد و مدیریت مجله در اختیار سردبیر است. به‌عنوان مثال خود من در سال ۱۳۷۴ حکم راه‌اندازی و مدیر مسئولی مجله اندیشه آماری (مجله ترویجی-توصیفی) را از شادروان دکتر جواد بهبودیان — رئیس وقت انجمن آمار — دریافت کردم. من پس از انتشار چند شماره، از سردبیری کناره گرفتم، اما هنوز مدیر مسئول مجله هستم بدون آنکه کمترین دخالتی در امور مجله داشته باشم. تنها در صورت نیاز به پاسخ به کرام‌الکاتبین است که این‌گونه مدیرمسئول‌ها به کار می‌آیند. اما موضوع در مورد نشر ریاضی کاملاً متفاوت بود و مدیر مسئول در عین‌حال، کار سردبیری را هم انجام می‌داد. در نتیجه می‌بایست تشریفات قانونی مربوط به تأیید مدیر مسئول جدید انجام می‌شد و این امر زمان‌بر بود. از لحاظ هیئت ویراستاران و مشاوران هم باید بگوییم که بنابر آنچه از صفحه شناسنامه شماره‌های مختلف مجله پیداست، فهرست ویراستاران مجله در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. هیئت ویراستاران در دوره اول مشتمل بود بر آقایان دکتر غلامرضا برادران خسروشاهی، دکتر مهدی بهزاد، دکتر یحیی تابش، دکتر محمد جلوداری ممقانی، دکتر مهدی رجبعلی‌پور، دکتر سیاوش شهشاهانی، و

آقای سیامک کاظمی. دوره دوم مجله با مدیر مسئولی دکتر سیاوش شهشهانی با هیئتی از ویراستاران متشکل از سه نفر آقایان دکتر یحیی تابش، دکتر سیاوش شهشهانی، سیامک کاظمی آغاز به کار می‌کند و تدریجاً افراد جدیدی به آن اضافه می‌شوند و فهرست مرتباً تغییر پیدا می‌کند که امری کاملاً طبیعی است. باید توجه کنیم که دوره دکتر شهشهانی، طولانی‌ترین دوره یک مدیر مسئول در تاریخ انتشار مجله بود و بدیهی است که بعضی افراد به دلایل مختلف و در رأس آن‌ها گرفتاری شخصی خود را از ادامه کار معذور بدانند و افراد جدیدی به جمع هیئت ویراستاران اضافه شوند.

به هر ترتیب، استعفای دکتر شهشهانی و نیاز به انتخاب فردی که بتواند مجله را با همان سیاق قبلی اداره کند که برای گروه ریاضی مرکز مطلوب بود، برای مدتی مجله را دچار بلاتکلیفی کرد و کارهای ضروری اداری بعد از انتخاب مدیر مسئول جدید (کارهای مربوط به وزارت ارشاد، انتخاب هیئت ویراستاران، تدارک مقاله‌ها و نوشته‌های مناسب برای انتشار که تغییر مسیری در روش مجله حس نشود) کمی بیشتر از وقفه‌هایی که قبلاً هم برای مجله پیش می‌آمد، زمان برد ولی خوشبختانه با انتخاب گروهی از افراد هم‌سلیقه، که این بار تا زمان تعطیلی مجله با آن همراه ماندند، کار سامان گرفت و مجله از انتشار باز نماند.

● هیئت ویراستاران در دوره شما آقایان علیرضا جمالی، محمد جلوداری ممقانی، حسن حقیقی، و سیامک کاظمی بودند. آیا روال انجام امور در دوره شما تغییری کرد، مثلاً در برگزاری جلسات هیئت، دعوت از همکاران برای ترجمه یا تألیف، یا امور ویراستاری مجله، یا مانند دوره‌های قبل انجام می‌شد؟ آیا شما اطلاعی از روند کارها از دوره‌های قبل مجله داشتید و تجربه دوره‌های قبل به شما منتقل شده بود؟ و از چه طریقی؟

— من این سؤال شما را قبلاً پاسخ داده‌ام. آقای سیامک کاظمی نقش حافظه تاریخی، یا به قول فلسفه‌دانان اسلامی نقش «عقل منفصل» مجله را داشتند (و هنوز هم دارند). البته این را هم باید اضافه کنم که دو نفر از اعضای دوره آخر، آقایان محمد جلوداری ممقانی و حسن حقیقی در مقطعی در گذشته، عضو هیئت ویراستاران بودند و آقای کاظمی هم که وصفش رفت. با شروع دوره جدید مجله، جلسات هیئت ویراستاران منظم‌تر تشکیل می‌شد و آقای کاظمی (حتماً به روال گذشته) مصوبات و موضوعات مورد بحث مهم را یادداشت می‌کردند. یک نکته قابل ذکر اینکه، این دوستان جدید هیئت ویراستاری از ابتدا تا به آخر با مجله همراه بودند و اگر تغییری هم بود نه در سلیقه بلکه پیرو تجربیات جدیدی بود که به مرور زمان حاصل می‌شد.

برداشتم از جو حاکم بر تفکرات اعضای هیئت ویراستاران در این دوره، این است که همه

می‌دانستیم به دنبال چگونه مطالبی هستیم و آن‌ها را چگونه تهیه کنیم. دقیقاً می‌دانستیم که منابع و مآخذ ما چه نوع نشریات خارجی هستند و نیز چه همکارانی خارج از هیئت تحریریه را برای ترجمه یا تألیف مطالب مورد نظر دعوت به همکاری کنیم. درک خوبی از این مطلب داشتیم که نشر ریاضی یک مجله ریاضی ترویجی-توصیفی-آموزشی است و نوشته‌ها و مقاله‌ها باید در همین راستا تدوین شوند. مخاطبان ما دانشجویان تحصیلات تکمیلی همه شاخه‌ها و ریاضی‌دانان همه حوزه‌های ریاضی بودند. برای چنین مخاطبان عامی، مجلات خاصی به زبان انگلیسی موجود بود اما فقط چند عدد (در مقابل هزاران مجله پژوهشی). دلیل هم روشن است: به گمان من نوشتن مقاله ترویجی-توصیفی دشوارتر از نوشتن مقاله پژوهشی است و اجر مادی (و معنوی؟) کمتری دارد. با چنین برداشتی از کار، هریک از ما مرتباً مجلات معیار خارجی را ورق می‌زدیم. ما عمدتاً به مجله‌های مانتلی، نوئیسز، میتیمتیکس مگزین، و اینتلیجنسِر مراجعه می‌کردیم. سپس در جلسات دوهفتگی پیشنهادهای خود را ارائه و مقاله‌ها و مترجمان مناسب را انتخاب و سفارش ترجمه می‌دادیم. طبیعی بود که مقاله‌های ترجمه‌ای و تألیفی نیز از همکاران علاقه‌مند دریافت می‌کردیم و در صورت مطابقت با اهداف و گستره مجله، آن‌ها را به داوری و ویرایش می‌سپردیم. بحث‌های مفصلی برای انتخاب مطالب مناسب برای بخش «گزارش» انجام می‌شد. در این بخش موضوعات متنوعی شامل رویدادهای مهم ریاضی، شرح جوایز اهداشده در فاصله انتشار آخرین شماره مجله و شماره در حال انتشار، و مطالب مشابه درج می‌شدند. «مسائلی برای حل» و «حل مسائل مطرح شده در شماره قبلی» نیز از جمله مندرجات مجله بودند. خلاصه مطلب اینکه ما در هیئت ویراستاران از روند کار مجله خوشنود بودیم و اظهار لطف ریاضی‌دانان فرهیخته هم خستگی کار را کم می‌کرد.

● آخرین شماره مجله (سال ۱۹، شماره ۱ و ۲) در تیرماه ۱۳۹۰ در دوره شما منتشر شد. بفرمایید به چه علت یا علت‌هایی مجله دیگر منتشر نشد؟ آیا بعد از آن همچنان در مرکز نشر مسئولیتی داشتید یا شما هم از مرکز رفته بودید؟ آیا امکان ادامه حیات مجله با همین هیئت و یا افراد دیگر وجود نداشت؟ آیا بعد از شما مسئولیت به شخص دیگری سپرده شد و او توانایی ادامه کار را نداشت؟

— بعد از کناره‌گیری یا کنار گذاشته شدن دکتر پورجوادی، مرکز نشر به شدت دچار افول شد و به غیر از یک یا دو مورد از افرادی که به ریاست مرکز منصوب شدند، کار ریاست مرکز به کسانی سپرده شد که کمترین سنخیت را با کار «نشر» داشتند. در واقع فاجعه‌بارترین اقدام ممکن و در تضاد با اصل پیدایش مرکز نشر و انتظارات جامعه علمی و فرهنگی از آن، زمانی به وقوع پیوست که رئیس

وقت در زمان تعطیلی مجله، حکم تعطیلی نه تنها این مجله، بلکه همه مجلات فاخر مرکز نشر را صادر کرد. رئیس وقت مرکز هیچ وقت دلیلی برای این کار ارائه نکرد اما شایعاتی که در مرکز و در افواه در جریان بود، حکایت از آن داشت که معاون اداری و مالی این رئیس محترم، دلیل این کار را صرفه‌جویی در «بیت‌المال» اعلام کرده بود! در این ارتباط باید گفت که مترجمان و مؤلفان دستمزد ناچیزی بابت کار خود دریافت می‌کردند؛ مجله فروش خوبی داشت و اگر دخل و خرج نمی‌کرد، بازهم مشکل از مدیریت بود که در کار توزیع مجلات (و البته کتاب‌ها) ضعف داشت. دیگر نیازی به اطاله مطلب نیست. اما من در این مدت و تا سال ۱۳۹۵ در مرکز ماندم، برای انجام تعهداتم در قبال کتاب‌ها و امید به اینکه شاید مجله احیا شود که نشد. دریغ!

● بفرمایید چه تجربه‌هایی یا درس‌هایی از اداره این مجله آموختید که برای نسل بعد یا افراد علاقه‌مند می‌توانید بیان کنید؟

— آنچه آموختم و دریافتم، این است که در کشورهایمانند کشور ما، ارزش و کارکرد مجلات ترویجی-توصیفی، اگر از مجلات پژوهشی بیشتر نباشد، کمتر نیست. مجلات پژوهشی بنا بر گفته‌ای مألوف، در مرزهای دانش سیر می‌کنند، اما در همین حوزه ریاضیات — که بنا بر رده‌بندی موضوعی انجمن ریاضی آمریکا — قریب به صد شاخه دارد و هریک گاهی تا ده‌ها شاخه فرعی دارند، باید ابتدا پرسید که اولویت‌های پژوهشی کشوری در قذوقواره ایران (چه به لحاظ جمعیتی و چه منابع و توان اقتصادی و عده و عده ریاضی‌دانان ایرانی) چه باید باشد و آیا نباید تمرکز خود را بیشتر بر تعدادی از شاخه‌های ریاضی معطوف کنیم و با کمتر کردن تفرق موجود، توان خود را در تعدادی از شاخه‌های ریاضی افزایش دهیم؟

من دو بار در سمینار «گراف‌ها و الگوریتم‌های تصادفی» در شهر پوزنان لهستان شرکت کرده‌ام. این سمینارها با هدایت گروه ریاضی دانشگاه آدام میتسکیویچ^۹ همین شهر (و در سال‌های اخیر با همکاری اموری کالج، واقع در شهر آتلانتا در ایالت جورجیای آمریکا) به صورت دوسالانه برگزار می‌شود. البته به‌گمانم بنیان‌گذاری این سمینار به برکت وجود پال اردش و آلفرد رنی^{۱۰} در کشور همسایه مجارستان که شاخه گراف‌های تصادفی را در سال ۱۳۵۹ بنیان گذاشتند، میسر شد. تقریباً همه اعضای هیئت علمی گروه ریاضی دانشگاه آدام میتسکیویچ، در همین زمینه فعالیت می‌کنند و از برکت همین کار و نیز برگزاری منظم این سمینار، پایه‌گذاری یکی از معتبرترین مجلات علمی در این زمینه (مجله ساختارها و الگوریتم‌های تصادفی)، میسر شده است.

موضوعی که مطرح کردم، از نوع سیاست‌گذاری علمی است. چنین بحث‌هایی در کجا باید صورت بگیرد؟ با توجه به اینکه این نوع سیاست‌گذاری علمی، متولی‌ای هم در کشور ندارد. جالب است که وزارت علوم در سال‌های اخیر سیاست عجیبی در قبال نشریات علمی در پیش گرفته و دیوار حایل مجلات پژوهشی و ترویجی-توصیفی را از میان برداشته و تفکیک بین این مقالات را در داخل مجله و مقاله به مقاله مقصور کرده است، درحالی‌که اولاً مخاطبان این دو نوع مقاله با هم تفاوت دارند و هم سردبیران و هم هیئت‌های تحریریه باید از قماش‌های متفاوتی باشند. دلیل این کار آن است که هدف مجلات ترویجی-توصیفی، توضیح روشن و نظام‌مند ریاضیات موجود برای مخاطبان دست‌اندرکار ریاضیات در حوزه‌های دیگر و دانشجویان (دست‌کم تحصیلات تکمیلی) است. هدف از انتشار یک مجله پژوهشی، درج نتایج اصیل و جدید در ریاضیات است که پیشتر جایی چاپ نشده‌اند. در مجلات پژوهشی، داوران بر اصالت، درستی اثبات‌ها و اهمیت علمی تأکید دارند. در مجلات توصیفی، داوران بر وضوح، ارزش آموزشی و گستره مخاطب تأکید دارند. مجله توصیفی توضیح می‌دهد چه چیز دانسته شده است.

بگذارید مثالی هم بیاورم. در شروع دوره آخر پیشنهاد کردم که کتاب دوست دارم ریاضیدان باشم اثر جاودانه پال هالموس ترجمه و به صورت پاورقی در مجله چاپ شود. من و آقای کاظمی کار ترجمه را به عهده گرفتیم و در هر شماره قسمتی از آن را به نوبت ترجمه و ویرایش کردیم. شش قسمت از آن در آخرین شش شماره مجله چاپ شد و پس از تعطیلی نشر ریاضی، به تشویق آقای دکتر آربین‌نژاد - سردبیر وقت خبرنامه انجمن ریاضی - ادامه ترجمه در سه شماره این نشریه چاپ شد تا اینکه بنابر مصلحت‌بینی‌های شورای اجرایی انجمن، ترجمه مابقی به فرهنگ و اندیشه ریاضی سپرده شد که تاکنون نزدیک به هشتاد درصد کتاب ترجمه شده و بقیه نیز در دستور کار قرار دارد. با نگاهی به فهرست مندرجات این کتاب متوجه می‌شویم که این کتاب همه ابواب ریاضی‌کاری، از روش‌های تدریس، تحقیق، سرپرستی رساله، مدیریت گروه، ثمرات شرکت در همایش‌های علمی (البته از نوع حضوری آن، از این لحاظ که فواید نوع مجازی آن که بعد از کرونا باب شده، خود نیاز به بحثی مفصل دارد)، خاطراتی از ریاضی‌دانان ۶۰ یا ۷۰ سال اخیر، و بسیاری موضوعات دیگر را در بر دارد. به گمان من، خواندن این کتاب برای هر ریاضی‌دانی ضروری است به‌ویژه اینکه بخش‌های مختلف آن که حالا در فرهنگ و اندیشه ریاضی چاپ می‌شود، اختصاص به یکی دو مورد از نکات آموزنده دارد و به تدریج خوانده می‌شود. در واقع چاپ مطالبی از این قبیل، حد فاصل بین مجلات پژوهشی و ترویجی-توصیفی را تعیین می‌کند. البته با توجه به سیاست‌های علمی کشور،

ما بی‌نیاز از طیف گسترده‌ای از مجلات علمی نیستیم، اما - با زهم به گمان من - نیاز ما به مجلات جدی ترویجی-توصیفی بسیار بیشتر است، به‌خصوص در زمینه‌های آموزش ریاضی. امیدوارم توانسته باشم که در حد بضاعت، اهمیت مجلات ترویجی-توصیفی را تبیین کرده باشم. به‌خصوص بر اساس سابقه سردبیری در چندین مجله پژوهشی یا توصیفی، می‌خواهم بر اهمیت همتاگزینی در انتخاب داور، و به‌ویژه در مجلات توصیفی، تأکید کنم. بعضی از داوران در این‌گونه مجلات به این تصور می‌افتند که نظر به «توصیفی بودن» این مجلات، مجازند که وارد عرصه‌هایی شوند که بسیار فراتر از صلاحیت‌ها و توانایی‌های آن‌هاست. سخن نهایی اینکه، من روند کارها را در فرهنگ و اندیشه ریاضی را - به‌خصوص در دهه اخیر - تا حد زیادی مطابق با ایده‌آل‌های خود می‌بینم. امیدوارم این روند همچنان تداوم یابد و برای شما در قامت سردبیر آرزوی توفیقات بیشتر را دارم.

۸ نشر ریاضی از زبان سیامک کاظمی

• از اینکه قبول زحمت فرمودید بسیار سپاسگزارم. قبلاً در گفت‌وگویی دیگر درباره نشر ریاضی صحبت کرده‌ایم اما در اینجا مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد. شما به‌طور مختلف باعث ارتقای فرهنگ ریاضی کشور شده‌اید که عمدتاً ترجمه کتاب و مقاله و ویراستاری در مجله‌های ریاضی از جمله شماره‌های اول مجله جنگ ریاضی دانشجو و همچنین فرهنگ و اندیشه ریاضی (سال ۱۳۶۱، با همکاری پیروز وکیلی) است. از همه مهم‌تر، مجله نشر ریاضی است که اسم شما با این مجله گره خورده است و در تمام مدت انتشار آن، ویراستار ثابت مجله بوده‌اید. به‌طور کامل بفرمایید طرح اولیه تأسیس این مجله را چه کسانی و چگونه با شما مطرح کردند و چه فرازونشیبی داشت تا نهایتاً اجرایی شد؟

- تا جایی که به یاد دارم از حدود دو سال قبل از تأسیس نشر ریاضی، آقایان فرخ وطن و یحیی تابش که خیلی علاقه‌مند به انتشار یک مجله ریاضی در مرکز نشر بودند این موضوع را به‌طور مختلف پیگیری می‌کردند. آن‌ها قبلاً مجله پیک ریاضی را در اصفهان منتشر می‌کردند ولی دوست داشتند مجله‌ای ویراسته‌تر و شکل‌تر و حرفه‌ای‌تر توسط یک ناشر حرفه‌ای انتشار یابد، و ناشر عمده دانشگاهی هم، چه در زمینه کتاب و چه مجله، مرکز نشر دانشگاهی بود که از مدت‌ها قبل چندین مجله دانشگاهی را در زمینه‌های گوناگون علوم دقیق و علوم انسانی منتشر می‌کرد. وطن قبلاً ویراستار گروه ریاضی بود و هر دو نفر به مرکز رفت‌وآمد داشتند. طرحی مقدماتی هم نوشته و در آن دکتر سیاوش شهبهانی را به‌عنوان مدیر مسئول در نظر گرفته بودند. در جلسه‌ای در مرکز

نشر، ولی در خارج از گروه ریاضی، آقای شهشهانی از فکر تأسیس مجله خیلی استقبال کرد ولی در مورد قبول مدیریت، گفت باید فکر کند و دو روز بعد اطلاع داد که وقت کافی برای این کار ندارد. موضوع دایرکردن مجله مدتی به تعویق افتاد تا اینکه دکتر مهدی بهزاد در اواسط سال ۱۳۶۵ به مدیریت گروه ریاضی مرکز منصوب شد. مدتی بعد، آن دو نفر و من (به قول دکتر بهزاد در مقاله‌ای که در پایان دوره مدیریت خود نوشت، «سه جوان پرشور») سراغ ایشان رفتیم و موضوع انتشار مجله و پیگیری‌های قبلی در این باره را مطرح کردیم. ایشان در همان جلسه با پیشنهاد ما موافقت کرد و سپس با پیگیری و قاطعیتی که در امور داشت به مدیریت تدارکات لازم برای انتشار مجله پرداخت.

• پس از اینکه دکتر بهزاد مسئولیت مجله را قبول کرد چه اقداماتی انجام شد تا اولین هیئت ویراستاران تشکیل شود؟ اعضای این هیئت چه کسانی بودند؟

— در اولین دوره هیئت ویراستاران [هیئت تحریری] نشر ریاضی، عضویت چهار نفر تقریباً بدیهی می‌نمود: دکتر بهزاد و سه جوان پیشنهاددهنده. به‌گمانم در جریان شرح پیگیری‌ها در همان جلسه از دکتر شهشهانی هم نام برده بودیم. انتخاب سه نفر دیگر (دکتر غلامرضا خسروشاهی، دکتر محمد جلوداری ممقانی، و دکتر مهدی رجبعلی‌پور) و صدور احکام رسمی لابد با مشورت‌های بعدی طی یکی دو ماه بعد به انجام رسیده است. آقای وطن به‌دلایلی که ذکر آن‌ها در اینجا ضرورت ندارد پس از چند جلسه، مجله را ترک گفت و بنابراین نامش حتی جزو ویراستاران اولین شماره نشر ریاضی هم نیامده است. آقای تابش چندسال با مجله همراهی کرد و بعداً کناره گرفت. به‌گمانم آن نوع کمال‌گرایی را که باعث تأخیرهای طولانی در انتشار مجله می‌شد نمی‌پسندید؛ معتقد بود مجله باید حتماً سُرقت منتشر شود. به‌علاوه ایشان جزو مدیران بسیار پرمشغله و موفق در دانشگاه صنعتی شریف بود.

• اسم و لوگو و قطع مجله چطور انتخاب شد؟ طرح روی جلد هر شماره چگونه انتخاب می‌شد؟

— نام «نشر ریاضی» را دکتر بهزاد پیشنهاد کرد (به سیاق «نشر دانش» که ارگان مرکز نشر دانشگاهی بود)؛ لوگوی مجله هم طراحِ همین عنوان به‌دست آقای محمدحسین حلیمی، طراح و نقاش معروف بود. قطع مجله را مانند مجله فیزیک مرکز، که انتشار آن مدت‌ها قبل از نشر ریاضی آغاز شده بود، قطع رحلی انتخاب کردیم که به نظر می‌رسید (نسبت به قطع وزیری) فضای مناسب‌تری برای جادادن تصویرها و صفحه‌آرایی شکل‌تر فراهم می‌کند. گمان می‌کنم انتخاب این قطع تقریباً بدیهی بود چون به یاد نمی‌آورم که بحثی درباره آن در هیئت ویراستاران انجام شده باشد یا کسی مخالف

یا نظر دیگری ابراز کرده باشد. قرار شد طرح روی جلد متغیر باشد (یک طرح با مضمونی ریاضی برای هر شماره، برخلاف مجله فیزیک مرکز که طرح روی جلد آن ثابت بود و فقط رنگ روی جلد تغییر می‌کرد).

• ترکیب هیئت ویراستاران در دوره‌های مختلف به چه شکل بود و چگونه انتخاب می‌شدند؟

— ترکیب هیئت ویراستاران در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی می‌شد. مثلاً در دوره فترتی که پس از رفتن دکتر بهزاد پیش آمد، نخست دکتر معصومی همدانی که از افراد متنفذ در مرکز نشر و علاقه‌مند به انتشار نشر ریاضی بود مدتی نقش هماهنگ‌کننده را (بدون ذکر این عنوان در مجله) از طرف مرکز نشر به عهده گرفت و در آن دوره، بنا به مصالحی، نام عده‌ای از ویراستاران قبلی را به‌عنوان «مشاوران» می‌آوردیم در صورتی که یکی دو نفر از آن‌ها، مثلاً آقای شهشهبانی، عملاً جزو ویراستاران بودند. بعد از آن هم که دکتر شهشهبانی مدیریت مجله را پذیرفت، هیئت ویراستاران در چند شماره فقط متشکل از ایشان و تابش و من بود. بعداً این هیئت گسترده‌تر شد که آن هم گهگاه دچار تغییراتی می‌شد. در دوره مدیریت دکتر وحیدی هم سه عضو جدید به اضافه دونفر از اعضای قبلی، هیئت ویراستاران را تشکیل می‌دادند. به‌جز من که عضو ثابت هیئت در تمام عمر مجله بودم، آقای شهشهبانی با شانزده‌هفته سال عضویت، رکورددار محسوب می‌شود. مدیر مسئول هم همیشه عضو این هیئت بود. انتخاب اعضا رسماً با نظر مدیر مسئول و البته با مشورت‌های لازم صورت می‌گرفت. من در مصاحبه دیگری [۲۴] نام تمام کسانی را که در دوره‌ای عضو هیئت ویراستاران نشر ریاضی بوده‌اند، آورده‌ام. گمان می‌کنم روشن باشد که عبارت «هیئت ویراستاران»؛ ترجمه «editorial board» بود که در مجلات عمومی فارسی عبارت «هیئت تحریریه» برای آن رایج‌تر است، یعنی هیئت تصمیم‌گیر در مورد انتخاب مطالب و سبک و سیاق و جوانب گوناگون کار مجله. ویرایش عملی متن (به‌خصوص در مورد ترجمه‌ها) و پرداختن به مسائل نگارشی جزو وظایف اصلی هیئت ویراستاران نبود.

• نقش همکاران/مشاوران هر شماره چه بود؟ بعضی از این افراد مترجم یا مؤلف مقاله‌ای در مجله هستند ولی از بعضی دیگر هیچ اثری در مجله منتشر نشده است.

— هدف اولیه از انتخاب عده‌ای به‌عنوان مشاوران/همکاران این بود که مجله از ایده و نظر و گاه همکاری قلمی صاحب‌نظرانی در خارج از هیئت ویراستاران بهره‌مند شود. این هدف تاحدی و در مواردی برآورده می‌شد اما نه همیشه و در مورد همه آن‌ها. در سال‌های اول فهرست نسبتاً مفصلی از

نام مشاوران می‌آوردیم. بعدها سخت‌گیرتر شده و عبارت «این شماره» را به کلمهٔ «مشاوران» افزوده و فهرست را کوتاه‌تر کرده‌ایم تا فقط شامل کسانی باشد که در آن شماره کمکی به مجله کرده‌اند. در سال‌های آخر (یادم نیست چرا) دوباره به طول فهرست افزوده‌ایم. نام ویراستارانی از گروه ریاضی که با ویرایش بعضی از مقالات به مجله یاری می‌رساندند معمولاً در فهرست مشاوران می‌آمد ولی به‌طور کلی صاحبان بقیهٔ نام‌ها «یاران بالقوه» مجله محسوب می‌شدند که احتمال می‌رفت از همفکری یا همکاری آن‌ها بهره‌مند شویم.

• آبا در مورد ساختار محتوایی مجله و بخش‌بندی مطالب آن در همان جلسه‌های اول بحث و بررسی شد و یا در طول زمان بحث‌ها پیش می‌آمد؟ آیا در مورد این‌ها توافق جمعی حاصل شده بود؟

— امروز که به دوره‌های مجلهٔ نشر ریاضی نگاه می‌کنیم، اهمیت کار اولین هیئت ویراستاران را در این می‌بینیم که در همان ماه‌های اول در مورد راه و روش و ساختار کلی و نوع مندرجات مجله به نتایجی رسیده که تا آخر عمر نشر ریاضی عمدتاً، با تغییراتی اندک، دنبال شده است. مثلاً دربارهٔ محتوای مجله این اتفاق نظر کلی در همان اوایل به دست آمد: مقالاتی توصیفی برای معرفی یا بهتر شناساندن مباحث ریاضی (به‌ویژه مباحث نو) به دانشجویان دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد، سرمقالهٔ مجله یا مطالبی حاوی دیدگاه ویراستاران یا ریاضی‌دانان بیرون از هیئت دربارهٔ مسائل آموزش و گاه پژوهش ریاضی در کشور، میزگردها و مصاحبه‌هایی با ریاضی‌دانان داخلی و خارجی، نوشته‌هایی دربارهٔ فلسفه و تاریخ ریاضی و زندگی‌نامهٔ ریاضی‌دانان شاخص با تمرکز بر اهمیت دستاورد ریاضی آن‌ها، مقاله‌های کلاسیک و اثرگذار در تاریخ ریاضی، بحث‌هایی دربارهٔ مسئله و آموزش حل مسئله، معرفی و نقد کتاب‌ها و گاه مقاله‌های ریاضی منتشر شده، گزارش اخبار روز ریاضی (دستاوردهای مهم جهانی، همایش‌های ریاضی داخلی و خارجی، جوایز مهم بین‌المللی در ریاضیات و ...) بخش‌بندی این محتوا و نام‌گذاری بخش‌ها هم کار هیئت ویراستاران بود. عناوین بخش‌ها گهگاه بنا به سلیقهٔ هیئت ویراستاران در دوره‌های مختلف اندکی تغییر کرده است، تغییراتی از قبیل تبدیل «اخبار و گزارشها» به «گزارش» یا «کتاب» به «نقد و بررسی»، ولی این عناوین جدیدتر هم غالباً تفاوت جدی با عناوین قبلی نداشته است. در مورد بخش «کتاب» یادم هست یک‌بار که (در سال سیزدهم مجله) می‌خواستیم نقدی بر فیلم «یک ذهن زیبا» [دربارهٔ جان نش] چاپ کنیم فکر کردیم بهتر است عنوان بخش به «نقد و بررسی» تغییر کند تا شامل بررسی فیلم‌ها و ویدئوهای مربوط به ریاضیات هم بشود.

• روال کار در جلسات هیئت ویراستاران چگونه بود؟ چطور موضوعات هر شماره انتخاب می‌شد؟ مؤلفان و

مترجمان مقالات چگونه انتخاب می‌شود؟ مطالب را از کجا برای ترجمه تهیه می‌کردید؟ بعد از اینکه نوشته‌ای از همکاران به دست هیئت می‌رسید چگونه درباره‌ی رد یا پذیرش آن تصمیم‌گیری می‌شد؟

— هیئت ویراستاران معمولاً هر دو هفته یک‌بار، به مدت دوسه ساعت، تشکیل جلسه می‌داد و به پیشنهادها درباره‌ی مندرجات شماره‌ی بعدی رسیدگی می‌کرد. پیشنهادهای اعضا (و گهگاه نظریه‌هایی به نقل از افرادی خارج از هیئت) عمدتاً در همان چارچوب کلی و موضوعی بخش‌ها بود ولی نکاتی از قبیل طرح روی جلد یا احیاناً پیشنهاد جدیدی درباره‌ی جنبه‌ای از کار مجله را نیز در برمی‌گرفت. در مورد تألیف، نوشتن مقاله در زمینه‌ای که معرفی و ترویج آن مفید به نظر می‌رسید به فرد ذیصلاحی که گمان می‌رفت آمادگی و توان این کار را دارد پیشنهاد می‌شد یا گاه خود آن فرد در این مورد ابراز آمادگی می‌کرد ولی کلاً مجله‌ی نشر ریاضی نتوانست افراد زیادی را به این کار ترغیب کند و تعداد مقاله‌هایی که اصالتاً به فارسی نوشته شده باشند بسیار کمتر از مطالب ترجمه‌ای بود.

پیشنهاد انتخاب هر مقاله برای ترجمه هم باید به تصویب هیئت می‌رسید و سپس مترجمی برای آن از طرف هیئت در نظر گرفته می‌شد و گاه ترجمه به پیشنهاددهنده‌ی مقاله محول می‌گشت.

در میان منابع خارجی برای انتخاب مقاله، مجله‌های متمتیکال اینتلیجنسر و امریکن متمتیکال مانثلی، و نوتیسز انجمن ریاضی آمریکا بسیار مورد توجه بودند. به آن‌ها زیاد مراجعه می‌کردیم و از آن‌ها تا حدی الگو می‌گرفتیم. ولی منابع به هیچ‌وجه منحصر به این سه مجله نبود. از مجلات متعدد دیگر، مجموعه‌های مقالات (ازجمله، مقاله‌نامه‌های بعضی کنفرانس‌ها و سمپوزیوم‌ها) و کتاب‌ها هم استفاده می‌شد.

• ما سنت و روش مشخص و مدونی در فارسی‌نویسی ریاضی نداشته‌ایم و هنوز هم نداریم. مسلماً این وضعیت در زمان شما حادث‌تر نیز بوده است؛ البته مرکز نشر دانشگاهی نهادی بود که تا حد زیادی به همت ویراستارانی مانند شما و همایون معین و مرحوم محمدهادی شفیعیها تأثیر مثبتی بر این موضوع گذاشت. ویراستاری نوشته‌ها برعهده‌ی شما بود یا افراد دیگری هم در قسمت‌هایی این کار را انجام می‌دادند؟ قواعد ویرایش همانی بود که در مرکز نشر وضع کرده بودید یا در هیئت ویراستاران قواعد دیگری به کار می‌بردید؟

— ویرایش و پردازش فارسی متن‌ها عمدتاً طبق روش رایج در گروه ریاضی مرکز نشر انجام می‌شد و هیئت ویراستاران مجله نقش زیادی در آن نداشت، جز مشورت‌هایی درباره‌ی بعضی تعابیر و اصطلاحات و اسامی با برخی از اعضای هیئت. این مشورت‌ها گاه با افرادی خارج از این هیئت و حتی بیرون از مرکز نشر هم انجام می‌شد. مقاله‌های تألیفی ریاضی، در صورتی که لازم تشخیص داده

می‌شد، توسط فرد ذیصلاح دیگری در همان زمینه تخصصی نویسنده بازخوانی محتوایی می‌شدند و سپس مانند سایر مطالب تألیفی و نوشته‌های گزارش‌گونه، اندکی ویرایش زبانی و اصطلاحی روی آن‌ها صورت می‌گرفت. اما بیشتر مطالب مجله ترجمه‌ای بودند. در دوره مدیریت دکتر بهزاد، چون ایشان در عین حال مدیر گروه ریاضی مرکز هم بود و تعداد ویراستاران فعال در گروه هم بیشتر بود، کار ویرایش اولیه این مقاله‌ها را بین ویراستاران گروه ریاضی (آقایان وصال، شفیعیها، عمیدی، مصحفی، و بنده) تقسیم می‌کرد اما ویرایش نهایی و هماهنگ‌سازی‌های لازم و ارتباط با بخش فنی برعهده من بود. در دوره‌های بعد، سهم من از کار ویرایش اولیه بیشتر شد ولی گهگاه همکاران گروه ریاضی هم از زحمت بی‌نصیب نمی‌ماندند.

در مورد قواعد نگارشی مخصوص متون ریاضی، براساس تجربیات قبلی جامعه ریاضی در متن‌های منتشرشده و بازبینی آن‌ها و محفوظات و سلیقه اعضای گروه ریاضی و بحث‌های آن‌ها با یکدیگر و با مترجمان کتاب‌ها به تدریج سنتی در گروه ریاضی مرکز شکل گرفته بود. گروه‌های فیزیک و شیمی مرکز نشر هم که با متن‌های ریاضی سروکار داشتند به نتایجی در این زمینه رسیده بودند. از طرف مرکز نشر دانشگاهی هیئتی برای هماهنگی قواعد نگارش متن‌های ریاضی‌وار با شرکت نمایندگان این سه گروه تشکیل شد که من نمایندگی گروه ریاضی را به‌عهده داشتم و خلاصه توافقات این سه گروه را در شماره سوم از سال سوم نشر ریاضی با عنوان «برخی از قاعده‌های نگارش متن‌های ریاضی» آورده‌ام. این قواعد بعداً در شیوه‌نامه مرکز نشر هم انتشار یافت. البته نقش غالب را در این توافقات همان نظر گروه ریاضی داشت که ما قبلاً هم کمابیش اعمال می‌کردیم و در مجله هم به کار می‌رفت. متن مورد توافق، «حداقلی» است و بسیاری از ریزه‌کاری‌ها را در بر ندارد چون مورد استفاده گروه‌های فیزیک و شیمی نبود. من بعدها، براساس تجربیات شخصی و گفت‌وگو با صاحب‌نظران و نیز توجه به شیوه‌نامه شیکاگو [معروف‌ترین شیوه‌نامه نگارش در انگلیسی] در مورد فرم‌های بیانی ریاضی مشترک بین انگلیسی و فارسی، متن مفصل‌تری نوشتم که به‌صورت کتابچه‌ای با عنوان شیوه‌نامه نگارش ریاضی با تأیید و مقدمه انجمن ریاضی ایران منتشر شد و ترتیب فصل‌بندی آن مطابق با بخش ریاضی شیوه‌نامه شیکاگوست ولی این کتابچه هم نیاز به تکمیل و تفصیل بیشتر دارد.

● روش شما در مورد ضبط اسامی خاص و پیدا کردن معادل برای واژه‌های جدید چگونه بود؟ منظورم این است که آیا هیئت ویراستاران در این موارد تصمیمی گرفته بود یا تماماً برعهده شما گذاشته شده بود. بگذارید یک مثال برای روشن شدن موضوع بزنم: مثلاً ضبط اسم de Sitter؛ این را می‌شود نوشت «دو سیت»،

«دوستیر»، یا «دوستیر» و اگر امکانات رایانه‌ای جدید را در نظر بگیریم: «دُستیر». یا بد نیست اشاره به «خط تیره» و «نیم‌فاصله» کنم که باعث شد بسیاری کلمات و ترکیبات ضبط‌های مختلفی پیدا کنند.

— ضبط اسامی خاص (در مجله و در گروه ریاضی) به روش «نزدیک‌ترین صورت به اصل» انجام می‌شد، یعنی نام هر شخص خارجی، تا حدی که ویژگی‌های دستگاه آوایی و مقتضیات خط فارسی اجازه می‌دهد، به همان صورتی به خط فارسی منتقل شود که در زبان و فرهنگ اصلی آن شخص تلفظ می‌شود. زبان و خط فارسی محدودیت‌هایی برای کاربرد این روش ایجاد می‌کند و مشکلات دیگری هم گاه مطرح می‌شود، مثلاً اینکه زبان و فرهنگ اصلی شخصی که اجدادش به کشور دیگری مهاجرت کرده‌اند چیست. من درباره این روش و محدودیت‌های کاربرد آن در مصاحبه پیشگفته (که بخشی از آن در مجله مترجم، شماره ۷۷ بازچاپ شده) صحبت کرده و مثال‌هایی آورده‌ام و تفصیل بیشتر را در اینجا مناسب نمی‌بینم. مرحوم دکتر شفیع‌یها در ترویج این روش در گروه ریاضی بسیار کوشا بود. در آن موقع به اینترنت دسترسی نداشتیم و مرجع مورد علاقه ایشان نامنامه آلمانی Duden بود. به فرهنگ زندگینامه‌ای Webster و کتاب‌های مرحوم مصاحب هم (که به نظر من از طریق کتاب‌های ریاضی‌اش و دایرة‌المعارف فارسی مروج اصلی این شیوه در فرهنگ علمی فارسی بوده) زیاد مراجعه می‌کردیم. در مقاله‌های مجله گهگاه به نام‌های جدید یا نام‌هایی که تلفظ یکسانی در ایران نداشتند برمی‌خوردیم و در مورد تلفظ دقیق آن‌ها با بعضی از اعضای هیئت ویراستاران مشورت می‌کردیم. من این روش را «مشی مصاحبی» می‌نامیدم و به آن پایبند بودم اما بعدها، به اتفاق بعضی از دوستان، به این نتیجه رسیدیم که مشی مصاحبی در مواردی، افراطی است (مثال‌هایی از این موارد هم در آن مصاحبه آورده‌ام) و در ویراست دوم واژه‌نامه ریاضی و آمار قدری از آن عدول کردیم. واژه‌های ریاضی به‌کار رفته در مجله عمدتاً از همان اصطلاحات کمابیش تثبیت‌شده در کتاب‌های ریاضی مرکز نشر بود. اتفاقاً گروه مشترک واژه‌گزینی انجمن ریاضی و مرکز نشر دانشگاهی هم از قبل تأسیس مجله مشغول فعالیت بود و هفته‌ای دوسه بار تشکیل جلسه می‌داد. من گزارشی از کار آن گروه و ضوابط و معیارهای آن در اولین شماره نشر ریاضی با عنوان «واژه‌نامه ریاضی و آمار، گزارش کار» نوشته‌ام که طبق آن نوشته: قبل از انتشار اولین شماره مجله تعداد ۴۰۰۰ واژه به تصویب نهایی آن گروه رسیده بود. البته گهگاه واژه‌های جدیدی در مقالات مجله مطرح می‌شد که قبلاً معادل جاافتاده‌ای نداشت و آن‌ها را با بعضی از اعضای هیئت ویراستاران که «اهل اصطلاح» بودند به بحث می‌گذاشتیم و به نتایجی درباره معادل‌های آن‌ها می‌رسیدیم.

● با در نظر گرفتن امکانات فنی محدود آن زمان به نسبت اکنون، مجله از نظر تایپ و صفحه‌آرایی نیز بسیار عالی بود. بفرمایید مراحل کار پس از تأیید نسخه دست‌نویس چگونه بود؟ آیا حروف‌چینی و دیگر امور فنی مثل صفحه‌آرایی، طراحی جلد، نمونه‌خوانی، و دیگر موارد هم در مرکز نشر انجام می‌شد و مجله از این امکانات کاملاً حرفه‌ای موجود در مرکز استفاده می‌کرد؟ آیا از طرف مجله هم کسی نظارت بر حاصل کار نهایی داشت؟

— نسخه دست‌نویس پس از ویرایش به دست همکار فنی مجله می‌رسید که در دوره‌های مختلف نشر ریاضی با عنوان‌های متفاوت «مسئول فنی»، «دستیار فنی»، و «مدیر داخلی» نامیده شده و موقعیت او از لحاظ ارتباط با نشر ریاضی هم یکسان نبود، یعنی در دوره‌هایی کارش منحصر به این مجله نبود. متن ویراسته در صورت لزوم توسط این همکار «ویرایش فنی» می‌شد (تعیین فونت حروف و این قبیل کارها) و سپس از طریق بخش تولید مرکز به واحد حروف‌نگاری (در چهار سال اول مجله با لاینوترون و سپس با «تک پارس») فرستاده می‌شد. متن حروف‌چینی و صفحه‌آرایی شده به نزد همکار فنی بر می‌گشت و او آن را نمونه‌خوانی و از جهات صوری و فنی بازبینی می‌کرد. ایده طرح روی جلد همیشه از طرف هیئت ویراستاران داده می‌شد و یک طراح از بخش تولید آن را اجرا می‌کرد. من علاوه بر کارهای ویرایشی عملاً نماینده هیئت ویراستاران برای نظارت بر اجرای این فرایند بودم. مثلاً «نمونه سفید» را بازخوانی می‌کردم (و گاه ضمن نمونه‌خوانی به این نتیجه می‌رسیدم که باید فلان جمله در مرحله ویرایش تغییر می‌کرده و تصحیح ویرایشی هم می‌کردم!) با این حال، بازهم چندتا غلط باقی می‌ماند که برای انبساط خاطر خوانندگانی که از کشف غلط لذت می‌بردند بد نبود!

● مطالب پراکنده‌ای مثل کلمات قصار، خاطرات، بخشی از یک نوشته، و غیره در لابه‌لای مطالب مجله به‌طور غیررسمی درج شده است. این‌ها را چگونه انتخاب می‌کردید و الگوی شما در این کار چه بود؟

— گاه در انتهای بعضی از مقاله‌ها بخش نسبتاً بزرگی از صفحه خالی می‌ماند که از لحاظ صفحه‌آرایی مناسب نبود. از این رو سعی می‌کردیم صفحه را با آوردن تصویر، خبر، نوشته‌ای کوتاه، نکته یا جمله‌ای از نوع کلمات قصار پر کنیم. این‌ها در داخل باکس، جدا از مقاله، می‌آمدند؛ به‌ندرت مرتبط با آن مقاله بودند و اغلب، مستقل از آن. در انتخاب این «صفحه‌پرکن»‌ها الگوی خاص و مشخصی نداشتیم جز اینکه آنچه نقل می‌شود حاوی فکر و نظری جالب و تأمل برانگیز و آگاهی‌بخش باشد. هریک از دوستان که در مجله‌ها و کتاب‌ها (ی‌عمدتاً خارجی) به سوژه مناسبی از این نوع بر می‌خورد

آن را به این منظور پیشنهاد می‌کرد به طوری که در دوره‌هایی، آرشیو کوچکی از این مطالب فراهم شده بود. البته آگهی‌های مرکز نشر دانشگاهی هم جزو صفحه‌پرکن‌ها بود.

● بعضی ناهماهنگی‌ها در بعضی شماره‌های مجله به چشم می‌آید، مثلاً یکدست نبودن روش ارجاع، خصوصاً در مقاله‌های ترجمه‌ای که بیشتر متأثر از متن اصلی بوده است، یا ذکر نشانی مؤلف اصلی مقاله و عدم درج نشانی مترجم مقاله، عدم ذکر نام مترجم بعضی نوشته‌ها، اختلاف در عنوان نوشته اصلی با عنوان ذکر شده در فهرست مندرجات، و یا جدانشدن بعضی نوشته‌ها از یکدیگر و دشوار کردن کار ارجاع و ذکر آن نوشته در فهرست مندرجات. آیا این موضوعات در هیئت ویراستاران مدنظر قرار نمی‌گرفت؟

— از همان ابتدا فرمت ثابتی برای نحوه نوشتن نشانی منبع مقاله‌های خارجی انتخاب شد که باید در همه این مقاله‌ها در همه شماره‌ها رعایت می‌شد؛ ولی متعرض مراجعی که نویسنده در انتهای مقاله خود آورده بود نمی‌شدیم چون فایده و لزومی نمی‌دیدیم که آن‌ها را دست‌کاری کنیم و در قالب منبع‌نویسی مجله در بیاوریم.

در مورد نام مترجمان، قاعده سفت و سختی نداشتیم. در سال اول به سبک مجله فیزیک مرکز نشر، نام مترجم را در انتهای مقاله می‌آوردیم. بعداً گفته شد که آوردن نام مترجم به طرز نمایان‌تر، در بالای مقاله، انگیزه بیشتری برای کار ترجمه ایجاد می‌کند. ولی حتی پس از تأیید این روش که عمدتاً رعایت می‌شد، مثلاً من گاهی نام خودم را در انتهای مقاله می‌آوردم و گاهی اصلاً نمی‌آوردم؛ بعضی از اعضای هیئت ویراستاران نام مستعار برای خود در ترجمه انتخاب می‌کردند، بعضی هم حروف اول نام و نام خانوادگی خود را به کار می‌بردند. پس وقتی که حتی ذکر هویت واقعی مترجم الزامی نبود، ذکر محل کار یا تحصیل مترجمان (بسیاری از مترجمان از دانشجویان بودند) محلی از اعراب نداشت.

در بعضی از مقاله‌ها به پیشنهاد مترجم یا هیئت ویراستاران شرح کوتاهی درباره مقاله و نویسنده در آغاز مقاله می‌آمد، مثلاً در مقاله کلاسیک یا مقاله‌ای که نمایانگر گرایش خاص یا نویدبخشی در یک مبحث یا نمونه‌ای از آثار ریاضی‌دانی شاخص و پربازده، یا ارائه شده در مجموعه یا مناسب مهمی بود. این شرح معمولاً شامل زمینه و سوابق نویسنده و محل کار او هم بود. در بقیه مقاله‌های ترجمه‌ای و تألیفی باید نام نویسنده در بالای مقاله، زیر تیترو، می‌آمد و محل کار او در آخرین سطر، پس از متن و مراجع و منبع ذکر می‌شد و به نظرم در اکثریت بزرگ موارد، محل کار در انتها آمده ولی اخیراً که دوره‌هایی از مجله را ورق می‌زدیم، به بعضی جاها برخوردیم که محل کار نویسنده ذکر

نشده است. در مورد این «ذکر نشده»ها هیچ توجه و تذکری را از هیئت ویراستاران به یاد ندارم ولی چه بسا جزو «غلط‌ها»یی باشد که لابد کشف آن‌ها باعث انبساط خاطر برخی از خوانندگان نکته‌گیر شده است!

● مجله یکی دو سالی به حالت تعلیق و تعطیل در آمد و شماره‌ای از آن منتشر نشد، علت چه بود؟ به نظر شما چه مشکلاتی مجله را از ادامه کار باز داشت و چرا این کار بعداً ادامه پیدا نکرد؟

— مجله نشر ریاضی رسماً جزو انتشارات گروه ریاضی مرکز نشر دانشگاهی بود و در زمینه ویرایش و امور فنی کاملاً به این گروه اتکا داشت ولی می‌شود گفت که چارت تشکیلاتی آن (شامل مدیر مسئول و هیئت ویراستاران) به‌نحوی مستقل از گروه بود به این معنی که مدیر مسئول آن الزاماً مدیر گروه ریاضی نبود و تقریباً تمام اعضای هیئت از بیرون می‌آمدند. مثلاً طولانی‌ترین دوره مدیریت مسئول را دکتر شهشهبانی داشت که عضو گروه نبود و در آن دوره طولانی تنها عضو هیئت ویراستاران که جزو کادر گروه ریاضی به شمار می‌آمد، من بودم. از این رو با رفتن مدیر مسئول، هیئت نیز از هم می‌پاشید و انتشار مجله (عملاً، بدون اعلام رسمی) متوقف می‌شد. در دوره فترت اول، چنان‌که گفتم، بعضی از افراد نزدیک به مدیریت مرکز بسیار علاقه‌مند به این مجله و ادامه انتشار آن بودند و به راه‌اندازی مجدد مجله کمک کردند و در نتیجه، دوره فترت چهارپنج ماه بیشتر طول نکشید ولی دوره فترت دوم طولانی‌تر بود چون مصادف شد با تحولات کلی مرکز نشر، رفتن دکتر پورجوادی و تغییر مدیریت مرکز و نوعی بلاتکلیفی در روال امور که در چنین اوضاعی پیش می‌آید، تا آنکه مدیریت جدید یک «شورای گروه» برای هریک از گروه‌های مرکز (مرکب از یکی دو عضو گروه و افرادی از خارج آن) تشکیل داد و شورای گروه ریاضی پیشنهاد کرد انتشار نشر ریاضی به مدیریت دکتر وحیدی (که مدیر گروه ریاضی شده بودند) از سر گرفته شود. فاصله انتشار آخرین شماره مجله به مدیریت دکتر شهشهبانی و اولین شماره به مدیریت دکتر وحیدی حدود ۲۱ ماه است که چهارده‌پانزده ماه از آن در دوره بلاتکلیفی گذشته است. در شماره پیاپی ۲۹ مجله در بخش گزارش، مطلبی با عنوان «عذر تأخیر» آمده و بدون اشاره به تحولات مرکز نشر، از حالت «تعویق و تعلیق» در جریان انتقال مدیریت مسئول مجله صحبت شده است.

۹ عوامل علمی-اجرایی نشر ریاضی به تفکیک شماره‌های مجله

شماره	مدیر مسئول	هیئت ویراستاران	مشاوران/همکاران	امور فنی و تولید
سال ۱، شماره ۱، ۱۳۶۷	یحیی تابش، سیامک کاظمی	غلامرضا برادران خسروشاهی، مهدی بهزاد، یحیی تابش، محمد جلوداری مرقانی، سیاوش شهشانی، سیامک کاظمی	محمد مهدی ابراهیمی، شاپور اعتماد، اسماعیل بابلیان، محمد باقری، مگر دیچ تومانیان، احمد حقانی، محمد هادی شفیعیها، کریم صدیقی، علی عمیدی، امید علی کرمزاده، عبدالله محمودیان، حسین معصومی همدانی، اسدالله منجمی، رضا منصوری، منوچهر میثاقیان، محمد علی نجفی، منوچهر وصال	مسئول فنی: نادر کتیری، طراح و صفحه‌آرا: محمد حسن پور، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۱، شماره ۲، ۱۳۶۷				مسئول فنی: نادر کتیری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۱، شماره ۳، ۱۳۶۷				مسئول فنی: نادر کتیری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۲، شماره ۱، ۱۳۶۸ تا سال ۲، شماره ۳، ۱۳۶۸	یحیی تابش، سیامک کاظمی، حسین معصومی همدانی	غلامرضا برادران خسروشاهی، احمد شفیعی ده‌آباد، سیاوش شهشانی، منوچهر وصال	مسئول فنی: فرید مصلحی، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی	مسئول فنی: فرید مصلحی، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۳، شماره ۱ و ۲، ۱۳۶۹ تا سال ۳، شماره ۳، ۱۳۶۹				مسئول فنی: فرید مصلحی، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۴، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰	یحیی تابش، سیاوش شهشانی، سیامک کاظمی	مسعود خلخالی (آلمان)، محمد هادی شفیعیها، علمی عمیدی، سعید قهرمانی (آمریکا)، عطارد کاویان (فرانسه)، همایون معین، حسین مهدیزاده (آمریکا)، منوچهر وصال	دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی	امور فنی و هنری: محمد حسن پور، زهرا دلوری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۴، شماره ۳، ۱۳۷۱				دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۵، شماره ۱، ۱۳۷۲	یحیی تابش، سیاوش شهشانی، سیامک کاظمی	یحیی تابش، عطاء‌الله تقاء، سیاوش شهشانی، کاوه لاجوردی	محمد باقری، محمد هادی شفیعیها، پدram صفری (آمریکا)، علی عمیدی، سعید قهرمانی (آمریکا)، همایون معین، منوچهر وصال	دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۶، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۳				دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح و صفحه‌آرا: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی: صدیقه مسعودی، نوشین شاهنده
سال ۷، شماره ۱، ۱۳۷۴	محمد اردشیر، یحیی تابش، سیاوش شهشانی، سیامک کاظمی، امید علی کرمزاده، کاوه لاجوردی	محمد باقری، سپیده چمن‌آرا، محمد هادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	محمد باقری، عطاء‌الله تقاء (آمریکا)، محمد هادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، بهرنگ نوحی (آمریکا)، حمید وحید، منوچهر وصال	دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی و صفحه‌آرای: مریم ابراهیم‌آبادی
سال ۷، شماره ۲، ۱۳۷۵				دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی و صفحه‌آرای: مریم ابراهیم‌آبادی
سال ۸، شماره ۱، ۱۳۷۵	محمد اردشیر، یحیی تابش، سیاوش شهشانی، سیامک کاظمی، امید علی کرمزاده، کاوه لاجوردی	علی رجالی، محمد هادی شفیعیها، پدram صفری (آمریکا)، صالح علی‌یاری، علی عمیدی، سعید قهرمانی (آمریکا)، همایون معین، منوچهر وصال	محمد باقری، عطاء‌الله تقاء (آمریکا)، محمد هادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، بهرنگ نوحی (آمریکا)، حمید وحید، منوچهر وصال	دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی و صفحه‌آرای: مریم طاهریان
سال ۸، شماره ۲، ۱۳۷۶				دستیار فنی: زهرا دلوری، طراح: آزاده اصغری، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی و صفحه‌آرای: مریم طاهریان

شماره	مدیر مسئول	هیئت ویراستاران	مشاوران/همکاران	امور فنی و تولید
سال ۹، شمارهٔ ۱، ۱۳۷۶	دکتر شهبان		علی رجالی، محمدهادی شفیعیها، پدram صفری (آمریکا)، صالح علی‌یاری، علی عمیدی، سعید قهرمانی (آمریکا)، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۹، شمارهٔ ۲، ۱۳۷۷			احمد شفیعی ده‌آباد، محمدهادی شفیعیها، مهرداد شهبان‌نی (آمریکا)، علی عمیدی، مهدی مجیدی ذوالننین، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۰، شمارهٔ ۱، ۱۳۷۷			(مرحوم) اکبر حسنی، محمدهادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۰، شمارهٔ ۲، ۱۳۷۸			محمدهادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۱، شمارهٔ ۱، ۱۳۷۸			محمدهادی شفیعیها، علی عمیدی، فرامرز فامیا سمواتی، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۱، شمارهٔ ۲، ۱۳۷۹		محمد اردشیر، احمد شفیعی ده‌آباد، سیاوش شهبان‌نی، سیامک کاظمی، کاوه لاجوردی	میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، محمدهادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۲، شمارهٔ ۱ و ۲، ۱۳۸۰			محمدهادی شفیعیها، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	دستیار فنی: زهرا دلاوری، طراح: شکوه پیله‌فروشها، ناظر چاپ: علی صادقی، حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: سیده مریم طاهریان
سال ۱۳، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۱			محمدهادی شفیعیها، مهرداد شهبان‌نی، علی عمیدی، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۳، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۱		احمد شفیعی ده‌آباد، سیاوش شهبان‌نی، پدram صفری، سیامک کاظمی، کاوه لاجوردی	حسن حقیقی، محمدرضا خواجهمیور، محمدهادی شفیعیها، مهرداد شهبان‌نی، علی عمیدی، زهرا گویا، همایون معین، منوچهر وصال	
سال ۱۴، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۲			امیرحسین اصغری، میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، محمد جلوداری ممقانی، آرش رستگار، محمدهادی شفیعیها، مهرداد شهبان‌نی، علی عمیدی، بیژن ظهوری زنگنه، همایون معین، منوچهر وصال؛ (خارج از کشور): امیر اکبری، رامین تلکو بیغش، عطاءالله تقاء، مسعود خلخالی، سعید ذاکری، پیمان کسای، کاوه لاجوردی، کیوان ملاحی	
سال ۱۴، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۳		حسن حقیقی، سیاوش شهبان‌نی، پدram صفری، سیامک کاظمی	احمد شفیعی ده‌آباد، محمدهادی شفیعیها، عبدالحسین عباسیان، عباس عدالت، همایون معین؛ (برون‌مرزی): امیر اکبری، رامین تلکو بیغش، عطاءالله تقاء، مسعود خلخالی، سعید ذاکری، پیمان کسای، کاوه لاجوردی، کیوان ملاحی	
سال ۱۵، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۳			علیرضا بحرینی، آرش رستگار، محمدهادی شفیعیها، مهرداد شهبان‌نی، همایون معین؛ (برون‌مرزی): امیر اکبری، رامین تلکو بیغش، عطاءالله تقاء، مسعود خلخالی، سعید ذاکری، پیمان کسای، کاوه لاجوردی، کیوان ملاحی	مدیر داخلی: زهرا دلاوری، طراح جلد: حسین راست‌منش، حروف‌چین و صفحه‌آرا: مینا مهربانی‌فرد، ناظر چاپ: علی صادقی

شماره	مدیر مسئول	هیئت ویراستاران	مشاوران/همکاران	امور فنی و تولید
سال ۱۵، شماره ۲؛ سال ۱۶، شماره ۱، ۱۳۸۵	محمدقاسم وحیدی اصل	علیرضا جمالی، حسن حقیقی، سیامک کاظمی، محمدقاسم وحیدی اصل	محمدهادی شفیعیها، همایون معین	مدیر داخلی: زهرا دلاوری، طراح جلد: معصومه انوری، امور رایانه‌ای: ناهید حاجی‌سلیمی، ناظر چاپ: علی صادقی
سال ۱۶، شماره ۲، ۱۳۸۶			فریبرز آذرنپناه، محمد اردشیر، شاپور اعتماد، اسماعیل بابلیان، غلامرضا برادران خسروشاهی، ناصر بروجرדיان، محمدجلوداری ممقانی، روح‌الله جهانی‌پور، رحیم زارع‌نهندی، رشید زارع‌نهندی، سیاوش شهشهنائی، سید محمدباقر کاشانی، زهرا گویا، محمد صالحیان	
سال ۱۷، شماره ۱، ۱۳۸۷				
سال ۱۷، شماره ۲، ۱۳۸۸				
سال ۱۸، شماره ۱، ۱۳۸۹				
سال ۱۸، شماره ۲، ۱۳۸۹				
سال ۱۹، شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۰			فریبرز آذرنپناه، محمد اردشیر، شاپور اعتماد، اسماعیل بابلیان، غلامرضا برادران خسروشاهی، ناصر بروجرديان، محمدجلوداری ممقانی، روح‌الله جهانی‌پور، رحیم زارع‌نهندی، رشید زارع‌نهندی، سیاوش شهشهنائی، سید محمدباقر کاشانی، زهرا گویا، محمد صالحیان، همایون معین	مدیر داخلی: زهرا دلاوری، طراح جلد: سمیه عابدینی، حروف چین و صفحه‌آرا: شهلا تقوی، ناظر چاپ: خشایار نصیری‌منش
				مدیر داخلی: زهرا دلاوری، طراح جلد: آتیه موسوی، حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شهلا تقوی و شیدا اخشایی، ناظر چاپ: علی صادقی
				مدیر داخلی: زهرا دلاوری، طراح جلد: آتیه موسوی، حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شهلا تقوی و ساناز مهندسی، ناظر چاپ: علی صادقی

۱۰ فهرست جامع نشر ریاضی (۱۳۶۷-۱۳۹۰)

۱. سال ۱، شماره ۱، فروردین ۱۳۶۷
 - مسأله روز: گفتگویی درباره دوره دکتری ریاضی
 - ریاضیات آشوب، عباس عدالت
 - نگاهی به فرضیه ریمان، هربرت ویلف، ترجمه مجتبی منیری
 - جای خالی ریاضیات: مروری بر نشریات ادواری ریاضی در ایران، غلامرضا برادران خسروشاهی
 - بینهایت کوچک‌ها به مدرسه باز می‌گردند، ویکتور هارنیک، ترجمه رضا کرمی
 - تاریخ ریاضیات دوره باستان را چگونه باید بررسی کرد؟، آریاداسیو، ترجمه شاپور اعتماد
 - چندخاطره از ریاضیدان‌هایی که شناخته‌ام، جورج پولیا، ترجمه محمد باقری
 - صورتبندی نظم عالم: نقش ریاضیات (۱)، آرتور جفی، ترجمه بهرام معلمی
 - آموزش هنر مسأله حل کردن، آنی شوئنفلد، ترجمه محمد جلوداری ممقانی
 - سهم ما از منطق ریاضی، ضیاء موحد
 - نقد خوب چیست؟، آلن ادموندز، جان اوینگ، ترجمه م. ه. شفیعیها
 - فهرست کتاب‌های ریاضی فارسی (سال ۱۳۶۵)، فرخ امیرفریار، شیوادخت شیوایی
 - واژه‌نامه ریاضی و آمار: گزارش کار، سیامک کاظمی
 - اخبار و گزارشها: درگذشت کولموگوروف؛ دومین مجمع عمومی آکادمی علوم جهان سوم؛ رد حدس اوایلر؛

المپیاد بین‌المللی ریاضی؛ ششمین کنگره بین‌المللی آموزش ریاضی

۲. سال ۱، شماره ۲، مرداد ۱۳۶۷

- مسأله پژوهشکده
- اقتراح: ریاضیات و کامپیوتر
- خم‌های جبری، سیاوش شهبانی
- جان کلام در نظریه اندازه، جوزف کوپکا، ترجمه مهدی رجبعلی‌پور
- می‌خواهم ریاضیدان به حساب آیم، پال هالموس، ترجمه حسین معصومی همدانی
- مسأله دهم هیلبرت، مارتین دیویس، روبن هرش، ترجمه محمد جلوداری مققانی
- تا چه حد استاد ریاضی خوبی هستید؟، ریچارد گای، ترجمه محمد منتخب
- نظراتی درباره ریاضیات دوره کارشناسی، اندرو گلیسون، آرتور ایستن، ترجمه منوچهر وصال
- صورتبندی نظم عالم: نقش ریاضیات (۲)، آرتور جفی، ترجمه بهرام معلمی
- اردیش و مسأله، محمد جلوداری مققانی
- تاریخ و ریاضیات؛ تاریخ ریاضیات؛ تاریخهای ریاضیات، حسین معصومی همدانی
- کتابشناسی ریاضیات، فرخ امیرفریار، غلامرضا برادران خسروشاهی
- ترکیببات شمارشی، جورج اندروز، ترجمه محمدمهدی ابراهیمی
- اخبار و گزارشها: نوزدهمین کنفرانس ریاضی کشور، بزرگداشت هزاره کوشیار گیلانی؛ اولین سمینار آموزش ریاضی؛ مدال براونر؛ پروژه هندسه - سوپر کامپیوتر؛ بازم دربارۀ آخرین قضیه فرما؛ صدمین سال تأسیس انجمن ریاضی آمریکا (یحیی تابش)

۳. سال ۱، شماره ۳، آذر ۶۷

- جذب استاد، هیأت ویراستاران
- نظر خواهی: نظام آموزشی دوره کارشناسی در ایران
- چشم‌اندازی از نظریه گرافها، مهدی بهزاد
- الگوریتم در ریاضیات جدید و علم کامپیوتر، دانلد کنوشا، ترجمه علی پارسا
- دو مصاحبه
- نخستین ۵۰ میلیون عدد اول، وان زاگیر، ترجمه رحیم زارع نهندی
- ماهیت تفکر ریاضی، نوربرت ولیز، ترجمه شاپور اعتماد
- تاریخچه قضیه استوکس، ویکتور کاتس، ترجمه حسین ترابی تهرانی
- سمونل مغربی: ریاضیدان اسلامی که اعداد منفی را می‌شناخت، عادل انبویا، ترجمه حسین معصومی همدانی
- صورتبندی نظم عالم: نقش ریاضیات (۳)، آرتور جفی، ترجمه بهرام معلمی
- مسابقه ریاضی پاتنام، محمد جلوداری مققانی
- ریاضیات و فیزیک، فریمن دایسون، ترجمه حسین معصومی همدانی
- فهرست فیلمهای ریاضی موجود در ایران، محمد باقری
- ششمین کنگره بین‌المللی آموزش ریاضیات، محمدعلی نجفی
- اخبار و گزارشها: بیستین کنفرانس ریاضی کشور؛ چهارمین سمینار جبر؛ کنفرانس سالانه انجمن فیزیک؛ نخستین کنفرانس مرکز فیزیک تئوری و ریاضی؛ سومین سال انتشار پیک ریاضی؛ یک نقره و سه برنز در المپیاد بین‌المللی ریاضی؛ برنامه‌های ریاضی مرکز بین‌المللی فیزیک نظری در سال ۱۹۸۹؛ مشارکت دانشجویان دوره کارشناسی در پژوهش (یحیی تابش)

• نامه‌ها

• فهرست مطالب سال ۱

۴. سال ۲، شماره ۱، فروردین ۱۳۶۸

- بیست سال کنفرانس ریاضی، هیأت ویراستاران

- مشکل کتابخانه‌های ریاضی
- مجموعه‌های ژولیا، یحیی تابش، صفا نوربخش
- حدس بیپر باخ، پاول تسورن، ترجمه جعفر زعفرانی
- دیدار با پیشکسوتان
- سیر تحولات فکری کورت گودل، هائو وانگ، ترجمه شاپور اعتماد
- مسأله پیوستار کانتور چیست؟، کورت گودل، ترجمه ضیاء موحد
- کاربردهایی از قضیه گودل در ریاضیات، جینا کولاتا، ترجمه محمد باقری
- سابقه ریاضی کشور، محمد جلوداری ممقانی
- تدریس ریاضیات، آبه شینتسر، ترجمه منوچهر وصال
- چه مطالبی منتشر کنیم؟، پال هالموس، ترجمه محمدمهدی ابراهیمی
- فهرست کتابهای ریاضی فارسی (سال ۱۳۶۶)، فرخ امیرفریار
- اخبار و گزارشها: افتتاح دوره دکتری ریاضی و دکتری فیزیک نظری در دانشگاه صنعتی شریف؛ جایزه خوارزمی؛ درگذشت پونتریاگین؛ دو نشریه انجمن ریاضی آمریکا روی دیسکت کامپیوتر؛ جوایز استیل انجمن ریاضی آمریکا در سال ۱۹۸۸؛ جوایز انجمن ریاضی لندن در سال ۱۹۸۸؛ جایزه فیشر؛ فعالیتهای انتشاراتی جدید انجمن ریاضی آمریکا؛ فارغ‌التحصیلان دکتری ریاضی در آمریکا در سال ۸۷-۸۸
- نامه‌ها

۵. سال ۲، شماره ۲، مرداد ۱۳۶۸

- دانشجوی ریاضی، هیأت ویراستاران
- کتابهای ریاضی دانشگاهی: گذشته، حال، آینده
- الگوریتم L^3 و کاربردهای آن، غلامرضا برادران خسروشاهی، شاهین آجودانی نمینی، محمد رحیبی طرخورانی
- تثلیث زاویه، هفت ضلعی منتظم و سیزده ضلعی منتظم، اندرو گلیسن، ترجمه مسعود هادیان
- اوپلر، آندره ویل، ترجمه محمد جلوداری ممقانی
- حروفچینی کامپیوتری متنهای ریاضی، علی پارسا
- گفتگو با ولادیمیر ایگوریویچ آرنولد، اسمیلکا ازدرافکوفسکا، ترجمه مهدی نیلچپانی
- سیزده راه نگرش به ضرب همبستگی، جوزف لی راجرز، و. الن نایسواندر، ترجمه علی عمیدی
- دفاعیه یک ریاضیدان، گادفری هرلد هاردی، ترجمه سیامک کاظمی
- اثبات چند قضیه جبرخطی برای کلاس درس، امیدعلی کرمزاده
- پولیا، حل مسأله و آموزش، آلن شوئنفلد، ترجمه سعید ذاکری
- چند مسأله، ترجمه محمد جلوداری ممقانی
- تحقیق و خلاقیت، شاپور اعتماد
- فهرست گزیده‌ای از فیلم‌های ریاضی
- اخبار و گزارشها: دو نقره و سه برنز؛ کار تدوین واژه‌نامه ریاضی و آمار به پایان رسید؛ جایزه عبدالسلام؛ کنگره بین‌المللی ریاضیدانان در ۱۹۹۰؛ درگذشت مارشال هاروی استون؛ گردهمایی مشترک انجمن ریاضی آمریکا و انجمن ریاضی لندن؛ برندگان جایزه کیوتو در سال ۱۹۸۸؛ جایزه بوخر؛ جوایز جامعه ریاضی آمریکا در سال ۱۹۸۸؛ صفحه تصویری از مرتبه ۱۰ وجود ندارد؟!؛ دو مرکز نوپای تحقیقات ریاضی و فیزیک نظری در ایران (محمد جواد ا. لاریجانی)؛ مرکز فیزیک تئوری و ریاضی-سازمان انرژی اتمی ایران (محمد لامعی)؛ گزارشی از بیستمین کنفرانس ریاضی کشور (منوچهر میثاقیان)

۶. سال ۲، شماره ۳، آذر ۱۳۶۸

- سخن مدیر مسئول، مهدی بهزاد
- یادداشت هیأت ویراستاران
- گفتگو با سه دانشمند ایرانی مقیم خارج

- از مثلث تا خمینه، شینگ‌شن چرن، ترجمهٔ محمد جلوداری ممقانی
 - نظریهٔ ابعاد در جبر، احمد حقانی
 - پوانکاره و توپولوژی، پاول آلکساندروف، ترجمهٔ منوچهر میناقیان
 - چه وقت یک تابع C^∞ تحلیلی است؟، رالف بواس، ترجمهٔ مهدی حسینی‌نسب
 - ریمان، توپولوژی و فیزیک، میخائیل موناستیرسکی، ترجمهٔ سیامک کاظمی
 - آزمایشگاه ریاضیات، یحیی تابش، سید عبادالله محمودیان
 - اثباتهای ریاضی: پیدایش شک موجه، جینا کولاتا، ترجمهٔ سعید ذاکری
 - دستاورد نیوتن، ریچارد وستفال، ترجمهٔ محمدرضا خواجه‌پور
 - مفهوم جبر در تاریخ، الهه خیراندیش
 - با تثلیث‌گرها چگونه برخورد کنیم؟، اندروود دادلی، ترجمهٔ محمد باقری
 - سی‌وسه مسألهٔ قدیمی از مجلهٔ مانتلی، سیاوش شهشانی
 - اصل موضوع انتخاب تسرملو، رابرت بون، ترجمهٔ محمد اردشیر
 - اخبار و گزارشها: پنجمین سمینار جبر و چهارمین سمینار آنالیز؛ بیست و یکمین کنفرانس ریاضی کشور؛ تأسیس انستیتیوی ریاضی در کمبریج؛ درگذشت سویولف؛ درگذشت ویتنی؛ جوایز استیل ۱۹۸۹؛ نوعی تربیع دایره
۷. سال ۳، شمارهٔ ۱ و ۲، مرداد ۱۳۶۹
- دورهٔ دکتری ریاضی پس از دو سال
 - گفتگویی دربارهٔ منطق، مبانی و فلسفهٔ ریاضی
 - گروه‌های ماتیو، محمدرضا درفشه، غلامرضا برادران خسروشاهی
 - آندری نیکولایویچ کولموگوروف، و. م. تیهومیروف، ترجمهٔ محمد باقری
 - قضیهٔ جداسازی ژوردان-برائوئر برای اُبرویه‌های هموار، الون لیما، ترجمهٔ سعید ذاکری
 - سیصد و پنجاهمین سال معادلات دیفرانسیل، گرهارت وانر، ترجمهٔ منوچهر وصال
 - مجموعهٔ کانتور و ترسیم هندسی، مارکو پاؤن، ترجمهٔ علی عمیدی
 - قانون قوی اعداد کوچک، ریچارد گای، ترجمهٔ محمدقاسم وحیدی اصل
 - ریاضیات کاربردی بد ریاضیاتی است، پال هالموس، ترجمهٔ محمدرضا بهاری
 - شکوفا شدن ریاضیات کاربردی در آمریکا، پیتز لکس، ترجمهٔ کورس ضیائی
 - مسأله برای حل، محمدرضا درفشه
 - پنج مسأله از مجلهٔ اینتلیجنسر با حل، مهدی حسینی‌نسب
 - یک درس چند موضوعی در ریاضیات، ایب شیستر، ترجمهٔ سیامک کاظمی
 - فلیکس کلایس و رشد ریاضی در قرن نوزدهم، سیف‌الله رنجبر
 - پنجاه سالگی متمتیکال ریویوز، رابرت بارتل، جین کیستر، ترجمهٔ سیامک کاظمی
 - اخبار و گزارشها: بزرگاری بیست و یکمین کنفرانس ریاضی کشور؛ سمینار بررسی ریاضیات سال اول؛ چهار نفره رهاورد دانش‌آموزان ایرانی از چین؛ کنگرهٔ بین‌المللی ریاضیدانان؛ جایزهٔ کول ۱۹۹۰؛ موسسه جدید ریاضیات در شوروی؛ انجمن تاریخ و فلسفهٔ ریاضیات و فیزیک هانری پوانکاره؛ جایزهٔ تودینگ ۱۹۹۰؛ جایزهٔ یک نمایشنامه نویس؛ گزارشی از نخستین کنگرهٔ منطق
۸. سال ۳، شمارهٔ ۳، آذر ۱۳۶۹
- فرصتی از دست رفته، نشر ریاضی
 - ریاضیات سال اول: ریاضیات سال اول، هم آسان و هم دشوار (جواد بهبودیان)؛ عوامل ناخوشایندی تدریس ریاضیات عمومی (علی رجالی)؛ ریاضیات عمومی برای رشتهٔ ریاضی بی‌معناست (احمد شفیعی ده آباد)؛ ریاضیات عمومی برای رشتهٔ ریاضی لازم است (سیاوش شهشانی)
 - نگاهی اجمالی به نظریهٔ خمینه‌های سه‌بعدی، ابوالقاسم لاله

- وقتی که شبه نرمال بودن بر نرمال بودن دلالت می‌کند، دین هیکرس، شرمین استاین، کینا پاماکونا، ترجمه طیبه کوچک‌پور
- رامانوجان، بروس برنت، ترجمه کورس ضیائی، محمد باقری
- تاریخچه موضوعی کوتاهی از نظریه همولوژی و هموتوپیی در قرن بیستم، پیتر هیلتن، ترجمه سعید ذاکری
- ویروسهای کامپیوتری: قطری کردن و نقاط ثابت، ویلیام داوولینگ، ترجمه غلامرضا بیات
- گروهها و گرافها، پال شوپ، ترجمه کامبیز محمودیان
- مسأله برای حل، محمدرضا درفشه
- «صورت ساده» قضیه دو جمله‌ای در چه هیأت‌هایی برقرار است؟، دیوید دابن، ترجمه علیرضا جمالی
- برخی از قاعده‌های نگارش متنهای ریاضی
- اصلاح حساب دیفرانسیل و انتگرال، موری پرانز، ترجمه سیامک کاظمی
- اخبار و گزارشها: پنجمین سمینار آنالیز؛ بیست و یکمین کنگره بین‌المللی ریاضیدانان؛ برندگان مدال فیلدز؛ برنده جایزه نوانلینا؛ درگذشت دمتری فادیف؛ بازسازی ریاضیات در آمریکا؛ مایکل اتیا و مؤسسه ریاضی نیوتن؛ دبیران اولین جایزه آستروسکی را برد؛ اعطای جایزه دالامبر به یک تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی؛ تجزیه عدد نهم فرما
- فهرست الفبایی مطالب سال دوم و سوم
- ۹. سال ۴، شماره ۱ و ۲، مرداد ۱۳۷۰
- چشم‌انداز دهه ۷۰
- ماشینهای متفکر: مناظره ژان پیر شانژو و آلن کُن، ترجمه احمد شفیع‌ی ده آباد
- در پیرامون مسأله زیرفضاهای پایا، حیدر رجوی
- آنالیز مختلط و نظریه عملگرها، کریم صدیقی
- صد سالگی اتحادیه ریاضیدانان آلمان، فردریش هیر تسبروخ، ترجمه سیامک کاظمی
- دوئل‌کننده و هیولا، یان استیوارت، ترجمه علیرضا جمالی
- همبندی و حلقه‌های دود، تامس آرچیبالد، ترجمه امیر اکبری مجد آبادنو
- ایده‌های کومر در مورد آخرین قضیه فرما، پائولو ریننبوم، ترجمه مهدی مجیدی ذولبنین
- اعداد «مناسب» لئونهارت اوپلر، گونترو فرای، ترجمه کریم احمدی دلیر
- عصر جدید منطق، ضیاء موحد
- تجربه ریاضی، فیلیپ دیویس، روبین هرش، ترجمه رضا کرمی
- اخبار و گزارشها: بیست و دومین کنفرانس ریاضی کشور؛ موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیاد ریاضی؛ کنفرانس بین‌المللی ریاضیات کاربردی؛ نمایشگاه بین‌المللی کتاب؛ درگذشت دُرّام؛ جایزه‌های وبلن ۱۹۹۰؛ درگذشت مارشال هال؛ تأسیس انجمن ریاضی اروپا؛ مرکز مطالعات نظری پراگ
- دیدگاه: ریاضیات عمومی، مشکلی دیرپای (هوشنگ شکرانیان)؛ قطع سهمیه ارزی دانشجویان دوره کارشناسی برای خرید کتاب و مجله (کاوه لاجوردی)؛ «پدیده هشترودی» تکرار شدنی نیست (سیاوش شهشانی)؛ آیا هنوز هم باید درگذشتگان را از گورشان بیرون کشید و شلاق زد؟ (م. ه. شفیع‌ی)
- ۱۰. سال ۴، شماره ۳، مهر ۱۳۷۱
- تدابیر داهیانیه
- رشد ریاضیات در جهان سوم: تجربه برزیل
- رویه‌های مینیمال، سید محمد باقر کاشانی
- بعدفضای برداری و بعد گلدی، منصور معتمدی
- آینده ریاضیات در روسیه، ترجمه سیامک کاظمی
- مهره‌ها، توپها و دیوارها: تحلیل یک بازی ترکیبیاتی، ریچارد اندرسن، جوئل اسپنر، شوئل وینوگراد، پیتر شور، لاسلو لواش، اوا تاردوش، ترجمه محمدصادق منتخب

- تحلیلی از روشهای مرتب کردن، جاناتان آمستردام، ترجمه سید غلامرضا پناهی
- صد مسأله از آرنولد، ترجمه علی عمیدی
- مجله‌های ریاضی جهان و کتابخانه‌های ریاضی ایران، سیاوش شهشانی
- شرف‌الدین طوسی و مفهوم مشتق، رشدی راشد، ترجمه م. ه. شفیعیا
- اخبار و گزارشها: بیست و سومین کنفرانس ریاضی کشور؛ دوره سیستمهای دینامیکی؛ مسابقه ریاضی دانشجویی؛ مسابقه ریاضی فرهنگستان علوم؛ المپیادهای ریاضی و کشور؛ جایزه جبر کول در ۱۹۹۲؛ جایزه تورینگ در ۱۹۹۱؛ جایزه کیوتو در ۱۹۹۱؛ سرپرست جدید گروه ریاضی مرکز بین‌المللی فیزیک نظری؛ سخنان برنده جایزه مایورانا (ترجمه سپیده چمن‌آرا)
- دیدگاه: مشکلات دوره کارشناسی ریاضی در دانشگاههای توسعه‌نیافته (هوشنگ شکرانیان)
- ۱۱. سال ۵، شماره ۱ و ۲، آذر ۱۳۷۲
- سرانجام قضیه آخر فرما؟، پتر سوییزتن-دایر
- گزارش: [بدون عنوان]؛ ژان دودونه (۱۹۰۶-۱۹۹۲) (هانری کارتان/منوچهر وصال)؛ مکس زرن (۱۹۰۶-۱۹۹۳)؛ آدولف پاولویچ پوشکویچ (۱۹۰۶-۱۹۹۳)؛ کنگره ریاضی اروپا (م. ه. شفیعیا)؛ بیست‌وچهارمین کنفرانس ریاضی کشور؛ مقام ششم در سی‌وچهارمین المپیاد ریاضی؛ مقام چهارم در المپیاد بین‌المللی کامپیوتر
- ساختار گروهی خمهای درجه سوم، رحیم زارع نهندی
- اثبات حدس تاناما و استنتاج قضیه فرما، کنت ریبت، ترجمه رحیم زارع نهندی
- چند مسأله حل‌نشده در هندسه مسطحه، پیر دلاهارپ، ترجمه علینقی زند
- تعریف آنالیز عددی، لوید ترفتن، ترجمه نظام‌الدین مهدوی امیری
- تمهای الگوریتمی، داندل کنوشا، ترجمه ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ
- دستاوردهای پژوهشهای اخیر در ریاضیات (۱)
- نظریه گره‌ها و مکانیک آماری، وان جونز، ترجمه روزبه توسرکانی
- چند پرسش از آرنولد، میشل اودن، پاتریک ایگلزیاس، ترجمه یوسف امیرارجمند
- گفتگو با یاکوب سینایی، یحیی تابش
- سنت همگانی‌سازی ریاضیات در روسیه: گذشته و حال، آ. ب. مویسنسکی، ترجمه سیامک کاظمی
- مسأله برای حل، محمدرضا درفشه
- مسائل امتحانی دانشگاه مسکو، ترجمه سیامک کاظمی
- بورپاکی به روایت آندره ویل، آندره ویل، ترجمه عطاءالله تقاء
- دیدگاه: از تُنک جامی ما میکده رسوا گردید (احمد شفیع ده‌آباد)
- ۱۲. سال ۶، شماره ۱ و ۲، دی ۱۳۷۳
- گزارش: [بدون عنوان]؛ کنگره بین‌المللی ریاضیدانان؛ سی‌وپنجمین المپیاد بین‌المللی ریاضی؛ اولین المپیاد ریاضی اکو؛ درگذشت کلی‌نی؛ درگذشت ژرژ ریب؛ درگذشت کوریا؛ جوایز بنیاد اسلون؛ اعطای جایزه نوبل اقتصاد به یک ریاضیدان
- خمینه‌های چهاربعدی، سید محمد باقر کاشانی
- «ریاضیات نظری»: تلفیق منتهای فیزیک نظری و ریاضیات، آرتور جفی، فرنک کوبین، ترجمه سیامک کاظمی
- اصول موضوع عددهای اصلی بزرگ، و استقلال: نگاهی دوباره به مسأله پیوستار، و. هیو وودین، ترجمه عطاءالله تقاء
- سوفوس لی، سیگور دور هلگاسون، ترجمه تقی یزدانبخش
- دستاوردهای پژوهشهای اخیر در ریاضیات (۲)
- یانگ و ریاضیات معاصر، دیانزو ژانگ، ترجمه مجید حسینی
- مسأله برای حل، محمدرضا درفشه

- کنفرانس بیست و پنجم: دادوستد اندیشه (محمد باقری)؛ شاید دفعه آینده (رامین تکلوییغش)؛ انتظارات اهل علم و موعظه مقامات (حمیدرضا طاهری)؛ نگاهی از حاشیه به میانه (کوروش علیانی)؛ از دیدگاه یک دانشجوی سابق (سعید قهرمانی)؛ ... و آن برای شما بهتر است (کاوه لاجوردی)
- دیدگاه: مناسبترین افراد برای ترجمه آثار ریاضی چه کسانی هستند؟ (علی کافی)
- ۱۳. سال ۷، شماره ۱، آبان ۱۳۷۴
- گزارش: [بدون عنوان] (سیاوش شهشپانی)؛ درگذشت چرچ (کاوه لاجوردی)؛ درگذشت دکتر قینی؛ اهدای جایزه به کاکستر؛ بیست و ششمین کنفرانس ریاضی کشور؛ سی و ششمین المپیاد ریاضی
- موجنگاشتها با نگاهشهای همساز خمینه‌های لورنتسی، ع. شادی تحویلدار زاده
- گزارشی از اتصال ایران به شبکه‌های کامپیوتری جهانی، ابراهیم تقیب‌زاده مشایخ
- زوال غریب‌الوقوع مجلات تحقیقی چاپی: فقدان مصیبت‌بار یا خلاصی مسرت‌انگیز؟، اندرو ادلیزکو، ترجمه تقی یزدانبخش
- برخی کاربردهای توپولوژی در جبر، هاینتس هویف، ترجمه مهدی مجیدی ذوالبنین
- قضیه کرکیارتو درباره همسانریختی‌های دوره‌ای قرص و کره، آورین کنستانتین، بوریس کولف، ترجمه شهرام محسنی‌پور
- بیابید فلسفه ریاضی تدریس کنیم!، روبن هرش، ترجمه محمدصالح مصلحیان، بهزاد بوستانچی
- دو شکل در صفحه هذلولوی، ریفل رابینسن، ترجمه خداداد خسروی
- شگردهای آشنا و ناآشنا، بهرنگ نوحی
- گوشه‌هایی از «گوشه‌ها»، الهه خیر اندیش
- دیدگاه: سه نظر درباره درس مبانی ریاضیات: این همه تکرارِ نالازم (احمد شفیعی ده آباد)؛ تفکر منطقی را نمی‌توان با مطالعه منطق آموخت (هوشنگ شکرانیان)؛ بهشت کانتور و برزخ «مبانی» (کاوه لاجوردی)
- ۱۴. سال ۷، شماره ۲، مرداد ۱۳۷۵
- گزارش: [بدون عنوان]؛ جایزه ویلن (سیاوش شهشپانی)؛ کسب رتبه نهم در المپیاد بین‌المللی ریاضی؛ احراز رتبه هشتم در المپیاد بین‌المللی کامپیوتر (یحیی تابش)؛ مصاحبه با دیوید مامفرد، رئیس اتحادیه بین‌المللی ریاضیدانان
- وقتی بیضی‌ها دایره به نظر می‌رسند: صورت نظریه اندازه‌ای قضیه نگاشت ریمان، سعید ذاکری، محمود زینلیان
- دو مسئله الگوریتمی، برونو پوازا، ترجمه یوسف امیرارجمند
- ریاضیدان فیلسوف: هانس هان و حلقه وین، کارل زیگموند، ترجمه سیامک کاظمی
- آیا می‌توان شکل طبل را شنید؟، مارک کاتس، ترجمه مجید حسینی
- طبل‌های همصدا، جان‌اتان چپمن، ترجمه مجید حسینی
- بیستمین مسابقه ریاضی دانشجویان، یحیی تابش
- مسأله برای حل، یحیی تابش
- واقعگرایی در ریاضیات، موریس هرش، ترجمه شاپور اعتماد
- منطق و ساخت، محمد اردشیر
- مسأله کاپلانسکی، تامس یخ، ترجمه کاوه لاجوردی
- چند کاربرد منطق در جبر، اولریخ فنگتر، ترجمه کاوه لاجوردی
- ۱۵. سال ۸، شماره ۱، اسفند ۱۳۷۵
- گزارش: درگذشت چند ریاضیدان نامدار؛ تأسیس مؤسسه جدید ماکس پلانک در آلمان؛ جایزه کیوتو؛ جایزه پولیا؛ نخستین کنفرانس آموزش ریاضی
- مفهوم رشد در گروه‌ها، محمد جلواری ممقانی
- دریچه‌ای به حلقه‌های تقسیم، سعید اکبری

- اثباتی مقدماتی از قضیه اعداد اول، نورمن لوینسن، ترجمه محمدصادق منتخب
 - نیوتن دقیقاً چگونه مدارهای سیارات را بررسی کرد؟، شرمن استاین، ترجمه ابوالقاسم لاله
 - نگاهی به ریاضیات اسلامی در اسپانیای دوره اسلامی، یان پیتر هوخندایک، ترجمه محمد باقری
 - بعضی از مسأله‌های محبوب من، پال اردوش، ترجمه سیامک کاظمی
 - مسأله برای حل، یحیی تابش
 - تابع زتای ریمان، پیتر سرنگ، ترجمه کورش علیانی
 - مسأله دهم هیلبرت، مجتبی منیری
 - مسأله ریمان-هیلبرت، هلموت رورل، ترجمه رضا چمن‌آرا
 - شبه‌بلورها و هندسه، چارلز ریدین، ترجمه مهدی مجیدی ذوالبنین
 - دیدگاه: باز هم درباره درس مبانی ریاضیات (مرتضی منیری)؛ امیداد، اعزام دانشجو و فرار مغزها (سیاوش شهشانی)
۱۶. سال ۸، شماره ۲، مهر ۱۳۷۶
- در دفاع از امیداد، یحیی تابش، سیاوش شهشانی، امیدعلی کرمزاده
 - روشهای احتمالاتی در بررسی سیالات، فریدون رضاخانلو
 - چند مسأله قدیمی و نتیجه تازه در مورد فرمهای درجه دوم، ویلیام دوک، ترجمه مهدی مجیدی ذوالبنین
 - بررسی انحنای و شکل از طریق هندسه مقایسه‌ای، استین مارک‌ورسن، ترجمه اسدالله رضوی
 - مجادله در مبانی آمار، بردلی افرون، ترجمه علی عمیدی
 - مرگ بر دترمینان!؛ شلدن السکر، ترجمه روح‌الله جهانی‌پور
 - زنده باد دترمینان!؛ سیاوش شهشانی، احمد شفیع‌ده آباد
 - شبکه و ریاضیات، یحیی تابش
 - ریاضیات و اینترنت، پل دیویس، ترجمه میلاد نیکویی
 - مسأله
 - نگارش ریاضیات: الف، ب، پ، کاوه لاجوردی
 - ریاضیات: علم الگوها، هنری پولاک، ترجمه سیامک کاظمی
 - نگاره مدلهای، جان بالدوین، ترجمه کاوه لاجوردی
 - نظریه نوین دستگاههای دینامیکی، فلورس تاکنسن، ترجمه سپیده چمن‌آرا
۱۷. سال ۹، شماره ۱، اسفند ۱۳۷۶
- گزارش: سال جهانی ریاضیات؛ کنگره بین‌المللی ریاضیدانان، برلین، ۱۹۹۸؛ سموتل ایلنبرگ (۱۹۱۳-۱۹۹۸)؛ ویژه‌نامه براور (سیاوش شهشانی)
 - شهودگرایی براوری، محمد اردشیر
 - براور و توپولوژی، دیرک وان دالن، ترجمه ابوالقاسم لاله
 - شهودگرایی و صورتگرایی، لوئیتزن اخبرتوس یان براور، ترجمه محمد اردشیر
 - جدال موش و قورباغه: بحران ماتماتیکه آنالن، دیرک وان دالن، ترجمه سیامک کاظمی
 - یکتایی تجزیه، پیر ساموئل، ترجمه روشن تجرد، روزبه حضرت
 - اشطباهات، والتر رودین، ترجمه آرمان بهرامیان
 - چند مسأله از کتاب محفل ریاضی (تجربه روسی)، ترجمه یحیی تابش
 - دو نقد درباره کتاب شهودگرایی براور: نقد اول، کریگ اسمورنیسکی، ترجمه کاوه لاجوردی "نقد دوم، ویم رویتنبرگ، ترجمه بردیا حسام
 - منابع کتاب جبر نوین من، بارتل وان در وردن، ترجمه مهدی مجیدی ذوالبنین
 - درباره ترجمه‌ای از مقدمه‌ای به فلسفه ریاضی، کاوه لاجوردی
 - دیدگاه: جبر هومولوژیک یا بازی موش و پنیر، سیامک یاسمی

۱۸. سال ۹، شماره ۲، شهریور ۱۳۷۷
- گزارش: المپیاد ۲۹؛ آندره ویل؛ فیلدز؛ نوانلینا، و لوح نقره‌ای (یحیی تابش)؛ ما و رفتگان آخر زمستان (کاوه لاجوردی)
 - مبانی ریاضی هندسه ناجابجایی، ویدا میلانی
 - هندسه ناجابجایی و فیزیک، کامران کاویانی
 - قضیه فوبینی نقش بر آب می‌شود (!): مثال پارادوکس گونه کاتوک در نظریه اندازه، جان میلنر، ترجمه روح‌الله جهانی‌پور
 - درآمدی بر آنتروپی و قانون دوم ترمودینامیک، الیوت لیب، یاکوب اونگواسون، ترجمه هادی جرنتی
 - روشهای هومولوژیک در جبر جابجایی، سیامک یاسمی
 - پژوهشهای اخیر پیرامون تاریخ ریاضیات و نجوم در تمدن اسلامی (قرنهای دوم تا نهم هجری)، یان پ. هونخدایک، ترجمه محمد باقری
 - ۲ کتاب، یحیی تابش
 - سیر و سفری در جهان اعداد، سیاوش شهشانی
 - دیدگاه: در دفاع از «ریاضی‌نویسی»، هادی جرنتی
 - فهرست جامع نشر ریاضی ۱۳۶۷-۷۶، بنیامین کاویانی
۱۹. سال ۱۰، شماره ۱، اسفند ۱۳۷۷
- گفتگویی با یوری منین: اثبات خوب اثباتی است که بر آگاهی ما بیفزاید، مارتین آینگنر، راسکو اشمیت، ترجمه سیامک کاظمی
 - حساب دقیق حقیقی چیست؟، عباس عدالت
 - ابرویه‌های فضای هذلولوی، سید محمد باقر کاشانی
 - صد سال نمایش گروه‌های متناهی (بخش I)، ت. ی. لم، ترجمه علیرضا جمالی
 - صدق ریاضی، پال بناسراف، ترجمه ضیاء موحد
 - سنت پر بار حل معادله، جری کزدان، ترجمه مهدی مجیدی ذوالبنین
 - سمونل آیلنبرگ (۱۹۱۳-۱۹۹۸)، ساندرز مک لین، پیتر فراید، ترجمه بیژن محبی، عطالله تقا
 - گزارشی از بحران مجله‌های پژوهشی ریاضی، سیاوش شهشانی
 - پنجاه و نهمین مسابقه پاتنام، کیوان ملاحی کارآی
 - نظریه مقدماتی برهان، محمد اردشیر
 - توپولوژی و هندسه سه بعدی، رابرت گرین، ترجمه محمد جلوداری مققانی
۲۰. سال ۱۰، شماره ۲، شهریور ۱۳۷۸
- گزارش: [بدون عنوان] (سیاوش شهشانی)؛ اعطای جایزه آرمان بهرامیان؛ چهلمین المپیاد بین‌المللی ریاضی؛ ششمین مسابقه ریاضی بین‌المللی دانشجویی (یحیی تابش)؛ آندره لیشرویچ (۱۹۱۵-۱۹۹۸)
 - ریاضیات تپه‌های شنی، فریدون رضاخانلو
 - گرایشهای موجود در فلسفه ریاضیات، حمید وحید
 - احتمال هندسی، جیان کارلو روتا، ترجمه شیوا زمانی
 - پیشرفتهایی در دینامیک آشوبناک، لای-سانگ یانگ، ترجمه هادی جرنتی
 - نظریه ریاضی مخابرات، کلود شائن، ترجمه هرمز شهرزاد
 - صد سال نمایش گروههای متناهی (بخش II)، ت. ی. لم، ترجمه علیرضا جمالی
 - خاموشی مستدام بورباکی: مصاحبه‌ای با پیر کارنیه (۱۸ ژوئن ۱۹۹۷)، مارجرى سنچال، ترجمه نفیسه کسروی
 - پایگاههای اطلاعاتی حل مسأله، یحیی تابش
 - طبیعی‌گرایی در ریاضیات، باب هیل، ترجمه احمرضا طاهری

۲۱. سال ۱۱، شماره ۱، اسفند ۱۳۷۸

- گزارش: یورگن موزر؛ نیتان جیکوبسن (سیاوش شهشانی): قدردانی
- خروشوفسکی و حدس زیلبر، سید محمد باقری
- مجسم‌سازی ریاضیات: راهی به سوی یک کاوشکده ریاضی، ریچارد پله، ترجمه سید علی کتان‌فروش
- تأثیر اینترنت بر ریاضیات، والتر ویلینجر، ورن پاکسن، ترجمه افرا علیشاهی
- سیر تکامل مفهوم انتگرال، هانری لیگ، ترجمه رامتین گلبنانگ
- ریاضیات در سیاره‌ای دوردست، ریچارد همینگ، ترجمه سیامک کاظمی
- آیا ریاضیات ما طبیعی است؟ بررسی موردی مکانیک آماری تعادل، داوید روئل، ترجمه احمدرضا طاهری
- عدد بسته صورت چیست؟، تیموتی چاو، ترجمه عبدالحسین امینی
- روشمندی یا جادوگری؟، ایمان افتخاری
- عارف، هندسه‌دان و شهودگرا، محمد اردشیر
- موضوعی بلاشی، چارلز پارسونز، ترجمه محمد اردشیر
- دیدگاه: درباره حرفهای همینگ (کاوه لاجوردی)؛ همینگ، روئل، و سیاره دوردست (سیاوش شهشانی)

۲۲. سال ۱۱، شماره ۲، مهر ۱۳۷۹

- گزارش: جان باروایز (۱۹۴۲-۲۰۰۰)؛ جوایز مؤسسه کلی به مناسبت هزاره؛ چالشهای ریاضی در قرن ۲۱؛ نگاهی به سی‌ویکمین کنفرانس ریاضی ایران؛ گزارش (رحیم زارع‌نهندی)
- تابع زتا و ماتریسهای تصادفی، مهرداد شهشانی
- شبه تصادفی بودن، اوت گلد رایش، ترجمه محمدقاسم وحیدی
- آیا ریاضیات به اصول موضوع جدید نیاز دارد؟، سالومون فقرمن، ترجمه هاله المعی
- دو نقطه عطف در قضیه ناورداها، جیان کارلو روتا، ترجمه شهرام محسنی‌پور
- تصویرهای ترکیبیاتی، جیان کارلو روتا، ترجمه روزبه توسرکانی
- آیا منظومه شمسی پایدار است؟، یورگن موزر، ترجمه روح‌الله جهانی‌پور
- مسأله‌هایی از کتاب اسکاتلندی، کیوان ملاحی کارآی
- نقد ۳۲ کتاب مهم قرن
- دیدگاه: ریاضیاتی خوب با فلسفه‌ای بد، محمد اردشیر

۲۳. سال ۱۲، شماره ۱ و ۲، شهریور ۱۳۸۰

- گزارش: جایزه کرافورد؛ جایزه ولف؛ جایزه ویلن (سیاوش شهشانی)؛ درگذشت کواین (کاوه لاجوردی)
- نظریه زایبرگ-ویتن چیست؟، پدram صفری
- کارآیی نامعقول ریاضیات در زیست‌شناسی مولکولی، آرنز لسک، ترجمه افرا علیشاهی
- سیر پیدایش دقت در احتمال ریاضی (۱۹۰۰-۱۹۵۰)، جوزف دوب، ترجمه عطاالله تقاء
- ملاحظات معناشناختی در منطق وجهی، سول کریپیکی، ترجمه کاوه لاجوردی
- ریاضیات، آمار و تدریس، جورج کاپ، دیوید مور، ترجمه مجتبی گنجعلی، محمدقاسم وحیدی اصل
- نسبت خاص به انضمام شتاب، گری هلزر، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی
- اتحادهایی درمینانی و کاربرد آن‌ها، رحیم زارع نهندی
- مسأله یا نظریه، مریم میرزاخانی
- ریاضیات چیست؟، سیاوش شهشانی
- نقد کتاب آنالیز مختلط: نگرش هندسی، سعید ذاکری
- فرار ریاضیات منطق فازی، فرانسیس جفری پله تیر، ترجمه سیامک کاظمی
- نقد کتاب گزیده آثار ایلس کولچین، اندی مجید، ترجمه شهرام محسنی‌پور

۲۴. سال ۱۳، شماره ۱، فروردین ۱۳۸۱

- گزارش: جایزه آبل؛ کنگره بین‌المللی ریاضیدانان؛ ابوالقاسم قربانی (۱۲۹۰-۱۳۸۰)؛ عدد اول جدید؛ «ذهن

زیبا»

- مدل کره‌های سخت و سه حدس، فریدون رضاخانلو
- طلوع عصر روشهای تصادفی، دیوید مامفرد، ترجمه شاپور اعتماد
- حال و آینده فیزیک ریاضی، هانری پوانکاره، ترجمه یوسف صمدی علی‌آبادی
- سه مصاحبه (ادرین دووادی، میخائیل گروموف، فریدریش هیرتسبروخ)، رمی لانژون، ترجمه یوسف امیرارجمند، پدram صفری، سارا روحانی
- بولتسانو، کوشی، اپسیلن، دلتا، والتر فشر، ترجمه سیامک کاظمی
- چند مسأله دیگر...، کسری علیشاهی
- نظریه مجموعه‌ها، کاوه لاجوردی
- کتاب اثبات، کیوان ملایحی کارآی

۲۵. سال ۱۳، شماره ۲، مهر ۱۳۸۱

- گزارش: رنه توم (۱۹۲۳-۲۰۰۲)؛ لئوپولد ویتورس (۱۸۹۱-۲۰۰۲)؛ جایزه کیوتو (سیاوش شهشمانی)؛ مسأله اول بودن یک مسأله P است؛ برندگان مدال فیلدز و جایزه نوانلینا در سال ۲۰۰۲؛ مدال کانتور (حسن حقیقی)؛ سخنرانیهای کامران وفا در ایران (پدram صفری)
- نظری به همولوژی دوری ناورد، مسعود خلخالی
- دوره دکتری، میزگرد، اقتراح، و باقی قضایا، سیاوش شهشمانی
- احتمال روی گروه‌ها: قدم زدن تصادفی و پخش ناورد، لوران سلف-کاست، ترجمه آرش فهیم
- فرضیه پوستانا، بخش I ، هیو وودین، ترجمه نفیسه کسروی
- توپولوژی جبری و عملگرهای بیضوی، مایکل ایتا، ترجمه رضا رضا زادگان
- آنالیز با پرتاب سکه، دانیل استروک، ترجمه روح‌الله جهانی‌پور
- یادگیری و یاددهی ریاضیات در سطح دانشگاه، مسأله اساسی تحقیقات نوین در زمینه آموزش، میشل آرتیک، ترجمه سپیده چمن‌آرا
- چگونه می‌توان مسأله طرح کرد؟، امید نقشینه ارجمند
- دنیا از نگاه «ذهنی زیبا»، پدram صفری

۲۶. سال ۱۴، شماره ۱، مهر ۱۳۸۲

- گزارش: اعطای اولین جایزه آبل به ژان پیر سر (حسن حقیقی)؛ داند کاکستر (۱۹۰۷-۲۰۰۳)؛ شایعه اثبات حدس پوانکاره (سیاوش شهشمانی)؛ آرمان بورل (۱۹۲۳-۲۰۰۳)؛ جایزه شاو (پدram صفری)؛ تک بیست و پنج ساله شد (حسن حقیقی)؛ بزرگداشت بورباکی (سیاوش شهشمانی)
- ژان پیر سر و نظریه اعداد، فریدون شهیدی
- اول بودن یک مسأله P است، حسن حقیقی
- نشر الکترونیک، پدram صفری
- میراث آبل در هندسه جبری، فیلیپ گریفیث، ترجمه حمید هزاری
- علوم آماری: تحول، محرکها و جهت‌گیری‌ها، پیتر هال، ترجمه روح‌الله جهانی‌پور
- توپولوژی و جبر مجرد: دو رهیافت به درک ریاضی، هرمان وایل، ترجمه حمیدرضا طاهری
- گرایشهای محتمل در ریاضیات در دهه‌های آینده، میخائیل گروموف
- ماجرای یک مسأله، کسری علیشاهی، سید رضا مقدسی
- ریاضیات و استعاره: چرا علوم شناختی برای ریاضیات اهمیت دارد؟، جورج لاکوف، رافائل تونز، ترجمه هاله المعی؛ ریاضیات جسم بنیاد، جوزف اوسلاندر، ترجمه حسین خسروی؛ ریاضیات در ۳۷ درجه، جان الن پاولوس، ترجمه حسین خسروی

۲۷. سال ۱۴، شماره ۲، مرداد ۱۳۸۳

- گزارش: اهدای جایزه آبل به ایتا و سینگر؛ جوزف دوب (۱۹۱۰-۲۰۰۴) (حسن حقیقی)؛ پروژه تاریخ شفاهی

- ریاضیات پرریستن در دهه ۳۰ (پدرام صفری)؛ بزرگداشت صدسالگی هانری کارتان (سیاوش شهشانهی)؛ آرزوی تندرستی؛ یادی از دوست؛ درباره قضیه شاخص ایتا-سینگر (سید ابراهیم اکرمی)
- برخی مسائل حل نشده کلاسیک در نظریه اعداد، میشل والدشمیت، ترجمه مریم رفیع، کامبیز محمودیان
 - گروههای کاکستر، محمد جلوداری مقانی
 - به سوی حدس پوانکاره و رده بندی ۳-خمینه ها، جان میلز، ترجمه پدرام صفری
 - آشنایی با الگوریتمهای کوانتومی، پیتر شور، ترجمه الهام کاشفی
 - عصب شناسی محاسباتی: ریاضیات بیشتری برای شناخت مغز انسان لازم است، اریک دی شوتر، ترجمه بکتاش بابادی
 - گفت‌وگو با ژان پیر سر، مارتین راوسن، کریستین اسکنو، ترجمه سیامک کاظمی
 - عکس نتایج را باید برعکس درگذشتگان در بیابیم!، امیدعلی کرمزاده
 - مکانبات: فرگه-هیلمبرت، ترجمه سیاوش شهشانهی؛ اینشتین-کارتان، ترجمه مسعود خلخالی؛ سر-گروتندیک، میشل رینو، ترجمه حسن حقیقی
۲۸. سال ۱۵، شماره ۱، اسفند ۱۳۸۳
- گزارش: جوایز گوناگون ریاضی در سال ۲۰۰۵؛ یادی از چهار ریاضیدان
 - پیشرفتهای اخیر در ترکیببات جبری، ریچارد استنلی، ترجمه رشید زارع نهندی
 - ریاضیات تجربی: تحولات اخیر و چشم‌انداز از آینده، دیوید بیلی، جاناتان یو رواین، ترجمه سید عباس موسوی
 - احتمال وقوع زلزله چیست؟، دیوید فریدمن، فیلیپ استارک، ترجمه فرهاد شکوهی، محمدقاسم وحیدی اصل
 - فلسفه آمار (۱)، دنیس لیندی، ترجمه حمید پزشکی
 - حرف K، داندل کنوٹ، ترجمه شکوفه شفیعی ابراهیمی
 - تعمیم قضیه‌ای از گاوس به گروههای متناهی، محمدرضا پورنکی
 - دو مقاله از یک مجموعه: درباره تعداد رئوس چندبرهای صحیح، لوران بوناورو، ترجمه علیرضا بحرینی؛ گرافهایی با کمترین بزرگ، آلن والت، ترجمه یوسف امیرارجمند
۲۹. سال ۱۵، شماره ۲، سال ۱۶، شماره ۱، آذر ۱۳۸۵
- گزارش: عذر تأخیر؛ قدردانی (نشر ریاضی)؛ جوایز کنگره بین المللی ریاضیدانان (۲۰۰۶) (حسن حقیقی)؛ جایزه کیوتر (محمدقاسم وحیدی)
 - سرنوشت خمینه‌ها، سیلویا نسر، دیوید گروبر، ترجمه سیامک کاظمی
 - وضعیت رده بندی گروه‌های ساده متناهی، مایکل اشباخر، ترجمه علیرضا جمالی
 - نقش جبر در ریاضیات کاربردی چیست؟، دیوید کاکس، ترجمه محمد مهدی ابراهیمی
 - ماجرای یک روز عجیب: از گروتندیک تا کن و گنتسویچ: تحول مفاهیم فضا و تقارن، پیر کارنیه، ترجمه حسن حقیقی
 - دستگاههای دینامیکی: ورود به قرن بیست و یکم، مارسلو ویانا، ترجمه محمد جلوداری مقانی
 - ماتریس تصادفی چیست؟، پرسی دایا کونیس، ترجمه حمیده داریوش همدانی
 - فلسفه آمار (۲)، دنیس لیندلی، ترجمه حمید پزشکی
 - منطق اثبات پذیری، وینیسلاف اشویدار، ترجمه مرتضی منیری
 - حل جبری یک معادله تابعی: جوابهای پیوسته معادله تابعی $f(x+y) + f(x-y) = 2f(x)f(y)$ ، تی. ام. فلت، درباره معادله تابعی $f(x+y) + f(x-y) = 2f(x)f(y)$ ، پی. ال. کاناپان؛ مسئله مثلثاتی کلی، پی. ال. کاناپان (ترجمه حسن حقیقی)
 - منطق ریاضی، مسعود پورمهدیان
 - نظریه احتمال: منطق علم، ویلیام فریس، ترجمه محمدرضا مشکانی
۳۰. سال ۱۶، شماره ۲، مهر ۱۳۸۶

• گزارش: سیصدمین سالگرد تولد اوایلر؛ آتله سلبرگ (۱۹۱۷-۲۰۰۷)؛ وارادان، برندهٔ جایزهٔ آبل ۲۰۰۷؛ محمد سوسیسی (۱۹۱۵-۲۰۰۷)؛ برگزارسی و هشتمین کنفرانس ریاضی ایران (محمد جلوداری ممقانی)؛ مصاحبه با چند تن از برندگان فیلدز ۲۰۰۶، ویسنه مونیوس، اولف پرسون؛ آندری آکونکوف (ترجمهٔ حسن حقیقی)؛ ترنس تائو (ترجمهٔ علیرضا جمالی)؛ ونده لین ورنه (ترجمهٔ محمدقاسم وحیدی)؛ تأملی در جوایز هزارهٔ کلی، آناتولی ورشیک (ترجمهٔ فائزه محبی)؛ یاد استاد، سیامک کاظمی

• ریاضیات مالی و مدیریت مخاطره، حسن نجومی
• رد پای توپولوژی در کارخانه، آرون آبرامز، رابرت گریست، ترجمهٔ حسن حقیقی
• ریاضیات خوب چیست؟، ترنس تائو، ترجمهٔ سیامک کاظمی
• ریاضیات نظریهٔ ریسمان، روبرت دایگرف، ترجمهٔ ویدا میلانی
• تاریخ یا میراث؟ تمایزی مهم در ریاضیات و برای آموزش ریاضی، ایوار گراتن-گینس، ترجمهٔ سیامک کاظمی

• رویکرد نظریهٔ گروهی به یک دستور مشهور افراز، مایکل گریدی، ترجمهٔ علیرضا جمالی
• یانوش بویویی، هندسهٔ ناقلیدسی، و ماهیت فضا، رابرت آسرم، ترجمهٔ منیره اکبری
• تقارن و هیولا، یکی از بزرگ‌ترین کاوشهای ریاضی، رابرت گریس، ترجمهٔ علیرضا جمالی
• دوست دارم ریاضیدان باشم، پال هالموس، ترجمهٔ محمدقاسم وحیدی اصل

۳۱. سال ۱۷، شمارهٔ ۱، خرداد ۱۳۸۷

• گزارش: جان تامپسون و ژاک تیتس، برندگان جایزهٔ آبل ۲۰۰۸؛ کونستویچ، ویتن؛ برندگان جایزهٔ کرافورد ۲۰۰۸؛ دُلینی، گرفیث، و مامفرد برندگان جایزهٔ ولف ۲۰۰۸؛ کامران وفا، برندهٔ اولین جایزهٔ ریاضی فیزیک لئونارد آیزنباود (ترجمهٔ حسن حقیقی)؛ باز هم تائو؛ محمد مهدی شیخ جباری، سال ریاضیات در آلمان؛ واژگن آوانسیان و کتاب آنالیز او (محمد جلوداری ممقانی)

• قضیهٔ هان-باناخ: تاریخچه و تحولات، لارمن ناریچی، ادوارد بکنشتاین، ترجمهٔ محمد جلوداری ممقانی
• پرکولاسیون چیست؟، هری کِسْتِن، ترجمهٔ محمدقاسم وحیدی اصل
• رمزنگاری، نیل کوبلیتس، ترجمهٔ مونا شکرپیور
• سهم کولموگوروف در مبانی احتمال، ولادیمیر ووک، گلن شیفر، ترجمهٔ عبدالله حسنی جلیلیان
• نگاهی به مسابقات ریاضی دانشجویی کشور، بامداد یاحقی
• استعارهای برای آموزش ریاضی، گرگ مکالم، ترجمهٔ امیرحسین اصغری، زهرا گویا
• نظریهٔ گالوا برای مبتدیان، جان استیلول، ترجمهٔ محمدرضا درفشه
• معرفی و نقد چند کتاب مرجع ریاضی، علیرضا جمالی
• درآمدی بر آنالیز بینهایت اوایلر، جرالده الگرندرمن، ترجمهٔ حسن حقیقی
• دوست دارم ریاضدان باشم، پال هالموس، ترجمهٔ سیامک کاظمی

۳۲. سال ۱۷، شمارهٔ ۲، مهر ۱۳۸۸

• گزارش: چهلمین کنفرانس ریاضی کشور؛ میخائیل گروموف برندهٔ جایزهٔ آبل ۲۰۰۹؛ جایزهٔ استیل برای ریچارد همپلتن؛ دانلدسن و تاویز؛ برندگان جایزهٔ ریاضی شاول ۲۰۰۹؛ اهدای جایزهٔ آلفرد کروب به کاترین بیرینگمن؛ درگذشت کیوشی ایتو (حسن حقیقی)؛ به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد غلامحسین مصاحب (علیرضا جمالی)
• پرندها و قورباغه‌ها، فریمن دایسن، ترجمهٔ هاله المعی
• دو مدل احتمالاتی برای طرحهای هرمی و فاصله‌های زنجیره‌ای، جی. ال. گستورث، پی. کی. باتاچاریا، ترجمهٔ نسا نعمتی، هادی پورمحمدی

• ریاضیات میکروسکوپی دیگر و بهتر برای زیست‌شناسی؛ زیست‌شناسی، فیزیکی دیگر و بهتر برای ریاضیات، جوئل کوهن، ترجمهٔ علی فرازمنده
• اودد شرآم و تحول شرآم-لالر، گونام بهارانی، تی. آر. راماداس، ترجمهٔ سیامک کاظمی
• تمبری سرشار از منطق، یوهان فان بنتام، ترجمهٔ محمدصالح زارع‌پور

- نگاهی به مسابقات ریاضی دانشجویی کشور، بامداد یاحقی
- ارتباطی شگفت‌انگیز بین اعداد فرما و گروه‌های متناهی، کاری فینچ، لنی جونز، ترجمه محمدرضا درفشه
- فلسفه براوتر، محمد صالح زارع‌پور
- مناظره‌ای درباره فلسفه براوتر، کاوه لاجوردی، محمد اردشیر
- دوست دارم ریاضیدان باشم، پاول هالموس، ترجمه محمدقاسم وحیدی اصل
- ۳۳. سال ۱۸، شماره ۱، فروردین ۱۳۸۹
- گزارش: اهدای جایزه ابوالقاسم قربانی به پرویز شهریاری؛ جایزه ۲۰۱۰ ولف؛ اثبات «لم اساسی»؛ ایزراییل مئیسبیویچ گل‌فاند (۱۹۱۳-۲۰۰۹) (حسن حقیقی)؛ اریک لئولیمین (۱۹۱۷-۲۰۰۹)؛ کای لای چانگ (۱۹۱۷-۲۰۰۹) (محمدقاسم وحیدی اصل)؛ ریاضیات و ارتباط‌های آن با علم، فناوری، و جامعه (محمدصال مصلحیان)
- مفهوم گونا در توپولوژی و آنالیز مختلط، فریدریش هیرتسه بروخ، ماتئاس کرک، ترجمه رحیم زارع نهندی
- رهیافتی مقدماتی بر گروه هیولا، کریستوفر سیمونز، ترجمه محمدرضا درفشه
- امی نوتر و پیدایش جبر مجرد، ایزراییل کلاینر، ترجمه علیرضا جمالی
- آمار بسامدگرا به مثابه نظریه استنباط استقرایی، دیپورا جی. مایو، دی. آر. کاکس، ترجمه محمدرضا مشکانی
- آشنایی مقدماتی با نظریه K، مکس کروی، ترجمه علی تقوی، مرضیه شیرانی
- نگاهی به مسابقات ریاضی دانشجویی کشور، بامداد یاحقی
- اصول اقلیدس: پیشگفتار هیث بر ویراست اول متن انگلیسی، ترجمه حسن حقیقی
- سیر اصول در زبانها و تمدنها، جان مرداک، ترجمه حسن حقیقی
- حل مسائل ریاضی: دیدگاه شخصی، لورن لارسن
- دوست دارم ریاضیدان باشم، پال هالموس، ترجمه سیامک کاظمی
- ۳۴. سال ۱۸، شماره ۲، آذر ۱۳۸۹
- گزارش: کنگره بین المللی ریاضیدانان در هند (محمدرضا درفشه)؛ جان تیت برنده جایزه آبل ۲۰۱۰؛ پرلمان جایزه یک میلیون دلاری را هم نپذیرفت (حسن حقیقی)؛ ولادیمیر آرنولد (۱۹۳۷-۲۰۱۰) (سیامک کاظمی)؛ ولتر رودین (۱۹۲۱-۲۰۱۰) (علیرضا جمالی)؛ دیوید بک‌ول (۱۹۱۹-۲۰۱۰) (الهه وحیدی اصل)؛ مارتین گاردنر (۱۹۱۴-۲۰۱۰) (سیامک کاظمی)؛ چهل و یکمین کنفرانس ریاضی کشور (محمد جلوداری ممقانی)؛ دهمین کنفرانس آمار ایران (محمدقاسم وحیدی)؛ یحیی تابش برنده جایزه اردوش؛ یازدهمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران (مانی رضایی)؛ روز جهانی آمار (علی رجالی)
- آشنایی با جبر جابجایی ترکیبیاتی، سیامک یاسمی
- ریاضیات است که ما را انتخاب می‌کند (گفتگو با یوری منین)، میخائیل گل‌فاند، ترجمه سیامک کاظمی
- اندرز به ریاضیدان جوان، ای‌تا، بلوباش، کُن، مک‌داف، سرنک، ترجمه بامداد یاحقی
- روش علمی، روش آماری، و سرعت نور (۱)، آر. جی. مکای، آر. جی. دلبلیو. آفلدُرد، ترجمه الهه وحیدی اصل
- کدهای میله‌ای: تحصیل توپولوژیک داده‌ها، رابرت گریست، ترجمه حسن حقیقی
- جان مایکل همزلی؛ گریزان از انتزاع، شیفته مسائل ملموس، جفری گریمت، دومینیک ولش، ترجمه فرزانه صفوی‌منش
- درسی در جبر مجرد با الهام از تاریخ، ایزراییل کلاینر، ترجمه علیرضا جمالی
- چه وقتی یک گروه می‌تواند اجتماعی از زیر گروه‌های نرمال سره باشد؟، میربهار گاوا، ترجمه سهیل برادران
- چند مسأله برای حل، محمدرضا درفشه؛ مسأله‌ای به همراه حل، علیرضا جمالی
- همراه‌نامه ریاضی پریستن، سایمن داندلسن، گیل کالای، ترجمه سیامک کاظمی
- دوست دارم ریاضیدان باشم، پال هالموس، ترجمه محمدقاسم وحیدی اصل
- ۳۵. سال ۱۹، شماره ۱ و ۲، تیر ۱۳۹۰
- گزارش: سومین کنفرانس و کارگاه نظریه گروه‌ها (علیرضا جمالی)؛ جان میلنر، برنده جایزه آبل ۲۰۱۱ (سیامک کاظمی)؛ جایزه دوب ۲۰۱۱ (محمدقاسم وحیدی)؛ جایزه اوتو نوگر باوئر در تاریخ ریاضی؛ دیوید مامفرد و نشان

- ملی علوم (سیامک کاظمی)؛ قانون تقابل مربعی، زمینه‌ساز نظریه‌هایی جدید در ریاضیات (حسن حقیقی)
- تقابل مربعی در یک گروه متناهی، ویلیام دوک، کیمبرلی هاپکینز، ترجمه محمدرضا درفشه
- تحقیق ریاضی چگونه انجام می‌شود؟، مایکل اینا، ترجمه امیرحسین اصغری
- ریاضیدان ایده‌آل، فیلیپ دیویس، روبن هرش، النا مارچیسوتو، ترجمه کاوه لاجوردی
- مسأله‌های جاری فیزیک ریاضیاتی: سهم اولیه‌ی داوید هیلبرت، آنجلو مارچلو آنیله، ترجمه بهرام معلمی
- روش علمی، روش آماری، و سرعت نور (۲)، آر. جی. مکای، آر. دبلیو. آلدفرد، ترجمه الهه وحیدی اصل
- داستان دو انتگرال، ویلموش توتیک، ترجمه فرزانه صفوی‌منش
- از گالوا تا اشتاینیتس: صد سال نظریه میدانها، ایزراییل کلاینر، ترجمه علیرضا جمالی
- مقادیر تابع زتای ریمان به ازای اعداد صحیح، رومن دیولوویچ، یان میناچ، ترجمه مونا نبیعی
- هندسه باید به مدرسه باز گردد، امیدعلی کرمزاده
- حل گزیده‌ای از مسأله‌های شماره قبل، محمدرضا درفشه
- چند مسأله به همراه حل، بامداد یاحقی
- حساب دیفرانسیل و انتگرال، حسن حقیقی
- دوست دارم ریاضیدان باشم، پال هالموس، ترجمه سیامک کاظمی

سیاسگزاری از آقایان سیاوش شهشهانی، محمدقاسم وحیدی اصل، و سیامک کاظمی که دعوت به مصاحبه را پذیرفتند و متن مصاحبه خود را چندبار ویرایش کردند سیاسگزارم. افرادی در یافتن مدارک و اسناد لازم به من یاری رساندند که از آن‌ها نیز سیاسگزارم از جمله آقایان محمدرضا کوشش، بهزاد منوچهریان، محمدباقر اسدی، یونس کرامتی، و سرکار خانم مریم اسدی. مدیون سرکار خانم شیوا زمانی و محمد غلامزاده محمودی هستم که با نگاه تیزبین و دقت بی‌نظیر، متن را خواندند و نکات اصلاحی بسیاری را گوشزد کردند.

مراجع

- [۱] آلبر، پیر؛ ترو، فرناندو، تاریخ مطبوعات جهان، ترجمه هوشنگ فرخجسته، پاسارگاد، تهران، ۱۳۶۲.
- [۲] اصغری، امیرحسین، پروژه آدم‌ها و ریاضیات: یحیی تابش (۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱) [فایل ویدئویی]، در <https://www.youtube.com/watch?v=a8dMRNfW6eI>
- [۳] برادران خسروشاهی، غلامرضا، جای خالی ریاضیات، نشر ریاضی، ۱ (۱۳۶۷)، شماره ۱، ۱۹-۲۳.
- [۴] بهزاد، مهدی، سخن مدیر مسؤول، نشر ریاضی، ۲ (۱۳۶۸)، شماره ۳، ۱۶۶.
- [۵] پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷.
- [۶] تابش، یحیی؛ صفری، پدram؛ لاجوردی، کاوه، شصت سالگی سیاوش شهشهانی، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۸۱.
- [۷] زارع، بیژن، تاریخچه مجلات علمی-تخصصی در ایران، رسانه، ۱۰ (۱۳۷۸)، ۴۸-۵۳.
- [۸] سراغاز، نشر ریاضی، ۱ (۱۳۶۷)، شماره ۳، ۲.

- [۹] شهشاهانی، سیاوش، ویژه‌نامه براؤر، نشر ریاضی، ۹ (۱۳۷۶)، شماره ۱، ۳-۴.
- [۱۰] شاهرزایی، محسن، بهزاد، دیبایه، تهران، ۱۴۰۰.
- [۱۱] عذر تأخیر، نشر ریاضی، ۱۵-۱۶ (۱۳۷۶)، شماره ۱ و ۲، ۲.
- [۱۲] فراستخواه، مقصود، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۸.
- [۱۳] قاسملو، فرید، رهیافتی به تاریخ ریاضیات در ایران معاصر، انتشارات فاطمی، تهران، ۱۳۹۶.
- [۱۴] قاسمی، سید فرید، اولین‌های مطبوعات ایران، نشر آبی، تهران، ۱۳۸۳.
- [۱۵] قاسمی، سید فرید، تاریخ مطبوعات ایران، انتشارات ثانیه، تهران، ۱۳۹۵.
- [۱۶] کاظمی، سیامک، همایون معین و دوران رونق ویرایش، فرهنگ و اندیشه ریاضی، ۴۳ (۱۴۰۳)، شماره ۲، ۳۰۳-۳۱۰.
- [۱۷] کمیته تاریخ شفاهی، دفتر اول: مصاحبه با دکتر سیاوش شهشاهانی، انجمن ریاضی ایران، ۱۴۰۲؛ در <https://fa.ims.ir/wp-content/uploads/2024/02/Tarikh-Shafahi-Dr-Shahshani.pdf>
- [۱۸] کمیته تاریخ شفاهی، دفتر دوم: مصاحبه با دکتر غلامرضا خسروشاهی، انجمن ریاضی ایران، ۱۴۰۱-۱۴۰۴؛ در <https://fa.ims.ir/wp-content/uploads/2025/11/Khosrowshahi250504FINAL020704.pdf>
- [۱۹] لاجوردی، کاوه، در وصف و مدح شهشاهانی، (۱۴ خرداد ۱۳۹۱) [فرسته وب‌نوشت]، در <https://blog.kaavelajevardi.com/2012/06/>
- [۲۰] لرونند، حامد، گردآورنده، نکوداشت آقای دکتر رجالی، دانشگاه مازندران، ۱۴۰۱.
- [۲۱] محیط طباطبائی، [استاد] سید محمد، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۶۶.
- [۲۲] مقصودی، سعید، اصلاحیه «میراث چهل‌ساله»، فرهنگ و اندیشه ریاضی، ۴۳ (۱۴۰۳)، شماره ۱، ۲۷۱.
- [۲۳] مقصودی، سعید، یادى از «جنگ ریاضی دانشجو»: گفت‌وگویی با غلامرضا خسروشاهی و بهزاد منوچهریان، فرهنگ و اندیشه ریاضی، ۴۳ (۱۴۰۳)، شماره ۲، ۱۸۵-۲۱۵.
- [۲۴] مقصودی، سعید، یک عمر ترجمه و ویراستاری ریاضیات، خبرنامه انجمن ریاضی ایران، ۱۷۲ (۱۴۰۱)، ۱۵-۲۹.
- [۲۵] مقصودی، سعید، احتمال‌دانی دلبسته ریاضیات: گفت‌وگویی با دکتر محمدقاسم وحیدی‌اصل، خبرنامه انجمن ریاضی ایران، ۱۷۳ (۱۴۰۱)، ۳-۲۷.
- [۲۶] مقصودی، سعید، میراث چهل‌ساله، فرهنگ و اندیشه ریاضی، ۷۰ (۱۴۰۱)، ۱-۴۶.
- [۲۷] ملّایی توانی، علیرضا، دکتر مهدی بهزاد در صحنه ریاضیات، نگارستان اندیشه، تهران، ۱۴۰۱.
- [۲۸] منوچهریان، بهزاد؛ قاسملو، فرید، مستندسازی تاریخ ریاضیات در ایران معاصر، ج ۴، انتشارات پارس‌نامه، تهران، ۱۴۰۲.
- [۲۹] میرزایی، محمد و محسن رستمی و دیگران، روزگار شریف، ج ۱، دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه انتشارات علمی، تهران، ۱۳۹۵.

[۳۰] نجفی، ابوالحسن، خدمات غیرقابل انکار پورجوادی در مرکز نشر دانشگاهی، نشریه بخارا، (۱۱۱) ۱۳۹۵، ۳۵۶-۳۵۱.

[۳۱] یادنامه‌ای برای سپاس از یحیی تابش، پیوست، شهریور ۱۴۰۳، در

<https://peivast.com/wp-content/uploads/Tabesh-Matn.pdf>

سعید مقصودی: دانشگاه زنجان، گروه ریاضی
رایانامه: s_maghsodi@znu.ac.ir

Nineteen Years of “Nashr-e Riyāzi”: An Interview with Siavash Shahshahani, Mohammad Qasem Vahidi-Asl, and Siamak Kazemi

S. Maghsoudi¹

Department of Mathematics, University of Zanjan, Iran

Abstract. It has been nearly a century since the first Persian-language journals in mathematics were published. Many have come and gone, shining for a while before fading away. But by every measure of quality and impact, one title stands out uniquely: “Nashr-e Riyāzi”. Founded in 1988 by the Iran University Press, the journal was created to provide “a more advanced and modern resource for university students and math enthusiasts. The goal was to use professional editing and clear, precise language to share exciting new discoveries, emerging fields, and the stories and ideas behind the mathematics. This was all part of a bigger mission: to raise the bar for how mathematical ideas are written and discussed in Persian, both in translations and in original expository articles.” Here we use present conversations with three of the journal’s former Editorial Board members to explore its founding story, its guiding principles, and the reasons for its lasting relatively long success. We also provide a comprehensive nineteen-year index of the journal.

Keywords: Persian mathematics journals, Nashr-e Riyāzi, the Iran University Press, expository article

Article history: Received 18 October 2025; Accepted 1 December 2025

Article type: interview
